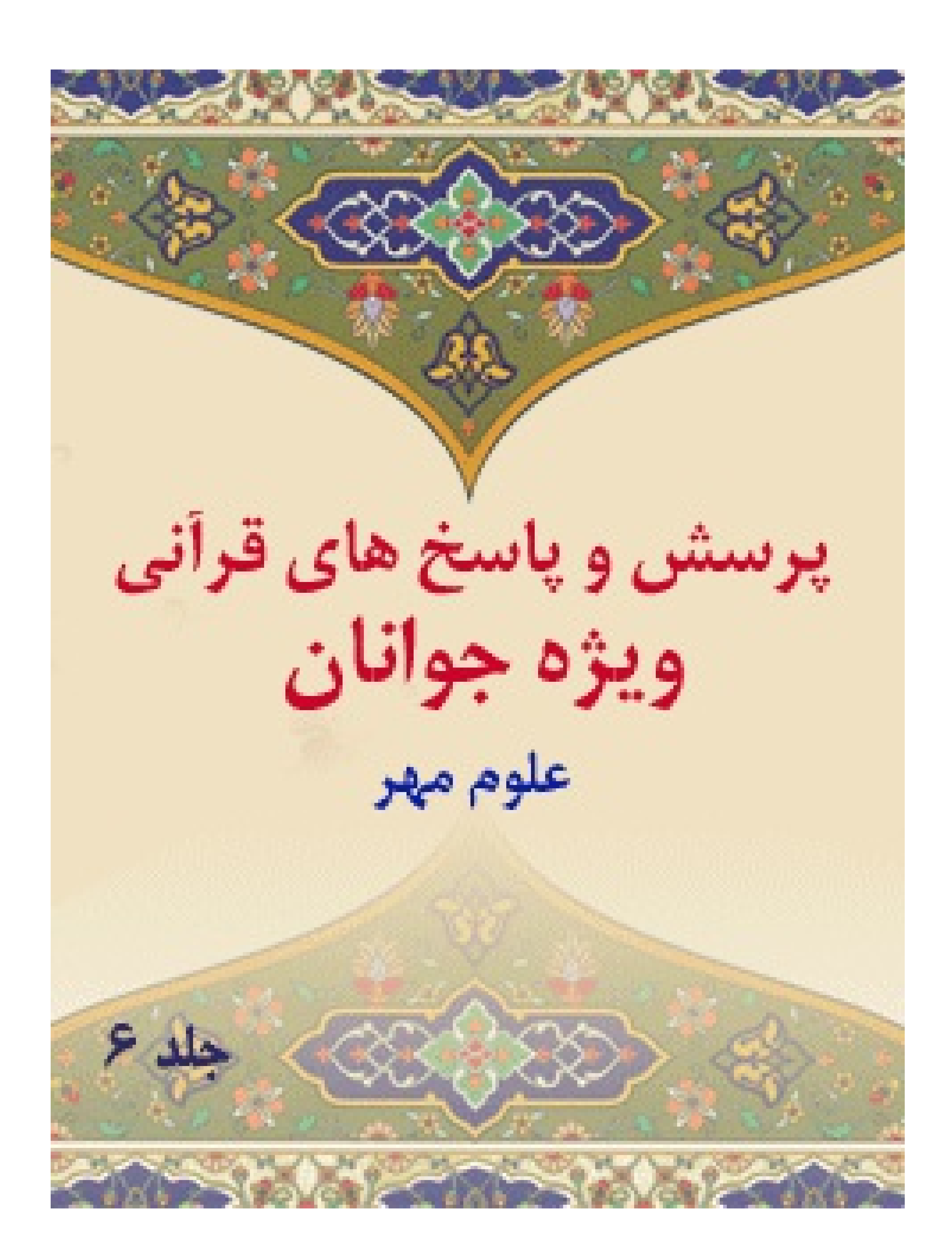

پرسش و پاسخ های قرآنی
ویژه جوانان
علوم مهر
جلد ۶



پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان

نویسنده:

محمدعلی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، جلد ۶(علوم مهر)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور:علوم مهر/ جمعی از پژوهشگران قرآنی؛ زیرنظر محمدعلی رضاییِ‌اصفهانی.

مشخصات نشر :قم: پژوهش های تفسیر وعلوم قرآن ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری ۲۳۰ص.: جدول.

فروست : پرسش‌های قرآنی جوانان [ج.]۶.

شابک ۱۸۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی:برون‌سپاری.

یادداشت:چاپ دوم.

یادداشت:کتابنامه.

موضوع :قرآن-- پرسش‌ها و پاسخ‌ها.

موضوع :اسلام -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها

شناسه افزوده:رضایی اصفهانی محمدعلی ۱۳۴۱ -

رده بندی کنگره BP۶۵/۲ /پ۴ ۶.ج ۱۳۸۶

رده بندی دیویی ۲۹۷/۱۰۷۶

شماره کتابشناسی ملی:۱۱۵۶۶۷۲

درآمد

قرآن کریم نوری همواره تابان است که بر اندیشه‌ی بشر تابید و راه انسان‌ها را روشن ساخت. این کتاب، منبع عظیم معرفتی و سفره‌ای الهی است «۱» که می‌تواند نسل‌های بشر را از زلال معرفت خویش سیراب سازد و به مقام دانش و دانشمندان ارج می‌نهد و عالمان و جاهلان را مساوی نمی‌داند «۲» و با اشارات متعدد به مباحث کیهان‌شناسی، زیست‌شناسی، رویان‌شناسی، فراروانشناسی، روح و روان انسان و ... حسّ کنجکاوی و پرسشگری انسان را تحریک می‌کند و زمینه رشد علوم را فراهم می‌سازد. «۳»

پرسش کلید دانش است «۴» و ذهن پرسشگر ارجمند است و وظیفه دانشمندان دریافت پاسخ از منابعِ قرآن، حدیث، عقل و علوم تجربی و ارائه آن به تشنگان حقیقت است.

از این رو جمعی از پژوهشگران حوزه و دانشگاه گردهم آمده و با تأسیس «واحد پاسخ به پرسش‌های تخصصی قرآن و علم»، و ارسال پرسش نامه به

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۰

دانشگاه‌های مختلف، به گردآوری پرسش‌ها و ارائه پاسخ پرداخته‌اند و اینک بخشی از این پرسش و پاسخ‌ها را در این مجموعه گردآوری و ارائه می‌کنند.

بنده که از آغاز با این عزیزان همراهی داشته‌ام، شاهد تلاش علمیِ همراه با تعهد آنها بوده‌ام، که در حد توان کوشیده‌اند پاسخ‌های مناسب و متین ارائه کنند. البته برخی پرسش‌ها نیز از طریق شنوندگان محترم رادیو معارف دریافت شده و در برنامه پرسش و پاسخ قرآنی پاسخ داده‌ایم که به این مجموعه افزوده شد. امیدوارم خدای متعال این خدمت علمی و قرآنی را از همه‌ی ما بپذیرد و در

پرتو قرآن و اهل بیت (ع) پاداش نیک عطا فرماید!

از آنجا که واحد تخصصی پاسخ به پرسش‌های قرآن و علم مشمول حمایت ویژه «ستاد پاسخگوئی به مسائل مستحدثه دینی دفتر تبلیغات» بوده، بر خود لازم می‌دانیم از مسئولین محترم آن ستاد تشکر کنیم.

در ضمن از خوانندگان محترم درخواست داریم که ما را از راهنمایی و نقد منصفانه خویش محروم نفرمایند و از جوانان عزیز می‌خواهیم که اگر پرسش‌هایی در زمینه قرآن و علم دارند، به آدرس ما ارسال فرمایند. «۱»

با سپاس

محمدعلی رضائی اصفهانی

قم- ۱/ ۳/ ۸۵

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۱

فصل اول: قرآن و روان‌شناسی

اشاره

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۳

آیات روان‌شناسی در قرآن و منابع مطالعاتی آن

پرسش:

آیات روان‌شناسی در قرآن و منابع مطالعاتی آن: ۱. چند آیه در مورد موضوعات روان‌شناسی در قرآن وجود دارد؟

۲. منابعی برای روان‌شناسی در قرآن معرفی کنید؟

پاسخ:

قرآن کریم کتابی است که برای هدایت انسان از جانب خداوند متعال نازل شده است.

این مجموعه‌ی انسان‌ساز حاوی بیاناتی با موضوع «انسان و تربیت» است که می‌توان آن آیات را در بردارنده‌ی موضوعی از موضوعات روان‌شناسی دانست.

در مورد آیات روان‌شناسی باید گفت: به علت گستردگی موضوع روان‌شناسی، شمارش آیات در این مورد سخت و دشوار است. ولی برخی با طرح موضوعات مختلف روان‌شناسی، تعداد آیات مربوط به آن را حدود هفتصد آیه «۱» بر شمرده‌اند. البته این رقم و موضوعات ذیل آیات آن، جای تأمّل دارد برای آشنایی با آیات روان‌شناسی در قرآن لازم است به تعدادی از مهمترین آیات با ذکر موضوع اشاره نمائیم:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۴

۱. ارزیابی شخصیت براساس روان‌شناسی:

در داستان حضرت سلیمان (ع) می‌خوانیم:

«وَإِنِّی مُرْسِلَهٌ إِلَیْهِم بِهَدِیَّهٍ فَنَاظِرَهٌ بِمَ یَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ فَلَمَّا جَاءَ سُلَیْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِی اللَّهُ خَیْرٌ مِمَّا آتَاکُمْ بَلْ أَنتُم بِهَدِیَّتِکُمْ تَفْرَحُونَ» «۱» «و در واقع من هدیه‌ای به سوی آنان می‌فرستم، پس بنگرم که فرستادگان با چه چیزی باز می‌گردند. و هنگامی که (فرستاده ملکه) نزد سلیمان آمد، (سلیمان) گفت: آیا [مرا] با مال امداد می‌رسانید؟! پس آنچه خدا [به من داده، بهتر

است از آنچه به شما داده است؛ بلکه شما فقط به هدیه خود شادمان می‌شوید.»

۲. شخصیت:

در سوره‌ی اسراء آیه‌ی ۸۴ می‌فرماید:

«قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا»

بگو: «همه بر طبق (روش و خُلق و خوی) خویش عمل می‌کنند؛ و پروردگارتان داناتر است، به کسی که او ره‌یافته‌تر است.»

توضیح: «شاکله» از ماده «شکل» به معنای «مهار کردن حیوان» است. «۲» به خود مهار «شکال» گفته می‌شود و از آنجا که روحیات و سجایا و عادت‌های هر انسانی او را به رویه‌ای خاص مقید می‌کند به آن «شاکله» گویند. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۵

۳. واکنش‌های روانی، افشاگر راز درون:

خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

«وَإِذا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ يَرَاكُم مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَايَفْقَهُونَ» «۱» «و هنگامی که سوره‌ای فرو فرستاده شود، برخی آن (منافق) ان به برخی (دیگر) نگاه می‌کنند (در حالی که می‌گویند:) آیا هیچ کس شما را می‌بیند؟ سپس منصرف می‌شوند (و بیرون می‌روند)؛ خدا دل‌هایشان را (از رحمت) منصرف ساخته؛ بخاطر آنکه آنان گروهی هستند که فهم عمیق نمی‌کنند.»

آیه بیانگر آن است که عکس‌العمل منافقان به هنگام نزول قرآن، حاکی از احساس خطر آن‌ها بوده است. به عبارت دیگر با نزول قرآن، واکنش‌های غیرارادی همراه با ترس که از نفاق آن‌ها نشأت گرفته بود از آنها بروز کرد. این واکنش‌ها بیانگر درون ملتهب و نگران منافقان بود. «۲»

۴. تقسیم شخصیت براساس عقیده:

از جمله مباحث روان‌شناسی، روان‌شناسی شخصیت است که می‌توان آن را براساس معیارها با موضوعات مختلف تقسیم کرد.

در قرآن کریم با توجه به اهمیت موضوع شخصیت؛ آن را به سه دسته «مؤمن»، «کافر» و «منافق» تقسیم و در موقعیت‌های گوناگون، ویژگی‌های هر

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۶

کدام را به خوبی بیان کرده است. این تقسیم در اول سوره‌ی بقره آیات اول تا بیستم آمده است.

۵. روان‌شناسی رنگ‌ها:

از جمله مباحث روان‌شناسی که در سال‌های اخیر به آن توجه بیشتری شده، روان‌شناسی رنگ‌ها است. این موضوع در آیاتی از قرآن مطرح شده، مانند آیه‌ی:

«قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْنُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ» «۱» گفتند: «برای ما از پروردگارت بخواه تا برای ما روشن بیان کند که رنگ آن (گاو) چگونه است؟» (موسی) گفت که او می‌گوید: «در حقیقت آن گاوی زرد است که رنگش یکدست است، که بینندگان را شاد سازد.»

در این آیه سخن از گاو زرد رنگی است که هر بیننده‌ای، با دیدن آن شادی درونی پیدا می‌کند.

کلمه «تسرّ» به معنای خوشحالی حقیقی و درونی می‌باشد. «۲» چرا که از ماده «سرّ» به معنای «پنهان» گرفته شده است. این شادی ممکن است آشکار نشود. از این رو از ماده «فرح» استفاده نکرده است. ذکر این نکته لازم است که نقیض «سر»، «حزن» است و نقیض «فرح»، «غم» و اندوه است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۷

از طرفی بـا بررسـی‌های انجـام گرفته «رنـگ زرد» بـاعث آرامش و سـرور بـاطنی انسـان می‌شود و در خوابگاه‌های روان درمانی، از رنگ زرد برای لباس‌های بیماران استفاده می‌شود. «۱»

۶. روان‌شناسی رشد:

۱- ۶. مراحل رشد کودک: «۲»

«وَاللَّهُ أَخْرَجَكُم مِّن بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئاً وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» «۳» «خداوند شما را از رحم مادرانتان بیرون آورد در حالی که هیچ نمی‌دانستید، و به شما گوش و چشم‌ها و قلب عطا فرمود تا اینکه شکر به جا آورید.»

۲- ۶. رشد زبان:

«خلق الانسان علّمه البیان» «۴» «انسان را خلق کرد، به او گفتار را تعلیم داد.»

مرحوم علامه طباطبایی (ره) در این مورد می‌نویسند:

«زبان [تنها]، ایجاد آوا توسط سیسـتم آوایی بـدن، و یا چنـد گونگی صوت در انسان نیست بلکه با الهامی که از سوی خدای بزرگ به انسان شده توانایی یافته

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۸

است که بـا کـاربرد حروف و ترکیب آنهـا واژه‌ای بسـازد که رساننـده معنایی خاص باشـد و بـدان وسیله آن چه را حس و ادراک مخاطب به آن نمی‌رسد مجسم سازد ...» «۱»

۳- ۶. عوامل موثر در رشد زبان:

در رشـد زبـان یـک سلسله عوامل مادی که قابل اثبات در آزمایشـگاه‌ها می‌باشـد دخالت دارد. که برخی از این عوامل عبارتنـد از: تلویزیون، رشد بدنی، سلامت بدن، هوش، محیط خانواده و ... «۲»

ولی قرآن علاوه بر علت مادی، علَت «غیرمادی» را نیز برای رشد زبان برخی افراد دارای تأثیر می‌داند و می‌فرماید:

«وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ» «۳»

و در گهواره و میان سالی با مردم سخن خواهد گفت.» و «كَيْفَ نُكَلِّمُ مَن كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيّاً» «۴»

«چگونه با کودکی که در گهواره است سخن گوییم ...»

این «علت غیرمادی»، «اراده‌ی خداوند» است که به صورت اعجاز در حضرت عیسی (ع) تجلی کرده است.

۴- ۶. خانواده:

یکی از عوامل مؤثر در رشد انسان خانواده است. قرآن کریم با تأکید بر ایجاد خانواده‌ی سالم و آرام، می‌فرماید: «۵»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۹

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجاً لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» «۱» «و از نشانه‌های او این است که همسـرانی از (جنس) خودتان برای شـما آفریـد، تا بـدان‌ها آرامش یابیـد، و در بین شـما دوستی و رحمت قرارداد؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکّر می‌کنند.»

۵- ۶. رشد شخصیت:

قرآن بر این نکته که محرومیت جنسـی لزوماً موجب آسـیب نیست؛ تاکیـد دارد. و این نظریه بر خلاف نظریه‌ی «فروید» است ولی با نظر «مزلو» قابل تفسیر است. «۲»

«وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحاً حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ ...» «۳» «و کسانی که (وسایل) ازدواج نمی‌یابنـد، باید خویشـتنداری

کنند تا خدا از بخشش خود آنان را توانگر سازد. و از میان آنچه (از بردگان) مالک شده‌اید، کسانی که خواستار (قرارداد آزادی:) مُکاتبه هستند، پس با آنان (قرارداد) مُکاتبه ببندید، اگر در (آزادی) ایشان نیکی می‌دانید؛ و از مال خدا که به شما داده، به آنان بدهید. و کنیزان جوانسال خود را اگر پاکدامنی را می‌خواهند، بر تجاوزکاری (: زنا) به اکراه وامَدارید، تا (کالای) ناپایدار زندگی پست (دنیا) را بجویید؛ و هر کس آنان را (بر این کار) به اکراه وادار کند (و پشیمان شود)، پس بعد از اکراه آنان خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۰

لازم به ذکر است که اسلام در مورد ازدواج و تنظیم مسایل جنسی در جامعه، اهمیت زیادی می‌دهد «۱» ولی همان طور که گفته شد لزوماً محرومیت جنسی را موجب آسیب نمی‌داند.

۶- ۶. کفایت اجتماعی:

کفایت اجتماعی عبارت است از: «قابلیتی که کودک می‌تواند به وسیله‌ی آن از منابع محیطی بهره جوید و نتیجه‌ی رشدی خوبی به دست آورد.» «۲»

از قرآن کریم می‌توان استنباط کرد که انسان‌ها دارای ویژگی تلاش و نیاز به پیشرفت هستند:

«يَاأَيُّهَا الْإِنسَانُ إِنَّکَ کَادِحٌ إِلَى رَبِّکَ کَدْحاً فَمُلَاقِيهِ» «۳» «ای انسان! در حقیقت تو به سوی پروردگارت کاملًا تلاش می‌کنی (و رنج می‌کشی) و او را ملاقات می‌کنی.»

جمع‌بندی:

حاصل سخن اینکه، قرآن کتابی است که برای تربیت انسان نازل شد و در مواقع ضرورت پرده از اسرار علمی موجود در طبیعت برداشته است. مانند: روان‌شناسی، اعم از: ارزیابی شخصیت، واکنش‌های روانی، شخصیت براساس عقیده، روان‌شناسی رنگ‌ها، روان‌شناسی رشد، کودک و ... هر چند از نظر موضوع و از لحاظ آیات منحصر به موارد مذکور نیست.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۱

معرفی کتاب:

منابع برای مطالعه و تحقیق در مورد موضوع روان‌شناسی و قرآن عبارتند از:

۱. قرآنو روان‌شناسی، محمد عثمان نجاتی، ترجمه عباس عرب، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۹.

۲. روان‌شناسی اسلامی، علامه محمدتقی جعفری، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۸.

۳. رؤیا از نظر دین و روان‌شناسی، محمدرضا رضوان طلب، انتشارات شفق، ۱۳۷۹.

۴. روان‌شناسی در قرآن کریم، امان الله خلجی موحد، مرکز نشر علوم و معارف قرآن کریم، ۱۳۸۳.

۵. روان‌شناسی رشد، جمعی از نویسندگان (حوزه و دانشگاه)، نشر حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۵.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۳

قرآن در مورد افسردگی و مبتلا نشدن به آن چه راهکارهایی دارد؟

پرسش:

قرآن در مورد افسردگی و مبتلا نشدن به آن چه راهکارهایی دارد؟ پاسخ:

افسردگی از جمله بیماری‌های روانی است که در جوامع مختلف شیوع دارد. این اختلال روانی در قرن اخیر یکی از مشکلات مهم و نگران کننده‌ی جوامع و از جمله، عوامل تهدید کننده‌ی وضعیت اقتصادی کشورها به شمار می‌رود و از این رو مورد توجه

بسیاری از صاحب‌نظران و سیاستگزاران امور بهداشتی کشورها و سازمان جهانی بهداشت قرار گرفته است. «۱»

قبل از پاسخ لازم است به بررسی علت‌های بروز این حالت روانی بپردازیم: «۲»

۱. عوامل زیست‌شناختی: شامل آمادگی‌های ژنتیکی، پیام‌رسانی‌های عصبی، نور و آندوکرین و ... البته این عوامل ارتباطی با اعتقادات مذهبی ندارد و یا ارتباط آن ضعیف است.

۲. عوامل روان‌شناختی: شامل دیدگاه‌های روان پویایی، شناختی، رفتاری و ... که در سبب شناسی افسردگی نقش زیادی دارند. توضیح این که:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۴

۱- ۲. دیدگاه‌های روان پویایی: از نظردانشمندان روان‌شناسی، از دست دادن فرد مورد علاقه و یا هر شی دوست داشتنی، باعث ایجاد اضطراب و تنش‌های درونی می‌گردد، که در صورت درون فکنی آن، باعث بروز افسردگی می‌شود.

۲- ۲. دیدگاه‌های شناختی: آقای keeB مثلث شناختی منفی را در سبب‌شناسی افسردگی به صورت ذیل مطرح می‌نماید:

* نگرش منفی نسبت به خویشتن این نوع نگرش باعث «بروز احساس حقارت» در انسان می‌شود.

* نگرش منفی نسبت به تجربیات گذشته این نوع نگرش موجب بروز «احساس بدبینی» در انسان می‌گردد.

* نگرش منفی نسبت به حوادث آینده که باعث «احساس ناامیدی» در انسان می‌شود.

بروز این گونه احساسات باعث ایجاد افسردگی در فرد می‌شود.

۳- ۲. دیدگاه‌های رفتاری (یادگیری): رفتارگرایان معتقدند که تجربه‌ی مستمر ناراحتی، ناکامی و درماندگی را به دنبال دارد که خود باعث ایجاد افسردگی می‌گردد.

۳. عوامل جامعه شناختی: جامعه شناسان عوامل زیر را موجب بروز افسردگی می‌دانند:

۱- ۳. حوادث تنش زای زندگی.

۲- ۳. تجرد و خانواده‌ی از هم گسسته: براساس بررسی‌های میدانی، افسردگی در افراد مجرد و به ویژه در افرادی که با طلاق از هم جدا شده‌اند و خانواده‌های گسسته، شیوع بیشتری دارد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۵

۳- ۳. احساس تنهایی و انزوا از عوامل افسردگی به شمار می‌رود.

۴- ۳. فقر اجتماعی.

آنچه گفته شد عواملی بود که صاحب نظران برای بروز افسردگی برشمرده‌اند، گرچه موارد دیگری نیز در بروز این بیماری وجود دارد که بیان تمامی موارد آن از حوصله این مقاله خارج است.

راه درمان:

قرآن کریم به عنوان تنها منبع وحیانی مورد اعتماد؛ با نگاهی جامع به انسان، و نیازهای او و ظرفیت وجودیش، دستورالعمل‌هایی را برای سالم ماندن از حمله‌های عصبی، افسردگی و هر بیماری دیگر بیان کرده است.

قرآن کریم می‌فرماید:

«مومنان کسانی هستند که هر گاه مصیبتی به آنان برسد متوجه خداوند شده و می‌گویند: انا لله و انا الیه راجعون. «۱» در حقیقت ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم.»

قرآن کریم با بیان این دستورالعمل، انسان مصیبت زده را از افتادن به ورطه‌ی اضطراب و افسردگی نجات می‌دهد و در صورت بروز اضطراب با بیان «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» «۲»، او را به آرامش و دور شدن از اضطراب دعوت می‌کند. شخصی که معتقد به

نیرویی فراتر از ماده باشد هیچ گاه از دست دادن چیزی از امور دنیوی او را افسرده و غمگین نمی کند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۶

همان طور که گذشت، طبق بیان دیدگاه‌های شناختی نیز، سه نگرش منفی وجود دارد که باعث بروز افسردگی در انسان می گردد. ولی خداوند در مقابله با این عوامل می‌فرماید:

«وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» «۱»

از این رو شخصی که خود را عزیز بداند و به این نسخه‌ی شفا بخش توجه کند دچار احساس حقارت نمی گردد.

خداوند در جای دیگر از احساس بدبینی نهی و آن را گناهی بزرگ شمرده و می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيراً مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» «۲»

«ای مردم! در واقع ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را نژادها و قبیله‌هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید.»

آری کسی که به آیات الهی مومن است تلاش می کند نسبت به دیگران بدگمانی نداشته باشد یا بد گمانی خود را کنترل کند؛ در آن حال از افسردگی و افسرده شدن نجات یافته است.

قرآن کریم در رابطه با عامل دیگر ایجاد افسردگی یعنی احساس نومیدی، می‌فرماید:

«وَلَا تَيْأَسُوا مِن رَّوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِن رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» «۳»

«و از [گشایش و] رحمت خدا ناامید نشوید؛ [چرا] که جز گروه کافران، (کسی) از رحمت خدا ناامید نمی‌شود.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۷

و در جای دیگر می‌فرماید:

«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَحْمَهِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» «۱»

«بگو: «ای بندگان من که در مورد خودتان زیاده روی کرده‌اید، از رحمت خدا ناامید نشوید، [چرا] که خدا تمام آثار (گناهان) را می آمرزد؛ که تنها او بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.»

از جمله عوامل دیگر افسردگی، تجربه‌ی مستمر ناراحتی بود، قرآن کریم راه نفوذ برخی ناراحتی‌ها را که ممکن است عواملی مانند: نوع نگاه شخص به وقایع اطراف باشد را مسدود کرده است و می‌فرماید:

«عَسَى أَن تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَن تُحِبُّوا شَيْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» «۲»

«و چه بسا از چیزی ناخشنودید، و آن برای شما خوب است؛ و چه بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است. و خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید.»

در زندگی روزمره، حوادثی اتفاق می‌افتد که ممکن است باعث ناراحتی انسان شود. خداوند می‌فرماید: در رابطه با این امور، ناراحتی به خود راه ندهید. چه بسا همین امر که به ظاهر موجب ناراحتی شما شده است، مصلحت شما در آن باشد. از آن جا که این بیان عام می‌باشد، فرد مومن باید نسبت به هر امر به ظاهر ناراحت کننده با دیده‌ی مثبت نگریسته و از گرفتار شدن در کمند غمگینی شدید رهایی می‌یابد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۸

عوامل جامعه شناختی مطرح شده نیز، از نگاه قرآن مخفی نمانده و با بیاناتی شیوا، انسان را از وارد شدن به آن محدوده باز داشته است و می‌فرماید:

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» «۱»

«و قطعاً [همه شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهشی در ثروت‌ها و جان‌ها و محصولات، آزمایش می کنیم؛ و به شکیبایان

مژده ده.»

خداوند در این آیه عوامل امتحان بشر را باز می‌شمارد. عواملی که در صورت عدم ایمان شخص، باعث تنش در زندگی او می‌شود و فرد را به کام افسردگی فرو می‌برد، اما خداوند با تذکر به این نکته که این موارد برای امتحان و آشکار شدن افراد صابر است و جامعه‌ی اسلامی را از ورود به اضطراب و افسردگی نجات می‌دهد.

از عوامل دیگر جامعه‌شناختی در بروز افسردگی، تجرد و خانواده‌های از هم گسسته است. در اسلام به موضوع ازدواج و تشویق به تشکیل خانواده اهتمام زیادی شده است و آن را عامل ثبات روانی و دور شدن از اضطراب می‌داند و می‌فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجاً لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» «۲» «و از نشانه‌های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان‌ها آرامش یابید، و در بین شما دوستی و رحمت قرارداد؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکّر می‌کنند.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۹

در آیه‌ی شریفه، آفرینش موجودی از جنس بشر که به عنوان همسر معرفی شده را مایه‌ی سکون و آرامش دانسته و با این فرایند، جامعه‌ی اسلامی را از ورود به وادی اضطراب و تشنج روانی دور نگه می‌دارد.

اسلام رهبانیت و انزواطلبی و فرار از ازدواج را نهی، و در مقابل، ازدواج را دریچه‌ای برای ورود به وادی آرامش و سلامت روانی معرفی کرده است. و از طرفی، طلاق تا زمانی که چاره‌ای جز آن نباشد- امری ناپسند معرفی شده است. گرچه آموزه‌های قرآنی، طلاق را در صورت ضرورت، وسیله‌ای برای رهایی و فرار از فشارهای روانی ناشی از اختلافات خانواده می‌داند. ولی برای آن شرایطی را قرارداده است که در آن صورت فشار روانی حاصل از این جدایی را به حداقل می‌رساند:

«وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ» «۱»

«و هنگامی که زنان را طلاق دادید، و به (روزهای پایانی) سرآمدِ (عدّه) شان رسیدند، پس بطور پسندیده نگاهشان دارید، یا بطور پسندیده آزادشان سازید؛ و بخاطر زیان رساندن نگاهشان ندارید.»

موضوع این آیه، طلاق و جدایی همسران است. ولی با ظرافتی که مخصوص قرآن است می‌فرماید: در این هنگام که عده‌ی زن در حال تمام شدن است، یا به بهترین وجه رجوع کرده، و زندگی را ادامه دهید، و یا با بهترین وجه که هیچ گونه آشفتگی روحی را به همراه نیاورد جدا شوید. پیشنهاد رجوع مجدد به زوج از طرف خداوند، نشان از اهمیت پیوند و استمرار زندگی در اجتماع دارد و تاکید به جدایی همراه با زیبایی و خوبی که هم شرع و هم عرف و عقل آن را تایید

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۳۰

کند «۱» نشان از احتمال بروز حمله‌های روانی در این حالت دارد، که با این گونه برخورد زوج، این حمله‌ها به حداقل می‌رسد.

در آیه‌ی بعد، توصیه دارد که از ازدواج مجدد همسر جلوگیری نشود- در گذشته مرسوم بود- و ازدواج همراه با نیکی را مورد تاکید قرار می‌دهد؛ که خود دلیل دیگری بر اهمیت دادن قرآن به ازدواج و اکراه از تجرد است.

به طور خلاصه، نظر قرآن در این باره چنین است:

۱. سفارش به ازدواج.

۲. نکوهش طلاق، هر چند آنرا دریچه‌ی خروج از بن بست‌های تفاهم می‌داند.

۳. توصیه به تحکیم روابط عاطفی خانوادگی از دیگر آموزه‌های قرآن است.

چنانچه گذشت، اسلام نه تنها از رهبانیت و انزواطلبی نهی کرده بلکه رجوع به جمع و همکاری جمعی را سفارش می‌کند و می‌فرماید:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا» «۲»

«و همگی به ریسمان خدا، تمسّک جویید، و پراکنده نشوید.»

و در آیه‌ی دیگر می‌فرماید:

«تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» «۳»

«و بر (ای) نیکوکاری و (خود نگهداری و) پارسایی با یکدیگر همکاری کنید.»

با این راهکار قرآنی و استفاده صحیح از آن‌ها، افسردگی در جامعه‌ی اسلامی به حداقل می‌رسد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۳۱

افسردگی در آیینه‌ی روایات:

عواملی که در پیدایش و یا تشدید افسردگی نقش دارند فراوانند. در احادیث اهل بیت (ع)- که خود مفسر واقعی قرآنند- عوامل شناختی، عاطفی و رفتاری متعددی برای این موضوع بیان شده که به بخشی از این روایات اشاره می‌شود:

الف. وابستگی:

وابستگی از جمله عواملی است که در روایات متعدد از آن به عنوان عامل افسردگی نام برده شده است. از آن جا که انسان نمی‌تواند در زندگی به تمام تمایلات و خواست‌های خود برسد این ناکامی باعث غمگینی شدید و افسردگی فرد می‌شود. از رسول اکرم (ص) حکایت شده است:

«انا رعیم بثلاث لمن اکب علی الدنیا بفقر لاغناء له و بشغل لافراغ له و بهمّ حزنٍ لا انقطاع له»؛ «۱» «کسی که علاقه و وابستگی زیاد به دنیا داشته باشد به طور قطع سه چیز را در پی دارد: نیازمندی، که هیچ گاه به بی‌نیازی نمی‌انجامد؛ گرفتاری، که هرگز از آن خلاصی نیست؛ و افسردگی و غمگینی، که جزء وجودش می‌شود و از او جدا نمی‌گردد.»

ب. دوری از معنویت:

از جمله عوامل افسردگی که در روایات اسلامی به آن اشاره شده، عامل دوری از معنویت و پیروی از هواهای نفسانی، خشم و شهوت رانی و اموری از این قبیل می‌باشد. برای مثال از حضرت علی (ع) نقل شده که می‌فرمایند:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۳۲

«من غضب علی من لایقدر ان یضره طال حزنه و عذب نفسه»؛ «۱» «هر که به ناحق بر کسی خشم گیرد که توان آسیب رساندن به وی را ندارد، اندوهش دراز گردد و خود را عذاب دهد.»

ج. منفی نگری:

در روایات اسلامی موضوع منفی‌نگری در محورهایی مانند: تردید نسبت به الطاف خداوند، نارضایتی از خداوند و ناخشنودی از زندگی، نپذیرفتن واقعیت و خیال پردازی، برآورده نشدن انتظارات و نگرش منفی نسبت به اطرافیان و اموری این چنین تجلی پیدا کرده، و عاملی برای پیدایش افسردگی معرفی شده است. امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید:

«ان الله- بعدله و حکمته و علمه- جعل الرَوح و الفرح فی الیقین و الرضا عن الله و جهل الهمّ والحزن فی الشک والسخط»؛ «۲» «خداوند براساس عدالت و حکمت و علم خود، آرامش و شادابی را در معرفت یقینی و رضایت (از آنچه به او و به دیگر بندگان عطا کرده) قرارداده است و اندوهگینی و افسردگی را در شک و تردید و عدم رضایت قرار داده است.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۳۳

د. ضعف انگیزه و اراده:

در روایات اسلامی، ضعف انگیزه و اراده در موضوعاتی مانند: کوتاهی در انجام فعالیت و عدم دستیابی به موفقیت‌ها تجلی کرده و

به عنوان عاملی برای افسردگی معرفی شده است.

از این روی از حضرت علی (ع) روایت شده که می‌فرماید:

«من قصر فی العمل ابتلی بالهمّ»؛ «۱»

«هر کس در انجام تکالیف و فعالیت‌های خود کوتاهی کند به غم و اندوه و افسردگی مبتلا می‌شود.»

ه‌-. آرزوهای دور و دراز (طول امل):

در منابع اسلامی داشتن آرزوهای طولانی و در قبال آن‌ها خیال‌پردازی را مایه‌ی افسردگی می‌داند و از امیرالمومنین (ع) نقل شده است: «ایاك و الاغترار بالامل ... فعظم الحزن و زاد الشغل و اشتدت التعب ... و زدتَ به فی الهم و الحزن»؛ «۲» «از اینکه آرزوهای دور و دراز داشته باشی و فریب آن‌ها را بخوری برحذر باش! که تو را ناراحت و اندوهناك می‌سازد و به تدریج اندوهت بزرگ می‌شود و فکر تو را مشغول می‌سازد و ناراحتی‌ات را افزایش می‌دهد.»

بررسی‌های تجربی در «رابطه‌ی بین اعتقادات مذهبی و افسردگی»:

طبق آمار میان میزان افسردگی و عقاید مذهبی همبستگی منفی وجود دارد. «۳» نتایج یک مطالعه با نمونه برداری تصادفی در گروه‌های مشابه نشان داد که همبستگی مثبتی بین خواندن نماز و بهبود افسردگی و اضطراب و افزایش اعتماد به نفس وجود دارد. در این زمینه «ازالی»، «هاسانچ»، «آمینا» و «سابرامانیام» در مطالعه‌ی میان ۱۳۰ بیمار مبتلا به اضطراب، و ۱۰۰ بیمار مبتلا به افسردگی، در دو گروه متمایز با شرایط فرهنگی مذهبی قوی و ضعیف به این نتیجه رسیدند

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۳۴

که: «گروه دارای اعتقادات مذهبی، بعد از شش ماه روان درمانی، بهبود بیشتری یافتند.» «۱»

تحقیق میدانی در مورد این «ارتباط» به صورت مکرر صورت گرفته که بخشی از آن‌ها در کتاب «اسلام و بهداشت روان» آمده است.

نتیجه‌گیری:

قرآن کریم نسبت به انسان و حالات روحی او آگاهی کامل داشته و زمینه‌های منجر به افسردگی را بیان و راه درمان آن را تجویز کرده است. در این نوشتار، اول به بررسی علل مطرح شده در مکاتب مختلف روان‌شناسی در مورد افسردگی پرداخته شد و در مرحله‌ی بعد پاسخ‌های قرآنی آن داده شد؛ همچنین موضوع را در آیینه‌ی روایات بررسی کردیم و در نهایت نمونه‌ای از بررسی‌های صورت گرفته در مورد «ارتباط دین و افسردگی» ارایه گردید.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. مجله معرفت، ش ۸۴، ص ۴۸، مقاله افسردگی، دکتر علی نقی فقیهی و جمشید مطهری.

۲. اسلام و بهداشت روان (۱)، مجموعه مقالات.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۳۵

آیا توکل مستلزم تنبلی و سستی نیست؟

پرسش:

آیا توکل مستلزم تنبلی و سستی نیست؟ پاسخ:

برای پاسخ لازم است در ابتداء و به بیان معنای لغوی و اصطلاحی توکل بپردازیم:

«توکل» در لغت به معنای واگذار کردن کار خویش به دیگری است. این کلمه مصدر از باب تفعل و از ماده‌ی «وکل» می‌باشد. که

به دو معنای ولایت پذیری «توکلت لفلان» به معنای «تولیتُ» و اعتماد کردن به دیگری «توکلت علیه» یعنی «اعتمدتُه» به کار رفته است. «۱»

صاحب نظران در معنای اصطلاحی آن می‌گویند: توکل به خداوند یعنی: واگذاری امور به حق و نیز وکیل، به معنای حفیظ و نگه‌دارنده و سرپرستی می‌باشد. «۲»

این مفهوم در منطق قرآن به معنای اعتماد کردن بر خدا و او را ولی و وکیل خود قرار دادن است و بر اثر آن، از حجم مشکلات و انبوه موانع نهراسیدن، که این یکی از نشانه‌های ایمان است و از عوامل پیروزی و موفقیت در مبارزه‌ها به شمار می‌آید. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۳۶

به عبارت دیگر، مفهوم «توکل» در آموزه‌های قرآن این نیست که انسان دست از تلاش و کوشش بردارد و به گوشه‌ی انزوا بخزد و بگوید: تکیه گاه من فقط خداست، بلکه مفهوم «توکل» این است که هر گاه انسان نهایت تلاش و کوشش خود را به کار بست و نتوانست مشکل را حل کند و موانع را از سر راه خود کنار بزند؛ وحشتی به خود راه ندهد و با اتکاء به لطف پروردگار و استمداد از ذات پاک و قدرت بی‌پایان او ایستادگی به خرج دهد و به جهاد و کوشش پیگیر خود ادامه دهد؛ حتی در جایی هم که توانایی دارد، خود را بی‌نیاز از لطف خدا نداند چرا که تمام قدرت‌ها از جانب اوست. «۱»

علاوه بر آن، «توکل» نوعی تقویت اراده و نیرو بخشی است. دین مقدس با پیش بینی آن، انسان را از ناامیدی و انزوا و کناره گیری از فعالیت، نجات داده و توکل را وسیله‌ای برای تقویت انگیزه و روشن شدن امید در درون انسان قرار داده است.

توکَل در آیینه‌ی آیات قرآن:

در آیات متعددی، از «توکل» سخن به میان آمده است که با بررسی برخی از آن موارد، نکات تازه‌ای به دست می‌آید.

الف. خداوند متعال در سوره‌ی آل عمران آیه‌ی ۱۵۹ می‌فرماید:

«... فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللّهِ إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»؛ «و هنگامی که تصمیم گرفتی، پس بر خدا توکّل کن؛ چرا که خدا توکّل کنندگان را دوست می‌دارد.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۳۷

نکته‌ها:

۱. همان طور که آیه تصریح دارد خداوند، پیامبر را بعد از مشورت با اصحاب و مصمم شدن بر انجام آن، مأمور به توکل بر خود می‌کند. به عبارت دیگر در انجام هر کار مخصوصاً کارهای مهم بعد از انجام مقدمات، مانند مشورت کردن و مصمم شدن بر رأی خاص و ... برای پیشبرد کار لازم است بر خداوند توکل شود، تا در بین راه سستی و بی‌میلی دامن‌گیر انسان نشود؛ یعنی خداوند با تشریع توکل خواسته است در امور مهم راه ورود دو دلی و احتمال عدم موفقیت را که خود وسیله‌ای برای سستی در انجام عمل است ببندد، نه آنکه اصل فعالیت را از انسان بگیرد.

۲. نکته‌ی دیگری، خداوند با این بیان می‌خواهد روح توحید در افعال را نیز در مخاطب زنده کند. و به او بفهماند که هر چند مشورت کرده و تصمیم قاطع نیز گرفته، هیچ گاه خداوند را در انجام عمل فراموش نکند.

۳. از این آیه استفاده می‌شود، از جمله اموری که باعث جلب محبت خداوند می‌شود، توکل است. (ان الله یحب المتوکلین)

ب. در سوره‌ی نمل آیه‌ی ۷۹ آمده است:

«فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ»

«پس برخدا توکلّ کن؛ [چرا] که تو برحق آشکاری هستی.»

این آیه و آیات قبل در بیان مسئله‌ی حق ستیزی کافران، و عدم توجه به بیانات پیامبر اکرم (ص) می‌باشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۳۸

خداونـد، پیـامبر (ص) را از این که به خـاطر دشـمنی کفـار سـست شود، بـاز می‌دارد و می‌فرمایـد: از آن جـا که تو بر حق هسـتی و فعـالیت تـو حق است نبایـد از دشـمنی کفـار سـستی به خود راه دهی، بلکه در همین مسـیر تلاـش کن و پیشـرفت کارهـا را به خـدا واگذار!

نکته‌ها:

۱. توکل بر خداوند تنها در مسیر حق، دارای معنا و ثمر بخش است. این معنا از تعلیل «انک علی الحق» استنباط می‌شود.

۲. توکل بر خداوند، رها کننده‌ی انسان از تنگنای توطئه‌های دشمنان است. «۱»

این برداشت بـا توجه به سیاق آیـات، بیـان کننـده‌ی ارتبـاط این آیه و آیـات قبـل به ویژه آیه‌ی «و لاتکن فی ضـیق مما یمکرون ... فتوکل علی الله ...» می‌باشد.

۳. این آیه بیانگر آن است که تمام انسان‌ها حتی پیامبر (ص) در ایفای وظایف خود، مامور به توکل بر خداوند هستند.

در مورد توکل آیات دیگری نیز وجود دارد که برای آگاهی بیشتر می‌توانید به آنها مراجعه کنید. «۲»

تحقیقات علمی در رابطه با توکل:

در مورد «رابطه‌ی میان توکل و امیدواری» تحقیقاتی انجام داده‌اند که در اینجا به بعضـی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۳۹

آقـای بوالهری و همکاران او (۱۳۷۹) بـا به کـارگیری آزمون خود ساخته توکل، ۴۰۸ نفر (۲۳۴ نفر مرد و ۱۷۴ زن) از دانشجویان رشـته پزشـکی دانشگاه‌های علوم پزشـکی تهران را که در مقـاطع مختلف تحصـیلی مشـغول به تحصـیل بودنـد به صورت تصـادفی انتخاب کردند و با اسـتفاده از پرسشنامه نشانگان استرس- که در سه بُعد «نشانگان جسمانی»، «نشانگان روانی» و «نشانگان شناختی» ساخته شده بود- مورد بررسـی قرار دادند. پژوهشگران دریافتند که بین نشانگان روانی (۰۰۱/ ۰ >P و ۲۱/ ۰: (r و شناخت استرس (۰۰۱/ ۰ >P و ۲۲/ ۰: (r در بین افراد همبسـتگی منفی و معنـاداری وجود دارد و میزان همبسـتگی نشانگان جسـمانی اس-- ترس (۱۱/ ۰-: (r و ت- وکل به خ-- دا پایین و غیر معنادار می‌باشد. «۱»

در تحقیقات دیگر نیز نشان داده شده است که میان «اقدام متوکلانه»، با «صبر و تحمل» همبسـتگی خاص وجود دارد که این معنا در آیه‌ی زیر به تصویر کشیده شده است:

«وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَی مَا آذَیْتُمُونَا وَعَلَی اللَّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُتَوَکِّلُونَ» «۲» «حتما صبر خواهیم کرد بر آن چه ما را آزار دادیـد، و توکل کنندگان باید بر خدا توکل کنند.» پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۴۰

جمع‌بندی:

از آنچه گـذشت به دست می‌آیـد که «توکل» بر خدا، موجب سـستی در کار نمی‌شود، بلکه تنها پیامد آن اسـتواری در حرکت و به دست آوردن نیروی مضاعف در مسیر حرکت است.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. توکل، روحانی‌نژاد.

۲. اسلام و بهداشت روان، مجموعه مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان، نشر معارف.

۳. تفسیر نمونه، حضرت آیه الله مکارم شیرازی، ذیل آیات مربوطه.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۴۱

فصل دوم: قرآن و فرا روان شناسی

اشاره

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۴۳

مقصود از فرا روان‌شناسی در قرآن چیست؟

پرسش:

مقصود از فرا روان‌شناسی در قرآن چیست؟ پاسخ:

برای روشن شدن مطلب لازم است به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

۱. منظور از فرا روان‌شناسی چیست؟

۲. آیا در قرآن به تمامی علوم اشاره شده است؟!

۳. قرآن به چه شکلی به مسئله‌ی فرا روان‌شناسی پرداخته است؟

پاسخ سوال اول:

دانش «فرا روان‌شناسی» عبارت است از: کسب اطلاع (و بدست آوردن معرفت و آگاهی) از چیز یا رویدادی بدون دخالت حواس عادی بشر. «۱»

مثل: سحر، چشم زخم، تله پاتی و هیپنوتیزم و ...

پاسخ سوال دوم:

برخی بر این باورند که چون قرآن کتاب الهی و معجزه‌ی جاوید پیامبر (ص) است باید به تمام موارد- علوم- اشاره نماید و حال آنکه چنین نیست. به عبارتی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۴۴

قرآن کتاب هدایت انسان است و ضرورتی ندارد تمام مسائل علوم تجربی را با طول و تفصیل بیان کرده باشد. «۱» ولی در بیش از هزار آیه به مسائل علمی در راستای هدایت، اشاره کرده است.

پاسخ سوال سوم:

با توجه به تعریف فرا روان‌شناسی در آیات فراوانی- براساس برخی تفاسیر- بدان اشاره شده که فهرست برخی از آنها عبارتند از:

۱. سحر و جادو بقره/ ۱۰۲.

۲. چشم زخم یوسف/ ۶۷.

۳. روح اسراء/ ۸۵.

۴. خواب صافات/ ۱۰۲- ۱۰۷ و یوسف/ ۱۲.

۵. اخبار غیبی آل عمران/ ۵ و بقره/ ۲۵۵.

۶. امدادهای غیبی آل عمران/ ۱۲۳.

۷. معجزات الهی مریم/ ۲۹ و ۳۰.

جمع‌بندی و نتیجه:

دانش فرا روان‌شناسی از جمله دانش‌هایی است که بشر به صرف داشتن دانش تجربی، نمی‌تواند به ابعاد مختلف آن پی ببرد. از این

رو لازم است با توجه به اشارات قرآن به علم فرا روان‌شناسی و تجربه علمی و عملی دانشمندان، این علم را توسعه داد و قرآن کریم را یکی از منابع تحقیق برای این علم دانست.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۴۵

آیا چشم زخم از نظر قرآن واقعیت دارد یا خرافه است؟

پرسش:

آیا چشم زخم از نظر قرآن واقعیت دارد یا خرافه است؟ پاسخ:

مقدمه:

تاثیر چشم و نیروهای مرموز آن از دیر زمان مورد توجه بشر بوده است. شاید نتوان تاریخ دقیقی برای شروع این عقائد یافت اما آنچه مسلَم است انسان‌ها در اثر تجربیات روزمرّه و برخی نقل‌های تاریخی و دینی به آن اعتقاد پیدا کرده بودند، هر چند که در این بین خرافاتی نیز راه یافته است که نیازمند اصلاح و پالایش است.

تعریف چشم زخم:

چشم زخم، نیروی مرموزی است که در چشم برخی افراد وجود دارد که ممکن است با یک نگاه مخصوص، طرف مقابل را بیمار یا هلاک کند. «۱»

چشم زخم از منظر قرآن کریم:

به نظر می‌رسد در قرآن، آیه‌ای که به صراحت از «چشم زخم» سخن گفته باشد وجود ندارد اما آیاتی وجود دارد که در مورد «چشم زخم» به آن استناد شده است، از جمله:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۴۶

۱. قرآن کریم در سوره‌ی قلم آیه‌ی ۵۱ می‌فرماید:

«وَإِن يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ»؛ «و مسلماً نزدیک بود کسانی که کفر ورزیدند هنگامی که آگاه کننده (: قرآن) را شنیدند با چشمانشان تو را بلغزانند و می گویند: «قطعاً او دیوانه است.»

شأن نزول:

مفسران برای آیه‌ی فوق دو شأن نزول ذکر کرده‌اند:

الف. برخی مفسران در شان نزول این آیه نقل کرده‌اند که در مورد گفتار برخی مخالفان ولایت علی (ع) در روز غدیر خُم بوده است که به پیامبر (ص)- در هنگامی که دست علی (ع) را برای امامت بالا برد- نگاه کردند و گفتند: به چشمان او نگاه کنید مثل چشم دیوانگان می‌چرخد. در آن هنگام جبرئیل آیه‌ی فوق را نازل کرد.

ب. بعضی مفسران نقل کرده‌اند که در قبیله‌ی بنی اسد افرادی بودند که قدرت چشم زخم داشتند و برخی از آنها می‌خواستند پیامبر (ص) را چشم زخم بزنند که آیه‌ی فوق به این مناسبت نازل شد. «۱»

بررسی:

با توجه به سیاق و لحن آیه که می‌فرماید: «نزدیک است که کافران با چشم، تو را بلغزانند» می‌توان از میان اقوال، این قول را پذیرفت که: «این آیه کنایه از نگاه‌های بسیار غضب آلود است مثل اینکه می گوییم فلان کس آنچنان بد به من نگاه کرد که گویی می‌خواست مرا با نگاهش بخورد یا بکشد» «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۴۷

و آیه در مقام بیان نوعی نگاه خشم آلود، و چشم غرّه رفتن است به طوری که طرف مقابل را بترساند و از جای خود بلغزاند و از میدان بِدَر کند.

۲. در سوره یوسف آیه‌ی ۶۷ آمده است:

«وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ ...» «۱» در آیه شریفه آمده که حضرت یعقوب (ع) از فرزندش می‌خواهد که از یک در وارد نشوند، بلکه از چند در وارد شوند، علت این امر چیست؟

گروهی از مفسّران گفته‌اند: علت این بوده که برادران یوسف از جمال کافی بهره‌مند بودند (اگر چه یوسف نبودند ولی برادران او بودند) و هم قامت‌های رشید داشتند، و پدر نگران بود که جمعیت یازده نفری که قیافه‌های آنان نشان می‌داد از یک کشور به مصر آمده‌اند، توجه مردم را به خود جلب کنند، او نمی‌خواست از این راه چشم زخمی به آنها برسد.

بخشی از این چشم زخم، حق است و از نظر علمی نیز بوسیله سیاله مغناطیسی مخصوصی که از چشم بیرون می‌پرد، قابل توجیه می‌باشد، هر چند عوام الناس آنرا با مقدار زیادی از خرافات آمیخته‌اند. «۲»

چشم زخم از منظر عقل و علم:

اثر عمیق چشم در دیگران که موجب هلاکت یا بیماری شود از نظر عقلی محال نیست. چه اینکه بسیاری از دانشمندان معتقدند در بعضی از چشم‌ها،

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۴۸

نیروی مغناطیسی خاصی نهفته شده که کارایی زیادی دارد حتی با تمرین و ممارست، می‌توان آن را پرورش داد. خواب مغناطیسی از طریق همین نیروی مغناطیسی چشم‌هاست.

در دنیایی که «اشعه‌ی لیزر» که با شعاعی نامرئی، می‌تواند کاری کند که از برخی سلاح‌های مخرب ساخته نیست؛ پذیرش وجود نیرویی در بعضی از چشم‌ها، که از طریق امواج مخصوص در طرفِ مقابل اثر بگذارد چیز عجیبی نخواهد بود.

و بسیاری نقل کرده‌اند که افرادی دارای این نیروی مرموز چشم بوده‌اند «۱» بنابراین، چشم زخم از نظر عقل و علم ممکن است.

چشم زخم از دیدگاه روایات:

در نهج البلاغه می‌خوانیم: «العین حق و الرقی حق» «۲»

«چشم زخم حق است و توسل به دعا برای دفع آن نیز حق است»

در برخی روایات از امام صادق (ع) نقل شده که برای جلوگیری از چشم زخم (توسط خود انسان) یا چشم خوردن سه مرتبه بگویند: «ما شاء الله لاقوه الا بالله العلی العظیم». «۳» و در برخی روایات دیگر نقل شده که ذکر خدا را بگوید کافی است. «۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۴۹

جمع بندی و نتیجه گیری:

در قرآن کریم به صراحت از «چشم زخم» سخنی به میان نیامده است، ولی در روایات اشاراتی به این نیروی مرموز چشم شده است، و از نظر عقل و علم نیز مانعی جهت پذیرش «چشم زخم» نداریم اما باید توجه داشت که این مطالب به معنای پذیرفتن همه‌ی خرافاتی که در این زمینه رایج است، نمی‌باشد.

به عبارتی انسان نمی‌تواند کسی را متهم به داشتن «چشم زخم» (چشم شوری) کند؛ و از طرف دیگر برای نجات از «چشم زخم» نمی‌توان هر راه حل خرافی را پذیرفت و دنبال کرد.

معرفی منابع جهت مطالعه در زمینه‌ی فرا روان‌شناسی:

۱. تناقض نما یا غیب نمون، محمدامین احمدی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۲. عجایب حس ششم، غلامرضا اربابی، گروه فرهنگی اربابی، چاپ صنوبر تهران.
۳. روح و دانش جدید، آیزنک: براود، واتسن، مترجم محمدرضا غفاری، چاپ دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
۴. شگفتی‌های هیپنوتیزم، ب. جیبسون والتر، ترجمه رضا رحمانیان، چاپ صنوبر.
۵. تفسیر موضوعی قرآن کریم، جلد اول، جوادی آملی، مرکز نشر اسراء.
۶. جهان غیب و غیب جهان، بهاء الدین خرمشاهی، انتشارات کیهان.
۷. عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس (باورهای دینی و امدادهای غیبی)، علی تقی‌زاده اکبری، مرکز تحقیقات اسلامی.
۸. دریافت‌های حس ششم در فوق طبیعت، چلبی شاکر و بشار البیطار محمد، مترجمان، احمد بانپور و م. حیدریان.
پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۵۰
۹. اصالت روح از نظر قرآن، آیت الله جعفر سبحانی، چاپخانه علمیه قم.
۱۰. پژوهشی در سحر و جادوگری از نظر اسلام، محمد سالاری، موسسه انتشارات مشهور.
۱۱. هیپنوتیزم علمی نوین، شروت ریچارد، ترجمه رضا جمالیان، موسسه اطلاعات.
۱۲. اعجاز (معجزه) از نظر عقل و قرآن، آیت الله سید محمدحسین طباطبایی، نشر فاخته.
۱۳. معجزه در قلمرو عقل و دین، محمدحسن قدردان قراملکی، بوستان کتاب قم.
۱۴. علوم غیبی و اسرار، موریس مترلینگ، ترجمه ذبیح الله منصوری، انتشارات صفار تهران.
۱۵. فوق طبیعت، لیال واتسن، ترجمه‌ی شهریار بحرانی و احمد ارژمند، چاپخانه سپهر تهران.
پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۵۱

آیا سحر از نظر قرآن واقعیت دارد یا خرافه است؟

پرسش:

آیا سحر از نظر قرآن واقعیت دارد یا خرافه است؟ پاسخ:

لازم است نخست مفهوم سحر و آیات آن را بررسی کنیم:

الف. سحر در لغت:

۱. خدعه و نیرنگ مانند: شعبده بازی.

۲. هر چه که عوامل نامرئی و مرموز دارد.

۳. جلب شیطان‌ها از راه‌های خاص و کمک گرفتن از آنها.

۴. تغییر ماهیت اشیاء و شکل اشخاص به صورت خیالی.

تذکر: از نظر لغوی سحر شامل شعبده و تردستی نیز می‌شود. «۱»

ب. سحر در اصطلاح:

۱. نوعی اعمال خارق العاده که آثاری از خود در وجود انسان‌ها به جای می‌گذارد و گاهی یک نوع چشم‌بندی و تردستی است و گاه تنها جنبه‌ی روانی و خیالی دارد. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۵۲

۲. سحر بر حسب متعارف، امر خارق العاده‌ای را گویند که از راه تصرف در مشاعر ادراکی انسان، تحقق پیدا می‌کند؛ بنابراین با قطع نظر از ادراکات انسانی، تحقق نفسی و واقعی نخواهد داشت. مانند: انواع چشم‌بندی و تسخیر اشخاص، ایجاد حبّ و بغض و

جدایی انداختن میان زن و شوهر و عقد الرجال که عموماً به تصرف در ادراک مربوط می‌باشند. «۱»

ج. اقسام سحر:

۱. علامه طباطبایی امور خارق العاده را چنین تقسیم بندی می‌کند:

الف. بسیاری از این امور، طبیعی و بوسیله‌ی تمرین حاصل می‌شود. مانند: خوردن سمّ، بلند کردن اشیاء سنگین و ... و گاهی این امور طبیعی، مخفی است. مانند: کسانی که بدن خود را به مایعی آغشته می‌کنند و داخل آتش می‌شوند و نمی‌سوزند.

ب. برخی از این امور خارق العاده، مستند به امور طبیعی نبوده بلکه به خاطر قوت اراده‌ی صاحب آنها حاصل می‌شود. اراده تابع علم است و هنگامی که علم جازم و ایمان به تاثیر داشته باشد اثر آن ظاهر می‌شود. مانند: کسانی که احضار ارواح می‌کنند در واقع آنها روح را در مشاعر شخص حاضر می‌کنند؛ یعنی در خیال و حواس آنها حاضر می‌شود نه در خارج، و گرنه همه آن را می‌دیدند.

ج. کار صاحبان اراده‌ی قوی و افرادی که ریاضت می‌کشند بنابراین اگر از جن و روح خبر گیرند و کمک جویند؛ «کهانت» نامیده می‌شود. و اگر بوسیله‌ی ورد، نوشتجات و ... باشد؛ «سحر» نامیده می‌شود. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۵۳

۲. تقسیم سحر در روایت:

در روایات اسلامی نیز سحر را به چند گونه تقسیم کرده‌اند:

حکایت شده که شخصی از امام صادق (ع) در مورد سحر پرسش کرد حضرت در پاسخ فرمودند:

«سحر اقسامی دارد برخی اقسام آن به منزله‌ی طبّ است. همانگونه که پزشکان برای هر دردی دوایی دارند، ساحران نیز برای هر سلامتی، ناراحتی، و برای هر معنایی، حیله‌ای دارند؛ و نوع دیگر سحر چیزی است که در ارتباط با اولیای شیطان است پس نزدیک‌ترین نوع سحر به صواب (واقع) آن است که به منزله‌ی طب است که ساحر مردی را مبتلا می‌کند به اینکه از زنان دوری کند و پزشکی آن مرد را معالجه می‌کند و دفع سحر می‌کند.» «۱»

۳. تفسیر نمونه اقسام سحر را چنین بر می‌شمارد:

الف. گاهی صرفاً جنبه‌ی نیرنگ، خدعه، چشم‌بندی و تردستی دارد؛

ب. گاهی از عوامل تلقینی در آن استفاده می‌شود؛

ج. گاهی در آن از خواص ناشناخته‌ی فیزیکی و شیمایی بعض اجسام و مواد استفاده می‌شود؛

د. گاهی از طریق کمک گرفتن از شیاطین است. «۲»

حقیقت سحر:

سحر آثار روانی مثل ایجاد محبت یا دشمنی، ناراحتی یا خوشحالی دارد؛ اما آثار واقعی خارجی ندارد. مثل: زنده کردن مردگان یا تغییر ماهیت و حقیقت چیزی. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۵۴

سحر از دیدگاه علوم جدید:

در گذشته ساحران با استفاده از برخی علوم برنامه‌های خود را عملی می‌ساختند که امروزه علم از آن پرده برداشته است.

اول: استفاده از خواص ناشناخته‌ی فیزیکی و شیمیایی اجسام که در داستان ساحران زمان موسی (ع) آمده که آنها با استفاده از خواص فیزیکی و شیمیایی مانند جیوه و ترکیبات آن توانستند چیزهایی به شکل مار بسازند و به حرکت درآورند. «۱»

دوم: استفاده از خواب مغناطیسی، هیپنوتیزم و مانیه تیزم و تله پاتی و ... لازم به ذکر است این علوم در شمار علومی است که

می‌تواند در بسیاری از شئون زندگی مورد بهره‌برداری صحیح قرار گیرد، ولی ساحران از آن سوء استفاده می‌کردند و برای اغفال و فریب مردم، آنها را به کار می‌گرفتند. «۲»

سحر از منظر قرآن کریم:

قرآن کریم حدود ۶۰ بار واژه‌ی «سحر» و مشتقات آن را به کار برده است که می‌توان این آیات را به سه دسته تقسیم نمود:

۱. آیاتی که می‌فرماید: مخالفان به انبیای الهی تهمت می‌زدند و آنان را ساحر می‌خواندند، مانند: یونس/ ۷۶، هود/ ۷، طه/ ۷۱، شعراء/ ۴۹.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۵۵

۲. آیاتی که در مورد مقابله‌ی حضرت موسی (ع) با ساحران زمان خویش است که قرآن این داستان را به طور مفصل بیان کرده است. اعراف/ ۱۰۸ تا ۱۲۳، طه/ ۵۷ تا ۷۳، شعراء/ ۳۶ تا ۴۶، یونس/ ۷۵ به بعد، قصص/ ۳۶ به بعد.

۳. آیاتی که در مورد سحر هاروت و ماروت در شهر بابل سخن می‌گوید. «۱»

تحلیل اجمالی چند آیه در مورد سحر

سوره طه/ ۶۶: «قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِن سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى» «۲» سوره اعراف/ ۱۱۶: «قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُو بِسِحْرٍ عَظِيمٍ» «۳» بسیاری از مفسران نوشته‌اند: ساحران زمان موسی (ع) موادی همچون جیوه درون طناب‌ها و عصاها قرار داده بودند که با تابش آفتاب و گرم شدن این ماده‌ی فوق العاده فرّار، حرکات مختلف و سریعی به آنها دست می‌داد.» این مارنماها مسلماً جان نداشتند ولی با تلقین‌هایی که ساحران به مردم کرده بودند و صحنه‌ی خاصی که در آنجا بوجود آمده بود، این چنین در چشم مردم مجسم می‌شد که این موجودات جان گرفته‌اند و مشغول حرکتند. بنابراین تعبیر

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۵۶

«سحروا اعین الناس» یعنی «چشم مردم را سحر کردند» نیز اشاره به همین معنا است و همچنین تعبیر «یخیل الیه» یعنی «در نظر موسی چنین منعکس شد» نیز ممکن است اشاره به همین معنا باشد. «۱»

آیت الله معرفت می‌نویسند:

در فرازی از آیات آمده، «یخیّل الیه- سحروا عین الناس» که دلالت دارد که سحر دارای هیچ حقیقت و واقعیتی نمی‌باشد چرا که این ریسمان‌ها چنانچه به واسطه‌ی سحر به مار حقیقی تبدیل می‌شدند، خدای متعال در آیه‌ی شریفه نمی‌فرمود: «سحروا اعین الناس» بلکه می‌فرمود: «فلمّا القوا صارت حیّات» «۲»

از تحلیل این دو آیه‌ی شریفه چنین به دست می‌آید که «سحر»، به خودی خود، دارای هیچ واقعیتی نبوده فقط در ناحیه‌ی خیال انسان می‌تواند تاثیراتی بگذارد.

نتیجه گیری:

با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی سحر و نیز اقسام آن می‌توان چنین نتیجه گرفت: سحر در برخی اقسام آن فقط خیالی است که اعجاب بیننده را بر می‌انگیزد مانند: شعبده بازی؛ و در برخی اقسام دیگر، اثرات روانی دارد مانند: ایجاد محبّت و دشمنی به وسیله امور مخفی از قبیل سخن چینی و وسوسه و ... اما اینکه سحر دارای اثرات خارجی و واقعی همچون تغییر ماهیت و حقیقت مانند تبدیل انسان به میمون یا سوسک باشد، ناممکن می‌باشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۵۷

منابع:

۱. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۷۷ به بعد- و ج ۱۳، ص ۲۴۰.

۲. المیزان، ج ۱، ص ۷۲ به بعد و ص ۲۴۲.
۳. السحر و الحسد، محمد متولی الشغراوی، موسسه اخبار الیوم، بی‌تا، بی‌جا.
۴. السحر فی القرآن الکریم، عبدالمنعم الهاشمی، دار ابن حزم، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
۵. احکام السحر و السحره فی القرآن و السنّه، امام فخررازی، شرح فریال علوان، دارالفکر لبنانی.
۶. السحر و السحره فی ضوء الحدیث النبوی، دکتر سعد المرصفی، منشورات فرات السلاسل، کویت ۱۴۰۹ ق.
۷. اعجاز القرآن فی علاج السحر و الحسد رسّ الشیطان، محمد محمود عبدالله، مکتبه زهران، بی‌تا، بی‌جا.
۸. العلاج الربانی.
۹. شبهات و ردود، آیت الله معرفت.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۵۹

فصل سوم: قرآن و زیست شناسی

اشاره

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۶۱

قرآن و نظریه تکامل (داروینیسم)

پرسش:

قرآن و نظریه تکامل (داروینیسم)؛ قرآن در مورد تئوری تکامل- داروینیسم- چه نظری دارد؟ آیا آنرا نفی می‌کند یا اثبات؟

پاسخ:

قبل از پاسخ به عنوان مقدمه به معرفی «تکامل انواع» و نظر مقابل آن می‌پردازیم تا زمینه برای پاسخ آماده شود.

تعریف‌ها:

الف. تکامل انواع (ترانسفورمیسم): انواع موجودات زنده در ابتدا به شکل کنونی نبوده‌اند، بلکه پس از آنکه نخستین سلول‌های موجود زنده پیدا شد، به تدریج تکامل یافتند و از نوعی به نوع دیگر تغییر شکل دادند و انواع موجودات را بوجود آوردند که کامل‌ترین حلقه‌ی آن انسان است.

ب. ثبات انواع (فیکسیسم): انواع جانداران هر کدام جداگانه از آغاز به همین شکل کنونی ظاهر گشتند و هیچ نوع، به نوع دیگر تبدیل نشده است و طبعاً انسان هم دارای خلقت مستقلی بوده است. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۶۲

تاریخچه:

اولین کسی که این نظریه را با روش علمی تشریح کرد، دانشمند معروف فرانسه، «لامارک» «۱» بود. ولی جهان علم در آن زمان نتوانست آنرا هضم کند اما هنگامی که پس از او «چارلز داروین» «۲» دانشمند انگلیسی آنرا مطرح کرد به خاطر تغییر شرایط پذیرفته شد و به همین خاطر وی به عنوان پایه‌گذار «تحول انواع» معرفی گردید. «۳»

اصول چهارگانه‌ی داروینیسم:

۱. تنازع بقا: هر موجودی با صدها عامل نابود کننده روبروست، ولی می‌خواهد عوامل باقی ماندن خود را تحصیل کند از این رو

همواره میان موجودات عالم، کشمکش است.

۲. انتخاب اصلح: در میدان مبارزه، پیروزی با کسی است که قوی‌تر و مجهزتر است.

۳. قانون وراثت: هر اختلافی در پدر و مادر رخ دهد به عینه به فرزندان انتقال می‌یابد و در طول زمان به صورت یک تغییر کلی و نوعی درمی‌آید.

۴. سازش با محیط: در صورتی که محیط تغییر کند جانور متناسب با آن تغییر کرده، و به مرور زمان اعضایی که نیاز دارد به وجود می‌آورد و اعضایی را که نیاز ندارد از دست می‌دهد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۶۳

* او شجره‌ی انسان را به میمون رسانده و آن هم به «سمور» می‌رسد که قدر مشترک (واسطه) میان آن دو نیز، همان «پریمات‌ها» هستند. «۱»

داروینیسم در عصر حاضر یا فرضیه‌ی موتاسیون:

فرضیه‌ی «تکامل انواع» همراه با انواع موافقت‌ها و مخالفت‌ها، گذشته‌ی پر فراز و نشیبی دارد.

«تحول انواع» هنوز در زیست‌شناسی مطرح است و دانشمندان می‌کوشند از راه «جهش» یا «موتاسیون» آنرا اثبات کنند.

البته بر خلاف نظر داروین موتاسیون تدریجی نیست، بلکه دفعی و ناگهانی است و چون در ژن‌ها رخ می‌دهد قابل انتقال به نسل دیگر است؛ «۲»

قرآن کریم و نظریه‌ی تکامل:

قرآن کریم به عنوان یگانه کتاب آسمانی موجود- که به اعتقاد همه‌ی دانشمندان اسلامی از هر گونه تحریف مصون مانده است- در آیات متعددی، از خلقت انسان سخن به میان آورده و از همین رو پژوهش‌هایی که پیرامون نظریه‌ی تکامل صورت گرفته بیشتر به بررسی مساله خلقت انسان از دیدگاه قرآن معطوف گردیده است. «۳»

ما در ابتدا دیدگاه‌های مختلف را در این‌باره بیان کرده و سپس به سراغ آیاتی می‌رویم که بر اثبات یا نفی نظریه تکامل به آنها استناد جسته‌اند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۶۴

دیدگاه دانشمندان:

۱. رد نظریه‌ی تکامل و تمسک به ظاهر برخی از آیات خلقت: «۱»

ظاهر برخی آیات، دلالت بر خلقت مستقیم انسان از خاک دارد «۲» که با تئوری تکامل در تعارض است. البته این قبیل دانشمندان تعارض را وقتی مسلم می‌دانند که این نظریه از تئوری بودن خارج و به قانون تبدیل شود، و برای آن موقع نیز راه را باز گذاشته‌اند. آنها می‌گویند: ظواهر به گونه‌ای نیست که قابل تاویل نباشد «۳» [و آنها آیات را به وسیله آیات دیگر، که تا حدی تکامل انواع را می‌رسانند تفسیر می‌کنند]. این نظریه پر طرفدارترین نظریه در بین دانشمندان اسلامی می‌باشد.

حتی برخی گفته‌اند: آیات در این زمینه صراحت دارند و اگر هم این نظریه اثبات شود آفرینش انسان- به خاطر وحی- از این قاعده مستثنی خواهد بود. «۴»

۲. پذیرش نظریه‌ی تکامل و تطبیق آن بر برخی از آیات:

برخی افراد «۵» نظریه‌ی تکامل را پذیرفته و آن را موافق قرآن دانسته‌اند، و آیات مخالف را تاویل کرده‌اند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۶۵

نظریه تکامل در آیینه آیات:

آیات قرآن را در رابطه با ردّ یا اثبات این نظریه به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

الف: آیاتی که در اثبات نظریه تکامل مورد استناد واقع شده‌اند:

۱. آیاتی که خلقت همه چیز را از آب می‌داند. «۱»

۲. آیاتی که خلقت را به سه مرحله تقسیم می کند: «۲»

۲- ۱. بعد از خلقت و قبل از شکل گیری انسان؛

۲- ۲. بعد از شکل گیری انسان و قبل از انتخاب آدم؛

۲- ۳. انتخاب آدم از بین انسان‌ها و بعد، امر کردن فرشتگان به سجده‌ی بر آدم. «۳»

۳. آیاتی که به مرحله‌ی اول آفرینش انسان اشاره می کند:

۳- ۱. آفرینش انسان از خاک؛ «۴»

۳- ۲. آفرینش انسان از آب؛ «۵»

۳- ۳. آفرینش انسان از نطفه. «۶»

۴. آیاتی که به مرحله‌ی دوم آفرینش انسان اشاره دارد (بعد از شکل گیری و قبل از انتخاب آدم.) «۷»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۶۶

۵. آیاتی که به مرحله‌ی سوم آفرینش انسان اشاره دارد. (انتخاب آدم از بین انسان‌ها.) «۱»

ب: آیاتی که در رابطه با اثبات نظریه «ثبات انواع» مورد استناد واقع شده است:

۱. آنها که خلقت همه‌ی انسان‌ها را از نفس واحد می‌دانند؛ «۲»

۲. آنها که خلقت آدم (ع) را از خاک می‌دانند. «۳»

ج: آیاتی که قابل انطباق با هر دو نظریه «تکامل انواع» و «ثبات انواع» است: «۴»

جمع‌بندی و بررسی نظریه تکامل و قرآن:

آیات نامبرده در راستای استدلال بر نظریه‌های یاد شده، مورد رد و اثبات شدید صاحب‌نظران قرار گرفته‌است که مجال ذکر آنها نیست. در این باره لازم است به چند نکته توجه داشت:

۱. این نظریه هر چند هنوز اثبات نشده است ولی مورد قبول اکثر جوامع علمی (علوم تجربی) قرار گرفته و نظریه‌ی «ثبات انواع» تنها به صورت یک احتمال در کنار آن مطرح است و از طرف دیگر آیات قرآن هم قابل انطباق بر هر دو نظریه است، و هم به گونه‌ای است که طرفدار یک تئوری می‌تواند با آوردن احتمالات متعدد آیات، استدلال دیگری را ابطال کند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۶۷

۲. به صورت قطعی نمی‌توان گفت که قرآن در این زمینه چه نظری دارد، بله برای هر کدام می‌توان شواهدی اقامه نمود، و محققین مختلف هم ممکن است در روند تحقیقات خود به یک سمت متمایل شوند ولی بهتر آن است که تا اثبات یا رد قطعی این نظریه، برداشت از آیات به صورت احتمالی بیان شود.

۳. در صورت اثبات این نظریه، آیات به گونه‌ای نیست که با آن تضاد داشته باشند. «۱»

یادآوری:

از آنجا که مادی گراها خواسته‌اند از این نظریه به نفع خود سوءاستفاده کنند و آنرا دلیلی بر عدم نیاز طبیعت به خدا قلمداد کنند، یادآور می‌شویم: نه «تحول انواع» مخالفتی با اصول خداشناسی دارد و نه «ثبات انواع» از دلایل خداشناسی است بلکه هر دو طرف نسبت به اثبات خدا یکسان است. زیرا آنچه اثبات خدا بر آن تکیه دارد برهان نظم است خواه این نظم به صورت «ثبات انواع» باشد

یا «تکامل انواع». «۲»

برای مطالعه بیشتر به کتاب‌های زیر مراجعه فرمایید:

۱. تکامل زیستی و آیات آفرینش، ابراهیم کلانتری، ناشر موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۲. تکامل در قرآن، علی مشکینی اردبیلی، ترجمه: ق. حسین‌نژاد، نشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۶۸

۳. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مسیح مهاجر، نشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳، داروینیسم یا تکامل انواع، جعفر سبحانی، انتشارات توحید.

۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، د. محمدعلی رضایی اصفهانی، ج ۲، انتشارات کتاب مبین، چاپ چهارم، ۱۳۸۳.

۵. خلقت انسان در قرآن، استاد محمدتقی مصباح یزدی.

۶. آفرینش و انسان، محمدتقی جعفری.

۷. خلقت انسان، یدالله سحابی.

۸. قرآن، طبیعت و تکامل، مهدی بازرگان.

۹. تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی، ج ۱۱، ذیل آیات مذکور.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۶۹

آخرین نظرات دانشمندان در مورد نظریه تکامل چیست؟

پرسش:

آخرین نظرات دانشمندان در مورد نظریه تکامل چیست؟ پاسخ:

در این مورد ترجمه خلاصه بیانیه پانصد نفر از دانشمندان علوم تجربی تقدیم می‌شود:

بالغ بر ۵۰۰ اندیشمند دارای مدرک دکترا، بیانیه‌ای را امضاء کردند که بیانگر تردیدشان نسبت به فرضیه تکامل داروین می‌باشد.

در این بیانه آمده است: «ما در لحاظ کردن پیچیدگی حیات موجودات زنده، ادعای قابلیت جهش اتفاقی و انتخاب طبیعی را، فاقد قطعیت می‌دانیم. بررسی دقیق مدارک و اسناد در رابطه با فرضیه داروین بایست مد نظر قرار گیرد.»

فهرست ۵۱۴ امضاء کننده، مشتمل بر دانشمندان ایالات متحده و آکادمی ملی علوم روسیه می‌باشد. عمده امضاء کنندگان عبارتند از: ۱۵۴ زیست‌شناس، ۷۶ شیمی‌دان و ۶۳ فیزیکدان.

امضاء کنندگان بیانیه مذکور، رساله دکترای خود را در علوم زیست شناسی، فیزیک، شیمی، ریاضی، طب، کامپیوتر و رشته‌های وابسته ارایه کرده‌اند. اکثر آنها اساتید یا پژوهشگرانی در دانشگاههای معتبر می‌باشند از قبیل: TIM،

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۷۰

دانشگاه کمبریج، ylekrebcU، nainoshtimS، ALCU، پرفیتون، دانشگاه پنسیلوانیا، دانشگاه ایالت اوهایو، دانشگاه جورجیا و دانشگاه واشنگتن.

مؤسسه دیسکاوری ((etutitsnI yrevocsiD اولین بار فهرست اختلاف عقیده با داروینیسم را در سال ۲۰۰۱ چاپ کرد. در آن زمان ادعا شده بود که «در حقیقت هر دانشمندی در جهان عقیده بر صحت فرضیه داروین دارد.»

طرفداران فرضیه داروین (داروینیست‌ها) همچنان ادعا می‌کنند که هیچ دانشمند مطرحی در فرضیه داروین شک ندارد و در اینجا فهرستی وجود دارد که ۵۰۰ دانشمند مایلند که تردید خود را در رابطه با فرضیه داروین، به صورت متفق‌القول اعلام نمایند تلاش

داروینیست‌ها برای سرکوب مخالفت و مباحثه با استفاده از مراجع قضایی، رسانه‌ها و انجمن‌های آکادمیک، در حقیقت باعث برانگیختن مخالفت بیشتر و تشویق دانشمندان بیشتری می‌شود که درخواست افزوده شدن به فهرست مخالفین را داشته باشند.

در واقع این فهرست رو به رشد دانشمندان مخالف بود که مؤسسه ما را تشویق کرد که وب سایتی را با آدرس gro. niwrad morftn essid. www ارایه کند که پاسخی برای افراد جویای سوال باشد و نیز محلی برای دسترسی به فهرست، چه توسط عامه مردم و چه توسط دانشمندانی که تقاضای افزوده شدن نامشان به فهرست را دارند. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۷۱

آفرینش حوا چگونه بوده است؟

پرسش:

آفرینش حوا چگونه بوده است؟ پاسخ:

از جمله مسایلی که آیات زیادی از قرآن کریم را به خود اختصاص داده موضوع خلقت است. قرآن کریم با صراحت در آیات متعددی»

می‌فرماید: «زنان را از همان جنس مردان و از سرشت مردان آفریدیم.»

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه «۲» ذیل آیه‌ی «خَلَقَكُم مِن نَفْسٍ وَاحِدَهٍ ثم جعل مِنْهَا زَوْجَهَا» «۳»

می‌نویسد: آفرینش همه‌ی انسان‌ها از نفس واحد اشاره به مساله‌ی آفرینش آدم (ع) جدّ نخستین ما است که این همه افراد بشر با تنوع خلقت، خلق و خوی متفاوت و استعدادها و ذوق‌های مختلف، همه به یک ریشه باز می‌گردد که آن آدم (ع) است. تعبیر به- ثم جعل مِنْهَا زَوْجَهَا- در واقع اشاره به این است که خدا آدم را آفرید سپس همسرش را از گل [و حقیقت او خلق کرد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۷۲

لازم به یادآوری است که در برخی احادیث آمده «۱» است که آفرینش همسر آدم، از باقیمانده‌ی گل او صورت گرفته است. اما روایتی که می‌گوید: حوا از آخرین دنده‌ی چپ آدم (ع) آفریده شده، سخنی بی‌اساس است که از بعضی روایات اسرائیلی (تحریف شده) گرفته شده و هماهنگ با مطلبی است که در فصل دوم سفر تکوین «۲» تورات تحریف یافته‌ی کنونی آمده است. و از این گذشته بر خلاف مشاهده و حس می‌باشد. زیرا طبق این روایت، یک دنده‌ی آدم برداشته و از آن حوا را آفریده‌اند، و از این رو مردان یک دنده در طرف چپ کمتر دارند. در حالی که ما می‌دانیم هیچ تفاوتی میان تعداد دنده‌های مردان و زنان وجود ندارد و این تفاوت افسانه‌ای بیش نیست. «۳»

شخصی از امام باقر (ع) پرسید: خداوند حوّا را چگونه آفرید؟ امام در پاسخ فرمودند: مردم در این مورد چه می‌گویند: گفتم: می‌گویند خداوند حوّا را از یکی از دنده‌های آدم آفرید. (امام) فرمودند: آنها دروغ می‌گویند، آیا خداوند ناتوان است که حوا را از غیر دنده‌ی آدم (ع) بیافریند. گفتم فدایت گردم ای پسر رسول خدا پس خداوند حوا را از چه آفرید: «امام فرمودند: پدرم از پدرانش نقل کرد که رسول خدا (ص) فرمود: خداوند متعال مقداری گل را گرفت و آن را با دست قدرتش درهم آمیخت و از آن گِل، آدم (ع) را آفرید، سپس از آن گِل مقداری اضافه آمد، خداوند از آن گل اضافی حوّا را آفرید. «۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۷۳

شاید تعبیر گل آدم کنایی باشد و مقصود حقیقت آدم و وجود او باشد که حواء از آن آفریده شده است.

بعضی‌ها از آیه‌ی «خَلَقَكُم مِن نَفْسٍ وَاحِدَهٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» «۱» استفاده کرده‌اند که مقصود از (خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا) خلقت حوّا از جنس آدم (جنس بشر) است؛ یعنی حوّا انسانی بود مثل خود آدم و این معنا با توجه به آیات دیگر قابل اثبات است که می‌فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجاً لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»؛ «۲»

«و از نشانه‌های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان‌ها آرامش یابید.»

«وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجاً»؛ «۳»

«و خدا برای شما از (جنس) خودتان همسرانی قرار داد.»

نتیجه:

حوا از گل آدم آفریده شده است. ولی شاید مقصود از «گل»، حقیقت وجود آدم باشد که یعنی می‌توان گفت: جنس آدم و حوا یکی است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۷۵

آیا اشاره به «آمیزش و لقاح» ابرها و گیاهان، اعجاز علمی قرآن است؟

پرسش:

آیا اشاره به «آمیزش و لقاح» ابرها و گیاهان، اعجاز علمی قرآن است؟ پاسخ:

تاریخچه:

هر چند بشر از دیرباز می‌دانسته که در برخی گیاهان- مانند: خرما.- اگر گرده‌های نر را به گیاه ماده برسانند؛ محصول بدست می‌آید؛ ولی این اطلاعات محدود به چند گیاه خاص بود، تا اینکه لینه «۱» (۱۷۷۸- ۱۷۰۷ م) طبیعی دان سوئدی، قانون «زوجیت عمومی در گیاهان» را کشف کرد.

در مورد باران نیز باید گفت: بشر اطلاعاتی از کیفیت نزول آن نداشت تا اینکه در سال‌های اخیر با پیشرفت در رشته‌هایی چون هواشناسی، به مسئله‌ی تلقیح ابرها پی بردند. و حتی فعلًا بحث از باران مصنوعی است. در اینجا بود که دانشمندان متوجه نقش عجیب بادها در زایا شدن ابرها شدند. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۷۶

بررسی آیات:

آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی حجر، در این موضوع، نقش محوری دارد، که خداوند می‌فرماید:

«وَأَرْسَلْنَا الرِّيَاحَ لَوَاقِحَ فَأَنزَلْنَا مِنَ السَّماءِ مَاءً ...»

«و بادها را باردار کننده فرستادیم و از آسمان آبی نازل کردیم.»

در مورد این آیه سه نظر وجود دارد:

الف: منظور، لقاح گیاهان است:

برخی نویسندگان «۱» ضمن تقسیم عوامل لقاح در گیاهان به رئیسی (مثل حشرات) و غیر رئیسی (مثل آب، انسان و ...) نقش بادها را در این زمینه مهم ارزیابی کرده و می‌گویند: «علم کشف کرده که مهمترین گیاهان خشکی و آبی، بوسیله‌ی باد تلقیح می‌شوند، از این رو قرآن از میان عوامل لقاح، باد را ذکر کرده است.»

ب: منظور، لقاح ابرهاست: «۲»

برخی دانشمندان بر این باورند که حتی وجود بخار آب در هوا و اشباع هوا و یا حتی تقطیر آن در سطوح بالایی جوّ، برای ریزش باران کافی نیست؛ زیرا ممکن است با وجود اشباع، تقطیر نشود و یا اینکه قطرات آنقدر ریز باشند که معلق بمانند و نبارند؛ بلکه شرط سومی نیز ضرورت دارد که آن، «باورشدن» یا «عمل لقاح» است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۷۷

به این ترتیب باد، ذرات نامرئی نمک را از دریا با خود می‌آورد تا به همراه قطرات ریز آب، نطفه‌های جذب کننده و آماس کننده را تشکیل دهد و سرانجام با تلاطم و تصادم بادها به هم بپیوندند، رفته رفته درشت شده و سقوط کنند.

همچنین توده‌های ابر، در اثر اصطکاک با عوارض زمین و اجسام معلق در باد، دارای بارهای الکتریکی مخالف می‌شوند که تخلیه‌ی آن- رعد و برق- باعث یونیزه شدن هوا و تشکیل ازن می‌گردد که به پیوستن و درست شدن باران کمک فراوان می‌نماید. «۱»

ج: منظور، لقاح ابرها و گیاهان است:

برخی دیگر از دانشمندان و صاحب نظران انحصار آیه در یکی از دو معنای فوق را رد می‌کنند. و می‌گویند: اگر چه قسمت دوم آیه بوسیله «فاء» که یکی از موارد کاربردش نتیجه‌گیری است به قسمت اول ربط داده شده است- بادها را زایا کننده فرستادیم، «پس» نازل کردیم ...- ولی منظور آن فقط لقاح ابرها نیست بلکه قسمت اول آیه، یک فرمول کلی را ارائه می‌دهد چه در گیاهان و چه در ابرها؛ و قسمت دوم (از آسمان آبی نازل کردیم) یکی از موارد و نمونه‌های آن است. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۷۸

نتیجه‌گیری:

۱. قسمت اول آیه قاعده‌ی کلی و قسمت دوم یک نمونه و مصداق از آن است. پس آیه می‌تواند هم لقاح در گیاهان و هم ابرها را شامل شود.

۲. آیه‌ی فوق می‌تواند چیزی فراتر از ابر و گیاه را شامل شود. که ممکن است در آینده، علم از آن پرده برداری کند.

۳. اشاره‌ی علمی قرآن به پدیده‌ی «لقاح در ابرها»، می‌تواند «اعجاز علمی» به شمار آید، چرا که این مسئله تا سال‌های اخیر برای بشر مشخص نشده بود.

ولی در مورد گیاهان، از آنجا که بشر از گرده افشانی گیاهان- هر چند محدود- اطلاع داشته است با یک درجه تنزّل جزء «شگفتی‌های علمی قرآن» به حساب می‌آید نه «اعجاز علمی».

معرفی کتاب:

برای مطالعه بیشتر به منابع ذکر شده در پاورقی و همچنین منابع زیر مراجعه فرمایید:

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۶۱.

۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات کتاب مبین.

۳. قرآن و پدیده‌های طبیعت از دید دانش امروز، د. یحیی نظیری، ناشر سحاب کتاب، چاپ اول، ۱۳۵۸.

۴. قرآن و اسرار آفرینش، استاد جعفر سبحانی، انتشارات توحید، ۱۳۶۲.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۷۹

آیا از نظر قرآن در آسمان‌ها موجود زنده وجود دارد؟

پرسش:

آیا از نظر قرآن در آسمانها موجود زنده وجود دارد؟ پاسخ:

اگر چه علوم روز هنور به طور قطعی در مورد وجود موجودات زنده در آسمان، خبر نداده است ولی قرآن در این باره با نوعی رازگویی در ۱۵ قرن پیش، پنجره‌ی جدیدی را به روی دانشمندان گشوده است.

با بررسی در آیات به نظر می‌رسد قرآن کریم بر بودن موجودات زنده در آسمان اشاراتی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. خداوند در آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی شوری می‌فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ»

«و از آیات اوست آفرینش آسمان‌ها و زمین و آنچه از جنبندگان در آنها منتشر نموده؛ و او هر گاه بخواهد بر جمع آنها تواناست.»

برخی صاحب نظران می‌نویسند: «دابه» از نظر لغوی، مشتق از «دب» و به معنای راه رفتن و حرکت کردن است و آن شامل حشرات و پرندگان و انسان‌ها می‌شود. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۸۰

علامه طباطبایی (ره) در مورد دلالت آیه می‌فرماید: ظاهر آیه این است که در آسمان موجوداتی از جنبندگان (دواب) مثل روی زمین وجود دارد، و اگر کسی بگوید: منظور از جنبندگان آسمان ملائکه هستند مردود است؛ زیرا «دواب» بر ملائکه اطلاق نمی‌شود. «۱»

هر چند طبق آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی انبیاء، هر موجود زنده‌ای از آب آفریده شده است «۲» ولی همانگونه که در روی زمین شرایط حیات موجودات زنده متفاوت است و گروهی آبزی، گروهی خاکزی و جمعی نیز هوازی هستند با مقیاس وسیع‌تری شرایط حیات در کرات دیگر براساس ساختمان مختلف جانداران متفاوت است و نباید انتظار داشت، موجودات دیگر همان سازمان وجودی ما را داشته باشند. «۳»

از حضرت علی (ع) در این زمینه نقل شده است، که می‌فرمایند:

«این ستارگانی که در آسمان است، شهرهایی همچون شهرهای زمین هستند که هر شهری با شهر دیگر با ستونی از نور مرتبط است.» «۴»

از این روایت می‌توان چنین برداشت کرد که: همانگونه که در شهرهای زمین انسان‌ها زندگی می‌کنند، در آسمان‌ها نیز موجودات هوشمندی شبیه انسان زندگی می‌کنند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۸۱

در ادامه‌ی، آیه می‌فرماید: «او بر جمع کردن آنها هنگامی که بخواهد قادر است.» برخی صاحب نظران بر این باورند که: احتمال دارد منظور از جمع «جمع در آخرت» باشد و ممکن است «جمع در دنیا» باشد ولی احتمال دوم قوی‌تر است. چرا که اگر منظور آخرت بود تناسب داشت آنرا با تاکید بیان کند نه اینکه با مشیت- اذا یشاء- همراهش نماید.

بنابراین می‌فرماید: هنگامی که خداوند بخواهد ساکنین زمین و آسمان با همدیگر ملاقات می‌کنند. «۱»

۲. آیه‌ی دیگری که به این مطلب دلالت دارد آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی رعد است؛ که می‌فرماید:

«وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَن فِي السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَظِلَالُهُم بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ»؛ «تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند- از روی اطاعت یا اکراه- و همچنین سایه‌هایشان، هر صبح و عصر برای خدا سجده می‌کنند.»

واژه‌ی «مَن» در عربی برای صاحبان عقل به کار می‌رود، پس مقصود موجودات دارای شعور مثل انسان و فرشتگان هستند که در آسمان‌ها و زمین برای خدا سجده می‌کنند و از آنجایی که ملائکه و جن، سایه ندارند پس مقصود از «کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند» بشر و مخلوقاتی شبیه بشر هستند که سجده از روی اطاعت، مربوط به مومنین، و سجده از روی اکراه، مربوط به کافرین است (البته سجده در اینجا به معنای خضوع است.) «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۸۲

آنچه تاکنون گفتیم در جهت اثبات وجود موجودات زنده در کرات دیگر بود که امروزه اصطلاحاً «تئوری‌پردازی از دیدگاه قرآن» نامیده می‌شود و در صورتی که علوم تجربی نیز به همین نتیجه برسند اعجاز علمی آن اثبات می‌شود.

اما از آنجا که در تفسیر آیات و احادیث باید جنبه‌های مختلف را در نظر گرفت و با دید وسیع‌تری به آیات نگاه کرد تا به واقع نزدیک‌تر شویم؛ در پایان احتمال دیگری را در مورد آیه‌ی اول- ۲۹/ شوری- مطرح می‌کنیم که با معنای ذکر شده متفاوت است.

بررسی:

«واژه سماء و سموات در قرآن، به چند معنا به کار رفته است؛ از قبیل جهت بالا، کرات آسمانی، جو زمین ...

تفسیر آیه فوق به وجود موجود زنده در کرات دیگر، وقتی صحیح است که ثابت شود واژه‌ی «سموات» در این آیه، به معنای کرات آسمانی است؛ در حالی که ممکن است منظور «جو اطراف زمین» باشد.

و منظور از «دابّه» موجودات ذره بینی مثل باکتری‌ها و یا موجودات درشت مثل پرندگان باشد.

حال اگر معنای دوم- جو زمین- را بپذیریم آیه در قسمت موجودات درشت، یک واقعیت خارجی را بیان می‌کند، که یکی از نشانه‌های الهی است؛ و در قسمت موجودات ریز، نوعی رازگویی علمی است که علوم جدید بدان دست یافته است. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۸۳

بنابراین به طور قطع نمی‌توان نظریه‌ی «وجود موجودات زنده در کرات دیگر» را به قرآن نسبت داد هر چند طبق تفسیر اوّل احتمال آن وجود دارد.

معرفی کتاب برای مطالعه بیشتر:

۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، ج ۱، انتشارات کتاب مبین، (چاپ دوم/ ۱۳۸۱)، ص ۱۹۵- ۲۰۶.

۲. قطراتی از دریای قرآن، بهمن نیک بین، نشر نیریز، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۳. اثبات آسمانی بودن قرآن مجید، شهاب فهیم، ناشر موحدین، ۱۳۸۰.

۴. قرآن و علوم روز، عبدالغنی الخطیب، ترجمه: دکتر اسد الله مبشری، (چاپ اول، ۱۳۶۲)، موسسه مطبوعاتی عطایی.

۵. الاعجاز القرآن و التقدم العلمی، محمد علloه، ناشر، دار الاشراق، ۱۹۹۷ م.

۶. من دلائل الاعجاز العلمی، فی القرآن الکریم و السنه النبویه، دکتر موسی الخطیب، مؤسسه الخلیج [المجعول

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۸۵

در قرآن به چند حیوان اشاره شده است؟

پرسش:

در قرآن به چند حیوان اشاره شده است؟ پاسخ:

خداوند متعال نعمت‌های فراوانی به انسان عرضه داشته است، از جمله، حیوانات را مسخّر بشر نمود تا از گوشت و پوست و محصولات آن استفاده کنند و نیازهای خویش را برآورده نمایند. و از طرفی در آفرینش موجودات زنده نشانه‌های بی‌شماری از قدرت و عظمت و حکمت پروردگار نهفته است از این رو می‌فرماید:

«أَفَلَا یَنظُرُونَ إِلَی الْإِبِلِ کَیْفَ خُلِقَتْ» «۱»

«و آیا به شتر نظر نمی‌کنند که چگونه آفریده شده؟!»

خداوند موجودات مختلف اعم از حیوان و گیاه و ... را در اختیار انسان قرارداد تا از وجود آنها پی به وجود قدرت خدا ببرد و بعد از استفاده‌ی او را شکرگزاری کند.

قرآن کریم از ۳۹ نوع حیوان و حشره با تعابیر متعدّد (حدود ۶۳ تعبیر) به صورت اسم صریح یا کنایه نام می‌برد که عبارتند از «۲»

چهارپایان، شتر، پشه، قاطر،

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۸۶

گاو، اژدها، اسب، ملخ، جانوران شکاری، الاغ، گورخر، ماهی، مار، خوک، جنبندگان (زمین)، موریانه، مگس، حیوانات رام، حیوانات سم‌دار، حیوانات درنده، سلوی «۱»، گوسفند، قورباغه، پرنده، گوساله، عنکبوت، کلاغ، پروانه، فیل بوزینه، شیر، سگ، شپش، بز، میش، زنبور عسل، مورچه، هدهد.

اینک نظر شما را به فهرست مفصلی که در این راستا ارایه می‌شود، جلب می کنیم: «۲»

نام قرآنی

نـام فارسی نـام سوره و آیه متن آیه الا۔بل شتر انعام/ ۱۴۴، ذاریات/ ۲، غاشیه/ ۱۷ وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَ مِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِا لانعام چهارپا یانانعام/ ۱۳۶ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۲، حج/ ۳۰ و ۳۴، زمر/ ۶، شوری/ ۱۱، عبس/ ۳۲، غافر/ ۷۹، فاطر/ ۲۸، فرقان/ ۴۴ و ۴۹، مومنون/ ۲۱، محمد/ ۱۲، نازعات/ ۳۳، نحل/ ۵ و ۶۶ و ۸۰، نساء/ ۱۱۹، یونس/ ۲۴، آل‌عمران/ ۱۴، سجده/ ۲۷، شعراء/ ۱۳۳، طه/ ۵۴، یس/ ۷۱ ... الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيباًالبُدنجمع بُدنه، شتر و گاو قربانی «۳» حج/ ۳۶ وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُم

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۸۷

البعوضه

پشهبقره/ ۲۶ مَا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَابعیرشتر»

یوسف/ ۶۵ و ۷۲ وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ البغال قاطرها نحل/ ۸ وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ ... البقرگاوانعام/ ۱۴۴ و ۱۴۶ وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِالبقره‌یک گاو [ماده بقره/ ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تَذْبَحُوا بَقَرَةً بقرات گاوها یوسف/ ۴۳ و ۴۶ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍثُعبانمار بزرگ- اژدهااعراف/ ۱۰۷، شعراء/ ۳۲ فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌالجاریات [اسبان رونده به نرمی آبذاریات/ ۳ فَالْجَارِيَاتِ يُسْراً «۲» الجرادملخاعراف/ ۱۳۳، قمر/ ۷ ... فأرسلنا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ ... جانمارقصص/ ۳۱ تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّالجملشتر «۳» اعراف/ ۴۰ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۸۸

الجوارح

جانوران شکاری «۱» مائده/ ۴ وَ مَا عَلَّمْتُم مِنَ الْجَوَارِحِ الجیاد «۲» اسبان چابک تندروص/ ۳۱ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ جمال شتران (ترجمه آیت‌الله مکارم)، جمع ابلمرسلات/ ۳۳ كَأَنَّهُ جِمَالَةٌ صُفْرٌالحاملات و قراً [شتر] حمل کننده‌ی بار سنگینذاریات/ ۲ فَالْحَامِلَاتِ وِقْراً «۳» الحمارالاغ- خربقره/ ۲۵۹، جمعه/ ۵ وَانْظُرْ إِلَى حِمَارِكَ الحُمُر گور خران «۴» مدثر/ ۵۰ كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنفِرَةٌ الحمیرالاغ‌ها- خرهالقمان/ ۱۹، نحل/ ۸ أَنكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِالحوتماهی بزرگصافات/ ۱۴۲، قلم/ ۴۸، اعراف/ ۱۶۳ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَ هُوَ مُلِيمٌحوت (السمک) ماهیکهف/ ۶۱ و ۶۴ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا حیه مارطه/ ۲۰ فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى الخناز یرخوک ها مائده/ ۶۰ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۸۹

الخنزیر

خوکمائده/ ۳، نحل/ ۱۱۵ وَ لَحْمُ الْخِنْزِيرِ ... وَالْمُنْخَنِقَةُ وَ الْمَوْقُوذَةُ وَ الْمُتَرَدِّيَةُ ... الخیلگروه اسباناسراء/ ۶۴، آل‌عمران/ ۱۴، انفال/ ۶۰، ذاریات/ ۳، عادیات/ ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵، نحل/ ۸، حشر/ ۶ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَ رَجِلِكَا لدابّه جنبنده «۱» بقره/ ۱۶۴، جاثیه/ ۴، شوری/ ۲۹، فاطر/ ۴۵، لقمان/ ۱۰، نحل/ ۴۹ و ۶۱، نور/ ۴۵، هود/ ۶، انعام/ ۳۸ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ الدوّ ابّجمع دابّهانفال/ ۲۲ و ۵۵، حج/ ۱۸، فاطر/ ۲۸ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِندَ اللَّهِدابّه الارضکنایه از موریانهسبأ/ ۱۴ ... مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِا لذئب گرگیوسف/ ۱۳ و ۱۴ و ۱۷ وَأَخَافُ أَن يَأْكُلَهُ الذِّئْبال ذبحکنایه از قوچ [یا گوسفند] صافات/ ۱۰۷ وَفَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ ذُبابمگسحج/ ۷۳ ... يَسْلُبْهُمْ

الذُّبَابُ شَیْئاً ... الذّل و لحیوان رام و فرمانبردارملک/ ۱۵ جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًاذُی ظُفرحیوان سم دارانعام/ ۱۴۶ حَرَّمْنَا کُلَّ ذِی ظُفُرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ ...

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۹۰

السلوی

ورتیج «۱» اعراف/ ۱۶۰، طه/ ۸۰ وَأَنْزَلْنَا عَلَیْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَی ... (السمک) لحم طریّ «۲» ماهینحل/ ۱۴ لَحْماً طَرِیًّا وَتَسْتَخْرِجوا مِنْهُ حِلْیَهً ... السَّبُعجانور درندهمائده/ ۳ ... وَمَا أَکَلَ السَّبُعُ ... الصافن اتاسبان رهواری که بر سه پای خود می‌ایستند «۳» ص/ ۳۱ ... بِالْعَشِیِّ الصَّافِنَاتُ الْجِیَادُ الضأن گوسفند انعام/ ۱۴۳ ... الضَّأْنِ اثْنَیْنِ وَ مِنَ الْمَعْزِ ... ضفادع قورباغه‌ها اعراف/ ۱۳۳ ... وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ ... ضامرحیوان سورای لاغر و باریک اندامحج/ ۲۷ ... وَعَلَی کُلِّ ضَامِرٍ یَأْتِینَالطیرپرنده- پرندگاناآل‌عمران/ ۱۴، انبیاء/ ۷۹، بقره/ ۲۶۰، حج/ ۳۱، سبأ/ ۱۰، ص/ ۱۹، مائده/ ۱۱۰، ملک/ ۱۹، نحل/ ۷۹، نمل/ ۱۷ و ۲۰، نور/ ۴۱، یوسف/ ۳۶ و ۴۱ الْخَیْلِ الْمُسَوَّمَهِ وَالْأَنْعَامِ ... طائرپرنده‌اعراف/ ۱۳۱، انعام/ ۳۸ ... وَلَا طَائِرٌ یَطِیرُ بِجَنَاحَیْهِ

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۹۱

طیر

فیل/ ۳، نمل/ ۱۶ وَأَرْسَلَ عَلَیْهِمْ طَیْراً أَبَابِیلَ العادیات [اسبان تازنده‌عادیات/ ۱ وَالْعَادِیَاتِ ضَبْحاً عجل گوساله‌اعراف/ ۱۴۸ و ۱۵۲، بقره/ ۵۱ و ۷۲ و ۹۳، ذاریات/ ۲۶، طه/ ۸۸، هود/ ۶۹ فَرَاغَ إِلَی أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِینال عنکبوت عنکبوت عنکبوت/ ۴۱ ... کَمَثَلِ الْعَنکَبُوتِ اتَّخَذَتْ ... العیرآنچه بر آن طعام حمل می‌شود اعم از قافله‌های شتر و الاغ و قاطر «۱» یوسف/ ۸۲ وَالْعِیرَ الَّتِی أَقْبَلْنَا فِیهَاغنم گوسفند انبیاء/ ۷۸، انعام/ ۱۴۶ إِذْ نَفَشَتْ فِیهِ غَنَمُ الْقَوْمِالعشارشتری که از آبستن آن ده ماهه گذشته استتکویر/ ۴ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْال غُراب کلاغ مائده/ ۳۱ فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَاباً یَبْحَثُ ... المغیرات [اسبان هجوم برنده‌عادیات/ ۳ فَالْمُغِیرَاتِ صُبْحاً الفراش پروانه‌ها «۲» قارعه/ ۴ یَوْمَ یَکُونُ النَّاسُ کَالْفَرَاشِ ... الفیل فیل فیل/ ۱ ... رَبُّکَ بِأَصْحَابِ الْفِیلِ القرده بوزینه‌ها «۳» بقره/ ۶۵، مائده/ ۶۰، اعراف/ ۱۶۶ ... کُونُوا قِرَدَهً خَاسِئِینَ

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۹۲

قسوره

شیر «۱» مدثر/ ۵۱ فَرَّتْ مِن قَسْوَرَهٍالقمل «۲» شپش، کنهاعراف/ ۱۳۳ ... الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ ... الکلبسگاعراف/ ۱۷۶، کهف/ ۱۸ و ۲۲ فَمَثَلُهُ کَمَثَلِ الْکَلْبِ ... المتردیّه‌حیوانی که با پرت شدن از بلندی بمیرد. مائده/ ۳ وَلَحْمُ الْخِنْزِیرِ ... وَالْمُنْخَنِقَهُ وَالْمَوْقُوذَهُ وَالْمُتَرَدِّیَهُ ... المعزبزانعام/ ۱۴۳ ... مِن الضَّأْنِ اثْنَیْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ ... المنخنقه‌حیوانی که خفه شود. مائده/ ۳ وَلَحْمُ الْخِنْزِیرِ ... وَالْمُنْخَنِقَهُ وَالْمَوْقُوذَهُ وَالْمُتَرَدِّیَهُ ... الموریات [اسبان شعله برانگیزنده با کوبش سمعادیات/ ۲ فَالْمُورِیَاتِ قَدْحاً الموقوذه حیوانی که با زدن بمیرد. مائده/ ۳ وَلَحْمُ الْخِنْزِیرِ ... وَالْمُنْخَنِقَهُ وَالْمَوْقُوذَهُ وَالْمُتَرَدِّیَهُ ... الناقه‌ماده شتراسراء/ ۵۹، اعراف/ ۷۷، قمر/ ۲۷، هود/ ۶۴، شعراء/ ۱۵۵، شمس/ ۱۳ وَآتَیْنَا ثَمُودَ النَّاقَهَ مُبْصِرَهًنعجه‌میشص/ ۲۳ و ۲۴ ... نَعْجَهً وَلِیَ نَعْجَهٌ وَاحِدَهٌالنحلزنبور عسلنحل/ ۶۸ وَأَوْحَی رَبُّکَ إِلَی النَّحْلِ ...

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۹۳

النطیحه

حیوانی که با شاخ زدن حیوان دیگری بمیرد. مائده/ ۳ وَلَحْمُ الْخِنْزِیرِ .... وَ الْمُنْخَنِقَهُ وَالْمَوْقُوذَهُ وَالْمُتَرَدِّیَهُ وَالنَّطِیحَهُ النَعَم چهارپا مائده/ ۹۵ فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِمن یمشی علی بطنهحیواناتی که بر شکم راه می‌روندنور/ ۴۵ مَن یَمْشِی عَلَی بَطْنِهِمن یمشی علی رجلینحیواناتی که بر دوپا راه می‌روندنور/ ۴۵ مَن یَمْشِی عَلَی رِجْلَیْنِمن یمشی علی اربع حیواناتی که بر چهار پا راه می‌روند نور/ ۴۵

مَن یَمْشِی عَلَی أَرْبَعٍ النمل مورچه نمل/ ۱۸ حَتَّی إِذَا أَتَوْا عَلَی وَادِ النَّمْلِ ... النون [ماهی بزرگ انبیاء/ ۸۷ وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِباً الوحوش جانوران وحشی تکویر/ ۵ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْهدهدشانه‌به سرنمل/ ۲۰ فَقَالَ مَا لِیَ لَا أَرَی الْهُدْهُدَ ... هَدیحیوانی که برای قربانی به مکه می‌برندبقره/ ۱۹۶، مائده/ ۲ – ۹۵ – ۹۷، فتح/ ۲۵ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَیْسَرَ مِنَ الْهَدْی توضیحاتی پیرامون اسامی حیوانات در قرآن: الف. از حیواناتی مانند «ماهی‌ها»، «پرندگان»، «پستانداران» و «حشرات» در چند جای قرآن به چهار صورت یاد شده است:

۱. اسم صریح: مثل بقره (گاو ماده).

۲. بصورت وصفی مانند: دابه الارض که منظور «موریانه» است و یا «بُدْن» که منظور شتر و گاو قربانی است.

۳. نام حیوان به همراه فرآورده‌اش مثل نحل (زنبور عسل) و عسل.

۴. به ذکر نام فرآورده اکتفاء شده است مثل لؤلؤ و مرجان.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۹۴ ب: در یک تقسیم‌بندی دیگر می‌توان حیواناتی را که در قرآن آمده است به گروه‌های زیر تقسیم کرد:

۱. حیوانات اهلی و کشاورزی مثل: بقره (گاو ماده)، غنم (گوسفند).

۲. حیوانات وحشی مثل: ذئب (گرگ).

۳. حشرات: مثل نمل (مورچه).

۴. پرندگان: مثل هدهد.

۵. حیوانات آبزی: مثل: حوت (ماهی).

از این حیوانات در ۵۲ سوره و بالغ بر ۱۵۴ آیه یاد شده، چنانکه برخی سوره‌ها نیز به نام آنها نام‌گذاری شده که در این میان، سوره‌ی بقره بزرگ‌ترین و سوره‌ی فیل کوچک‌ترین سوره‌ای است که به نام حیوانات می‌باشد.

ج: در یک تقسیم‌بندی کلی دیگر، قرآن کریم، حیوانات را به اقسام زیر تقسیم کرده است. «۱»

۱. من یمشی علی بطنه؛ حیواناتی که بر شکم راه می‌روند.

۲. من یمشی علی رجلین؛ حیواناتی که بر دو پا راه می‌روند.

۳. من یمشی علی اربع؛ حیواناتی که بر چهار پا راه می‌روند.

[البته به نظر می‌رسد این تقسیم‌بندی حداقل شامل حیوانات هوازی نمی‌شود]

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۹۵

د: در قرآن از ناس- بشر- بنی‌آدم و ... نیز نام برده شده که همگی بر انسان دلالت می‌کند که اگر با عینک علم زیست‌شناسی بنگریم آن‌ها نیز از جمله‌ی حیوانات می‌باشد.

یادآوری: نام بردن حیوانات در قرآن به تنهایی دلالت بر اعجاز علمی ندارد ولی می‌تواند شگفتی علمی یا اشاره علمی باشد.

منابع «قرآن و زیست‌شناسی» جهت مطالعه بیشتر:

الف. فارسی

۱. قرآن و پدیده‌های طبیعت از دید دانش امروز، د. یحیی نظیری، ناشر سحاب کتاب، چاپ اول، تیر ۱۳۵۸.

۲. قرآن و طبیعت، د. عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، انتشارات زکات علم، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۶.

۳. اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، یدالله نیازمند، کانون انتشارات محمدی، چاپ ششم، شهریور ۱۳۵۸.

۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، د. محمدعلی رضایی‌اصفهانی، ج ۲، انتشارات کتاب مبین، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۵. قرآن و علوم روز، سید جواد افتخاریان، انتشارات افتخاریان، چاپ بیستم، ۶۲.

۶. نگرشی به علوم طبیعی در قرآن، لطیف راشدی، ناشر سبحان، چاپ اول، بهار ۷۷.

۷. قرآن و اسرار آفرینش، جعفر سبحانی، انتشارات توحید، ۱۳۶۲.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۹۶

ب. عربی

۱. رحیق العلم و الایمان، الدکتور احمد فؤاد باشا، ناشر دارالفکر العربی، الطبعه الاولی، ۱۴۲۲ ه- و ۲۰۰۲ م.

۲. المعجم الطبیعی للقرآن الکریم، عزیز العلی العزی، انتشارات دارالتقریب بین المذهب الاسلامیه، الطبعه الاولی، ۲۰۰۱ م.

۳. وجوه الاعجاز فی آیات التحل لغویاً- علمیاً- طبیاً، د. رضا فضیل بَکر، ناشر دارالاعتصام.

۴. الاعجاز العلمی فی الاسلام و القرآن الکریم، محمد کامل عبدالصمد، ناشر الدار المصریه البنانیه، الطبعه الرابعه، ۱۴۱۶ ه- ۱۹۹۶ م.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۹۸

چرا در قرآن از میوه و گیاه یاد شده است؟

پرسش:

چرا در قرآن از میوه و گیاه یاد شده است؟ پاسخ:

با مراجعه به آیاتی که در آنان از میوه‌ها و گیاهان یاد شده است می‌توان به حکمت آن پی برد و به عبارت دیگر خداوند در ادامه‌ی اکثر آیه، علت آنرا بیان می‌فرماید.

بطور کلی مواردی چون، یادآوری نعمت‌های الهی، برانگیختن حس شکرگزاری، دعوت به تفکر و تدبر در نشانه‌ها و قدرت خداوند و مواردی از این قبیل را می‌توان از علل ذکر میوه‌ها و گیاهان در قرآن بر شمرد؛ که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: «۱»

۱. یادآوری نعمت‌ها: خداوند در آیات متعددی از قرآن در مقام تذکر و یادآوری نعمت‌ها- که بر بنی‌اسرائیل ارزانی داشته بود- از «منّ» و «سلوی» «۲» یاد

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۹۹

می‌کند. من و سلوی دو غذای ویژه‌ی گیاهی و حیوانی است که در دوران چهل سال سرگردانی بنی‌اسرائیل در بیابان، فرو فرستاده شد و از ارزش غذایی بالایی برخوردار است. و در آیه‌ی ۶۱ بقره، برتری آن نسبت به غذاهایی چون سبزیجات، خیار، عدس و ... تاکید می‌کند. «۱»

۲. دعوت به تعقل و تفکر: در آیه‌ی ۹۹ سوره‌ی انعام، پس از ذکر میوه‌هایی چون انگور، زیتون و انار می‌فرماید:

«به میوه‌ها و طرز رسیدنش بنگرید که در آن نشانه‌هایی (از عظمت خدا) برای افراد با ایمان است.»

و یا در سوره‌ی رعد آیه‌ی چهارم، ضمن یادآوری تنوع گیاهان، در حالی که از یک آب سیراب می‌شوند و همچنین یادآوری ارزش غذایی مختلف آنان، آنرا دارای نشانه‌هایی می‌داند که برای کسانی که تعقل می‌کنند.

۳. یادآوری قیامت: رویش گیاهان نمونه‌ای بسیار روشن از چگونگی برانگیخته شدن انسان‌ها در روز قیامت است. این مطلب را در آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی ق تذکر می‌دهد و پس از بیان رویش گیاهان و باغ‌ها می‌فرماید:

«کَذلِکَ الْخُرُوجُ»؛ «زنده شدن مردگان نیز همین گونه است.»

۴. یادآوری ارزش غـذایی برخی میوه‌ها: خداونـد در قرآن با بیان اسامی برخی میوه‌ها به ارزش غذایی آن‌ها که در علم غذاشناسـی نیز اثبات شده، توجه می‌دهد. مانند خرما، انگور، و حتّی در برخی موارد به آنها سوگند یاد شده است. مثل انجیر و زیتون. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۰۰

نام چه میوه و گیاهانی در قرآن آمده است؟

پرسش:

نام چه میوه و گیاهانی در قرآن آمده است؟ پاسخ:

نام قرآنی

نام فارسی نام علمی اشارات قرآنی ۱. منّترن جبین- گزان گبین تیره پروانه آسایان:

LeguminosaeA lhagi maurorum medic تیره گزخوانسار:tamaricaceae Tamarix mannifera

بقره/ ۵۷: «وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوى» اعراف/ ۱۶۰؛ طه/ ۸۰.

۲. نخل- نخیلنخل- خرماتیره نخلها:

Arecaceae Phoenix dactylifera linn بقره/ ۲۶۶: «جَنَّةٌ مِن نَخِيلٍ» انعام/ ۹۹ و ۱۴۱؛ رعد/ ۴؛ نحل/ ۱۱ و ۶۷؛ اسراء/ ۹۱؛ کهف/ ۳۲؛ مریم/ ۲۳ و ۲۵؛ طه/ ۷۱؛ مومنون/ ۱۹؛ شعراء/ ۱۴۸؛ یس/ ۳۴؛ ق/ ۱۰؛ قمر/ ۲۰؛ رحمن/ ۱۱ و ۶۸؛ حاقه/ ۷؛ عبس/ ۳.

۲۹. زیتوناز تیرهoleaceae زیتونیان.

olea europaea linn انعام/ ۹۹ و ۱۴۱؛ «وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَانَ» نحل/ ۱۱؛ مومنون/ ۲۰؛ نور/ ۳۵؛ عبس/ ۲۹؛ تین/ ۱.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۰۱

۴. عنب (مفرد)

اعناب (جمع)

انگوراز تیره eaecativ رَزها

Vitis vinifera linn بقره/ ۲۶۶؛ «مِن نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ» انعام/ ۹۹؛ رعد/ ۴؛ نحل/ ۱۱ و ۶۷؛ اسراء/ ۹۱؛ کهف/ ۳۲؛ مومنون/ ۱۹؛ یس/ ۳۴؛ نبأ/ ۳۲؛ عبس/ ۲۸.

۵. رمّاناناراز تیره punicacaceae انارها

Punica granatumlinn انعام/ ۹۹ و ۱۴۱؛ «وَالرُّمَانَ مُشْتَبِهاً وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ» رحمن/ ۶۸؛

۶. تینانجیراز تیره: Moraceae گزنه

Ficus carica linn . تین/ ۱؛ «وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ» ۷. سدره- سدرسدر: (مترجم) سروآزاد: (مولف)

از تیره Pinaceae مخروطیان

Cedrus libani loud سبأ/ ۱۶؛ «وَشَيْءٍ مِن سِدْرٍ قَلِيلٍ» نجم/ ۱۴؛ واقعه/ ۲۸.

۸. أثلگزاز تیره گزها- Tamariscaceae

Tamarisk aphylla سبأ/ ۱۶؛ «ذَوَاتَىْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثْلٍ وَشَىْءٍ مِن سِدْرٍ قَلِيلٍ» ۹. خمطدرخت مسواک- درخت اراکاز تیره اراکیهاSalvadoraceae

Salvadora persica linn سبأ/ ۱۶؛ «ذَوَاتَىْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثْلٍ» ۱۰. کافورحنا «۱» از تیره حناLythraceae Lawsonia

Inermis

Linn انسان/ ۵؛ «کَانَ مِزَاجُهَا کَافُوراً»

۱۱. زنجبیلزنجبیلاز تیره Zingiberceae زنجبیل ها

Zingiber officinale Rose انسان/ ۷؛ «کَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِیلًا»

۱۲. عدس عدساز تیره Leguminosae پروانه آسایان

Lens culinaris medic: esculenta Moench. L . بقره/ ۶۱؛ «وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۰۲

۱۳. بصل

پیازاز تیره Liliaceae سوسنی‌ها

Allium cepa linn . بقره/ ۶۱؛ «وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا» ۱۴. فومسیر، بلبوس (مترجم: بلبوس: موسیر) از تیرهLiliaceae سوسنی‌ها

Allium sativum linn بقره/ ۶۱؛ «وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا»

۱۵. قثّاخیار. Fuller Duthie sumissilitu. ravolem Cucumis

Roxb. utilissimus. C . از تیرهCucurbitaceae از کدوئیانبقره/ ۶۱؛

«وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا»

۱۶. طلحاقاقیا یا موز «۱» از تیره Leguminosae پروانه آسایان

Acacia species واقعه/ ۲۹؛ «وَطَلْحٍ مَنضُودٍ»

۱۷. یقطینکدواز تیره Cucurbitacaeae کدوئیان eldnats airarecis یا L .egnires siraglav

صافات/ ۱۴۶؛ «وَأَنبَتْنَا عَلَیْهِ شَجَرَةً مِن یَقْطِینٍ» ۱۸. خردلاسپندان- خردلاز تیره Brassicaceae خردل

Brassica nigra koch انبیاء/ ۴۷؛ «مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ»

۱۹. ریحانشاه اسپرغم- نازبویهاز تیره eaecaimaL نعناعیان

Ocimum basilicum linn رحمن/ ۱۲؛ «وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّیْحَانُ» واقعه/ ۸۹؛

۲۰. زقوّمزقوّماز تیره فرفیونها aibrohpue

Euphorbia resinifera berg . دخان/ ۴۳؛ «إِنَّ شَجَرَةَ الزَّقُّومِ» صافات/ ۶۲؛ اسراء/ ۶۰؛ واقعه/ ۵۲.

۲۱. ضریع «۲» خارغاشیه/ ۶؛ «لَّیْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِن ضَرِیعٍ»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۰۳

۲۲. طوبی «۱»

نام متداول: درخت مبارکرعد/ ۲۹؛ «الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَی لَهُمْ» ۲۳. شجرهدرخت- شجرانگلیسی eert بقره/ ۳۵؛ «وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ» اعراف/ ۱۹ و ۲۰ و ۲۲؛ ابراهیم/ ۲۴ و ۲۶؛ نحل/ ۱۰ و ۶۸؛ اسراء/ ۶۰؛ طه/ ۱۲۰؛ حج/ ۱۸؛ مومنون/ ۲۰؛ نور/ ۳۵؛ نمل/ ۶۰؛ قصص/ ۳۰؛ لقمان/ ۲۷؛ یس/ ۸۰؛ صافات/ ۶۲ و ۶۴ و ۱۴۶؛ دخان/ ۴۳؛ فتح/ ۱۸؛ رحمن/ ۶؛ واقعه/ ۷۲.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۰۴

۲۴. فاکهه- ثمر

میوه، ثمرانگلیسی Fruit بقره/ ۲۲؛ «فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ» و ۲۵ و ۱۲۶ و ۱۵۵ و ۲۶۶؛ انعام/ ۹۹ و ۱۴۱؛ اعراف/ ۵۷ و ۱۳۰؛ رعد/

۳؛ ابراهیم/ ۳۲ و ۳۷؛ نحل/ ۱۱ و ۶۷ و ۶۹؛ کهف/ ۳۴ و ۴۲؛ مومنون/ ۱۹؛ «لَّکَمْ فِیهَا فَوَاکِهُ کَثِیرَهٌ» فاطر/ ۲۷؛ یس/ ۳۵ و ۵۷؛ صافات/ ۴۲؛ ص/ ۵۱؛ فصلت/ ۴۷؛ زخرف/ ۷۳؛ دخان/ ۵۵؛ محمد (ص)/ ۱۵؛ طور/ ۲۲؛ رحمن/ ۱۱ و ۵۲ و ۶۸؛ واقعه/ ۲۰ و ۳۲؛ مرسلات/ ۴۲؛ عبس/ ۲۵. ۳۱. ورقبرگانگلیسی leaf انعام/ ۵۹؛ «وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَهٍ إِلَّا یَعْلَمُهَا» اعراف/ ۲۲؛ طه/ ۱۲۱

۲۶. حبذر- غلهانگلیسی grain بقره/ ۲۶۱؛ «کَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنْبَتَتْ» انعام/ ۵۹ و ۹۵ و ۹۹؛ انبیاء/ ۴۷؛ لقمان/ ۱۶؛ یس/ ۳۳؛ ق/ ۹؛ رحمن/ ۱۲؛ نبأ/ ۱۵؛ عبس/ ۲۷.

۲۷. زرعزراعتانگلیسی Agriculture Crop انعام/ ۱۴۱؛ «وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفاً أُکُلُهُ»

نحل/ ۱۱؛ کهف/ ۳۲؛ شعراء/ ۱۴۸؛ سجده/ ۲۷؛ زمر/ ۲۱؛ دخان/ ۲۶؛ فتح/ ۲۹.

۲۸. ابّگیاهانگلیسی Fodder عبس/ ۳۱؛ «وَفَاکِهَهً وَأَبّاً» ۲۹. قضب- بقلسبزی- رستنی Vegetables بقره/ ۶۱؛ «مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا» عبس/ ۲۸؛ «وَعِنَباً وَقَضْباً»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۰۵

۳۰. نبات

نباتانگلیسی Vegetation- Planet بقره/ ۶۱؛ «مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ» آل‌عمران/ ۳۷؛ انعام/ ۹۹؛ اعراف/ ۵۸؛ یونس/ ۲۴؛ حجر/ ۱۹؛ نحل/ ۱۱؛ کهف/ ۴۵؛ طه/ ۵۳؛ حج/ ۵؛ مومنون/ ۲۰؛ نمل/ ۶۰؛ لقمان/ ۱۰؛ یس/ ۳۶؛ صافات/ ۱۴۶؛ ق/ ۷ و ۹؛ حدید/ ۲۰؛ نوح/ ۱۷؛ نبأ/ ۵ ۱؛ عبس/ ۲۷.

یادآوری: در کتاب مذکور مواردی از آیات نام برده شده بود که نام میوه یا گیاهی در آن نیافتیم. بنابراین از ذکر آن خودداری کردیم. و در برخی موارد هم عین لفظ میوه یا گیاه در آیه نبود، بلکه از محتوای کلام و تفسیر آیه، گیاه یا میوه بدست می‌آمد. (مانند: نحل/ ۶۵) به همین خاطر این موارد را نیز در فهرست نیاوردیم. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۰۶

فصل چهارم: قرآن و فیزیک

اشاره

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۰۸

مقصوداز «سجیل» درسوره‌ی فیل چیست وآیا باانرژی هسته‌ای ارتباطی دارد؟

پرسش:

مقصوداز «سجیل» درسوره‌ی فیل چیست وآیا باانرژی هسته‌ای ارتباطی دارد؟ آیا می‌توان ادعا کرد که «سجیل در آیه؛ همان اورانیوم یا انرژی هسته‌ای بوده که منجر به هلاکت اصحاب فیل شد!؟»

پاسخ:

سوره‌ی فیل به داستان تاریخی اصحاب فیل در سال میلاد پیامبر اکرم (ص) اشاره دارد. درآن سال خداوند، کعبه را از شرّ لشکر عظیم ابرهه نجات داد.

خلاصه‌ای از داستان اصحاب فیل:

ابرهه، پادشاه یمن، کلیسای زیبا و بزرگی برای عبادت ساخته بود و اعلام کرد که مردم جزیره العرب به جای عبادت در کعبه، به

عبادت در کلیسای یمن بپردازند. اما اعراب به خاطردلبستگی به کعبه، به درخواست ابرهه پاسخ منفی دادند. و در همان زمان کلیسای ابرهه به آتش کشیده شد «۱» و ابرهه تصمیم گرفت که خانه‌ی کعبه را ویران کند، و به دنبال آن لشگر عظیمی که بعضی از سوارانش دارای فیل بودند؛ عازم مکه نمود. آنها در نزدیکی مکه شتران مردم را به غارت بردند. از جمله، ۲۰۰ شتر از عبدالمطلب نیز دزدیدند. ابرهه، فردی را به داخل شهر مکه

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۰۹

فرستاد و بزرگ آنها را احضار کرد. عبدالمطلب بر او وارد شد و ابرهه به او گفت: اگر شما با ما نجنگید ما با شما نمی‌جنگیم، من فقط برای تخریب کعبه آمده‌ام.

عبدالمطلب فرمود: ما توانایی جنگ با شما را نداریم، من صاحب شترانم هستم و خانه‌ی کعبه نیز برای خود صاحبی دارد و محافظ آن است.

مردم شهر مکه، به اطراف شهر و بالای کوه‌ها پناهنده شدند و شاهد حمله‌ی لشکریان ابرهه به مکه بودند. دیدند که ابری سیاه از طرف دریای احمر (سرخ) به طرف مکه در حرکت است، آنها پرندگانی [: پرستو] بودند که سه سنگ به اندازه‌ی نخود (۲ تا در چنگال و یکی در منقار) به همراه داشتند و آن سنگ‌ها را بر سر لشگریان ابرهه انداختند و همه‌ی آنها را متلاشی کردند و آن سال در میان اعراب به «عام الفیل» معروف شد. «۱»

سوره‌ی فیل و ترجمه‌ی آن:

سوره‌ی فیل در مکه نازل شده است و دارای ۵ آیه است. در این سوره خداوند خطاب به پیامبر (ص) فرمودند:

«أَلَمْ تَرَ کَیْفَ فَعَلَ رَبُّکَ بِأَصْحَابِ الْفِیلِ* أَلَمْ یَجْعَلْ کَیْدَهُمْ فِی تَضْلِیلٍ* وَأَرْسَلَ عَلَیْهِمْ طَیْراً أَبَابِیلَ* تَرْمِیهِم بِحِجَارَةٍ مِن سِجِّیلٍ* فَجَعَلَهُمْ کَعَصْفٍ مَأْکُولٍ.»

«آیا نظر نکرده‌ای که پروردگارت با همراهان فیل چه کرد؟! آیا نیرنگ آنان را گم گشته قرار نداد؟! و پرندگانی دسته دسته بر آنان فرستاد، که سنگ [هایی از جنس گِل بر آنان افکندند؛ و (سرانجام) آنان را همچون برگ خورده شده قرار داد.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۱۰

واژه‌شناسی:

واژه‌ی «سجیل» یک کلمه‌ی فارسی و معرّب است و به معنای «سنگ گل» آمده است. «۱» که نه همانند سنگ سفت و نه مانند گل سست است. «۲»

«ابابیل» به معنای «جماعت متفرقه» است و در آیه‌ی فوق، به عنوان وصف آمده است. یعنی: پرندگان، گروه گروه به سوی لشگر حرکت کردند. «۳»

«عصف» به معنای برگ‌هایی است که بر ساقه‌ی زراعت است و سپس خشکیده و کوبیده شده است «۴» و به تعبیردیگر به معنای «کاه» است.

و تعبیر «ماکول» اشاره به آن است که این کاه در زیر دندان‌های حیوان بار دیگر کوبیده شده و کاملًا از هم متلاشی شده است.

تاثیر سنگریزه‌ها از طرق طبیعی یا قدرت الهی

با نگاهی گذرا به سوره‌ی فیل و داستان تاریخی آن در می‌یابیم که هلاکت اصحاب فیل از طرق عادی و طبیعی نبوده بلکه قدرت مافوق قدرت طبیعت در آن دخالت داشته است چرا که:

الف. برخاستن و پرواز پرندگان کوچک و همراه آوردن سنگریزه‌ها و هدف قراردادن افرادی خاص و متلاشی کردن لشکر عظیم و ... نشان از آن دارد که

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۱۱

کسی آن‌ها را هدایت کرده است و خود به تنهایی و از طرق عادی و طبیعی قادر به چنین کاری نبودند.

ب. این ماجرا نشان می‌دهد که معجزات و خوارق عادات، لزومی ندارد که به دست پیامبر و امام ظاهر شود؛ بلکه در هر شرایطی که خدا بخواهد و لازم بداند، انجام می‌گیرد. «۱»

ج. نقل داستان اصحاب فیل از طریق وحی الهی و بیان این نکته که هلاکت اصحاب فیل معجزه بوده، دلیل دیگری بر مدعای ماست.

د. بعد از آنکه سوره‌ی فیل نازل شد؛ به علت مشهور بودن و مشهود بودن معجزه‌ی الهی در هلاکت آن‌ها، قریش هیچ گونه اعتراضی در مورد نزول این سوره نکرده‌اند.

اما اینکه آیا سنگریزه‌ها می‌تواند غیر از سنگ‌های معمولی و دارای مواد هسته‌ای باشد، باید گفت:

اولًا: فقط خداوند دارای قدرت بی‌منتهاست و قادر است از یک سنگریزه یا گل معمولی، شخصی یا گروهی را به هلاکت برساند. «و کان الله علی کل شی قدیر.» «۲»

ثانیاً: همچنین، خداوند قادر است پرندگان را به مکانی بفرستد تا سنگریزه‌هایی بردارند که قدرت اتمی داشته باشد، که اگر آزاد شود انفجارعظیمی تولید کند. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۱۲

ولی اینها در حد یک احتمال است و هلاکت اصحاب فیل نشان از معجزه الهی دارد.

برای مطالعه بیشتر به کتاب‌های زیر مراجعه شود:

۱. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۲۷، سوره فیل.

۲. تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ج ۲۰، سوره فیل.

۳. تفسیر مجمع البیان، طبرسی، ج ۱۰، سوره فیل.

۴. تفسیر جزء عم، شیخ محمد عبده، ص ۱۶۰- ۱۶۲.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۱۴

رستاخیز انرژی‌ها در قرآن مطرح شده است؟ رابطه ایجاد آتش از درخت سبز با بحث معاد چگونه است؟

پرسش:

رستاخیز انرژی‌ها در قرآن مطرح شده است؟ رابطه ایجاد آتش از درخت سبز با بحث معاد چگونه است؟ پاسخ:

اشاره شگفت انگیز خداوند به رستاخیز انرژیها:

خداوند در آیه‌ی ۸۰ سوره‌ی یس می فرماید:

«الَّذِی جَعَلَ لَکُم مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَاراً فَإِذَا أَنْتُم مِنْهُ تُوقِدُونَ» «۱» «(همان) کسی که برای شما از درخت سبز، آتشی قرار داد، و شما در هنگام (نیاز) از آن (آتش) می‌افروزید.»

در این آیه و آیات قبل و بعد از آن، بحث امکان معاد مطرح است، در شأن نزول آیه آمده است که روزی یکی از منکران معاد استخوانی پوسیده را خدمت پیامبر آورد، و به پیامبر گفت: آیا تو خیال می کنی خداوند این را زنده می‌کند؟ «۲» در پاسخ او آیاتی نازل شد که یکی از آنها آیه‌ی مورد بحث ماست.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۱۵

مفسران از آیه‌ی فوق، تفاسیر گوناگونی ارائه داده‌اند. از جمله:

۱. اکثر مفسران، به قدرت خداوند اشاره کرده اند: که خداوندی که در درخت سبز آتش قرار داده است، قدرت زنده کردن مرده ها را نیز دارد. «۱»

۲. این آیه نوعی تشبیه و تمثیل است. یعنی، معقولات را به محسوسات تشبیه می‌نمایند و خداوند در این آیه، زنده کردن مرده ها را به ایجاد آتش از درخت سبز تشبیه کرده است زیرا ایجاد آتش از درخت سبز در بین اعراب صدر اسلام امری رایج بوده است. اعراب در زمانهای گذشته برای درست کردن آتش از دو درخت «مرخ» و «عفار» استفاده می کردند. «۲»

۳. آیه نوعی رفع استبعاد است، چون ممکن است کسی بگوید: چگونه چیزی که مرده است زنده شود با اینکه مرگ و زندگی با هم تنافی دارند؟ و آیه در پاسخ می فرماید: هیچ استبعادی در کار نیست برای اینکه آب وآتش با هم تنافی دارند ولی خداوند از درخت سبز، آتش برای شما قرار داده است. «۳»

۴. رستاخیز انرژیها: بعضی از مفسران با توجه به علوم روز تفسیر دیگری ذیل این آیه آورده و از آن به رستاخیز انرژیها تعبیر کرده اند و با این تفسیر آن را یکی از اعجازهای علمی قرآن کریم نامیده اند. پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۱۶

یکی از کارهای مهم گیاهان مساله کربن گیری از هوا، و ساختن سلولز نباتی است (سلولز همان جرم درختان است که اجزای عمده‌ی آن کربن و اکسیژن و ئیدروژن است.

سلولز نباتی، چگونه ساخته می‌شود؟ یاخته‌های درختان و گیاهان گاز کربن را از هوا گرفته و آن را تجزیه می کنند، اکسیژن آن را آزاد ساخته، و کربن را در وجود خود نگه می‌دارد، و آن را با آب ترکیب کرده و چوب درختان را از آن می‌سازد.

ولی مساله‌ی مهم این است که هر ترکیب شیمیایی که انجام می‌یابد؛ یا باید توأم با جذب انرژی خاصی باشد و یا توام با آزاد کردن آن؛ بنا بر این هنگامی که درختان به عمل کربن گیری مشغولند، احتیاج به وجود یک انرژی دارند، و در این حال از گرما و نور آفتاب به عنوان یک انرژی فعال استفاده می کنند. به این ترتیب هنگام تشکیل چوبهای درختان، مقداری از انرژی آفتاب نیز در دل آنها ذخیره می‌شود و هنگامی که چوبها را می‌سوزانیم همان انرژی ذخیره شده‌ی آفتاب، آزاد می گردد، زیرا بار دیگر کربن با اکسیژن هوا ترکیب می‌شود و گاز کربن را تشکیل می‌دهد، و اکسیژن و ئیدروژن (مقداری آب) آزاد می گردد.

بدین ترتیب که به رستاخیز انرژیها می‌رسیم، و می‌بینیم نور و حرارتی که در این فضا پراکنده می‌شود و برگ درختان و چوبهای آنها را نوازش و پرورش می‌دهد هرگز نابود نشده، بلکه تغییر چهره داده، و دور از چشم ما در درون ذرّات چوب و شاخه و برگ درختان پنهان شده است، و هنگامی که شعله‌ی آتش به چوب خشکیده می‌رسد، رستاخیز آنها شروع می‌شود، و تمام آنچه از انرژی آفتاب در درخت پنهان بود در آن لحظه حشر و نشورش ظاهر می گردد،

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۱۷

بی‌آنکه حتی به اندازه‌ی روشنایی یک شمع در یک زمان کوتاه از آن کم شده باشد، آری خدایی که می تواند انرژی درخت ها را دوباره بر انگیزد و رستاخیز آنها را بر پا سازد می تواند برای انسان‌های مرده نیز رستاخیز بر پا کند.

پرسش:

چرا قرآن در اینجا تعبیر به «شجر اخضر» (درخت سبز) کرده است؟ در حالی که آتش افروختن با چوب تر مشکل است، بهتر بود به جای آن «شجر الیابس» (چوب خشک) می‌فرمود، تا با آتش سازگار باشد!

در پاسخ می‌توان گفت: تنها درختان سبزند که می‌توانند عمل کربن- گیری و ذخیره نور آفتاب را انجام دهند، درختان خشک اگر صدها سال در معرض تابش آفتاب قرار گیرند؛ ذره‌ای به ذخیره انرژی حرارتی آنها افزوده نمی‌شود، تنها زمانی قادر بر این کار مهم هستند که سبز و زنده باشند. و در این صورت رستاخیز انرژیها بهتر روشن می شود. «۱»

اما شاید تعبیر به «شجر اخضر» از جهت بعید بودن ایجاد آتش از درخت سبز نیز باشد چرا که انسان آتش افروختن با درخت سبز را بعید می داند و خداوند می خواهد بفرماید که آنچه را که به نظر شما بعید است او انجام می دهد و در درخت سبز آتش قرار داده است پس او می تواند مرده ها را زنده کند و به آنها دوباره حیات بدهد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۱۸

این تفسیر یکی از شگفتیهای علمی قرآن است که بدون شک در زمان نزول آیه این معنی برای مردم روشن نبوده است. آری آیات قرآن دارای معانی عمیقی است، که در سطوح مختلف و برای استعدادهای متفاوت بیان شده است. آنها از این آیه چیزی می‌فهمیدند، و امروزه چیز بیشتری فهمیده می‌شود، و شاید آیندگان از اینهم فراتر روند و بیشتر کشف کنند و در عین حال جمع بین این معانی مانعی ندارد و می‌تواند همه‌ی موارد صحیح باشد.

معرفی منابع برای مطالعه بیشتر:

۱. تفسیر نمونه؛ ج ۱۸؛ ص ۴۶۱- ۴۶۵ ذیل آیه‌ی ۸۰، سوره‌ی یس.

۲. تفسیر من هدی القرآن، سید محمد تقی مدرسی، ج ۱۱، ص ۱۷۷، ذیل آیه ۸۰، سوره یس.

۳. ترجمه‌ی تفسیر المیزان، ج ۱۷ ص ۱۱۶، ذیل آیه ۸۰، سوره‌ی یس.

۴. ترجمه‌ی تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۹۵، ذیل آیه ۸۰، سوره‌ی یس.

۵. تفسیر طنطاوی (الجواهر)، ذیل آیه ۸۰، سوره‌ی یس (در این تفسیر از نظر علمی بحث مفصّل کرده است)

۶. الکاشف، محمد جواد مغنیه، ج ۶ ص ۳۲۶، ذیل آیه ۸۰، سوزه یس

۷. برای مبحث معاد رجوع شود به تفاسیر موضوعی، مانند: تفسیر موضوعی آیت‌الله جوادی آملی (مدّ ظلّه)؛ منشور جاوید آیت الله سبحانی (مدّ ظلّه)؛ کتاب معاد شهید مطهری (ره).

۸. در مورد مطالب علمی به کتابهای زیست شناسی مبحث (عمل فتوسنتز گیاهان) مراجعه نمایید.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۲۰

فصل پنجم: قرآن و کیهان شناسی

اشاره

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۲۲

نظر قرآن در مورد فرضیه مهبانگ Big- Bang چیست؟

پرسش:

نظر قرآن در مورد فرضیه مهبانگ Big- Bang چیست؟ پاسخ:

اندیشه‌ی چگونگی پیدایش جهان همیشه فکر بشر را به خود مشغول کرده است. قرآن کریم در آیات متعددی به این مسأله اشاراتی دارد. و دانشمندان کیهان‌شناس نیز در این مورد نظریاتی ابراز کرده‌اند و حتی بعضی صاحبنظران خواسته‌اند با انطباق آیات قرآن با برخی از این نظریات علمی، اعجاز علمی قرآن را اثبات کنند که این مطالب قابل نقد و بررسی است.

مفسران و صاحبنظران در این مورد به این آیات توجّه کرده‌اند:

۱. «ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّماءِ وَهِيَ دُخَانٌ» «۱» «سپس آهنگ [آفرینش آسمان کرد، و آن دودی بود.»
۲. «أَوَ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقاً فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ» «۲» «آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا [باز هم ایمان نمی‌آورند؟»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۲۳

واژه‌شناسی:

۱. «دخان» در لغت به معنی چیزی است که به دنبال شعله و لهیب آتش بر می‌خیزد. «۱»
۲. «سماء» در لغت به معنی طرف بالاـ است و در قرآن در معانی و مصادیق متعددی به کار رفته است از جمله: جهت بالا (ابراهیم/ ۲۴)- جوّ زمین (ق/ ۹)- محل کرات بالا (فصلت/ ۱۲)، آسمان معنوی (سجده/ ۵) و ... «۲»
۳. «رتق» چیز بهم پیوسته را گویند و «فتق» جدا کردن دو چیز به هم متصل را گویند. «۳»

نظریه‌های علمی درباره پیدایش جهان:

در مورد پیدایش جهان چند دیدگاه عمده، در بین کیهانشناسان جدید وجود دارد که عبارتند از:

الف: نظریه مهبانگ (انفجار بزرگ):

این نظریه از سال ۱۹۰۰ م، پیشنهاد شد و هم اکنون از سوی اکثر اخترشناسان به عنوان بهترین نظریه موجود تلقی می‌شود. خلاصه‌ی این نظریه آن است که حدود ۲۰ بیلیون سال پیش تمام ماده و انرژی موجود در جهان، در نقطه‌ای بسیار کوچک و فشرده متمرکز بوده است. این نقطه کوچک و بی نهایت

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۲۴

چگال و مرکب از ماده- انرژی منفجر شد و به فاصله چند ثانیه پس از انفجار این آتشگوی، ماده- انرژی با سرعتی نزدیک به سرعت نور در همه سو منتشر شد. پس از مدت کمی، احتمالًا چند ثانیه تا چند سال، ماده و انرژی از هم تفکیک شدند. و تمام اجزاء گوناگون جهان امروز از دل این انفجار نخستین بیرون ریخته‌اند.

هواداران این نظریه ادعا می‌کنند تمامی کهکشان‌ها، ستارگان و سیارات هنوز تحت تأثیر شتاب ناشی از انفجار، با سرعت زیادی از همدیگر دور می‌شوند و این مطلب بوسیله مشاهدات «ادوین هابل» (۱۹۱۹ م) تأیید شد.

«استفن ویلیام هاولینگ» کیهان شناس معروف معاصر پس از تشریح انفجار اوّلیه و مراحل اولیه‌ی آن تا تشکیل گازهای داغ و سوزان، این نظریه را به دانشمند روسی «ژرژ گاموف» نسبت می‌دهد.

«با گذشت زمان، گازهای ئیدروژن و هلیوم موجود در کهکشان به پاره‌های ابر مانند تقسیم می‌شدند که تحت أثر گرانش خود در هم فرو می‌نشستند ... سپس در اثر درجه حرارت بالا، واکنش‌های هسته‌ای شروع شد. و ستارگانی مانند خورشید ما تشکیل شدند. خورشید ستاره‌ی نسل دوم یا سومی است که حدود پنج هزار میلیون سال قبل از ابر متشکله از گاز چرخانی که محتوی سوپر نوواهای پیشین بوده، بوجود آمده است ...» «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۲۵

دکتر «اریک اوبلا» مراحل پیدایش جهان را به هشت مرحله تقسیم می‌کند و می‌نویسد:

در مرحله‌ی اوّل (صفر تا ۴۳- ۱۰ ثانیه) چیزی منفجر و تبدیل به گلوله‌ی آتشین شد.

در مرحله‌ی دوم (۴۳- ۱۰ ثانیه تا ۳۲- ۱۰ ثانیه) اولین سنگ بناهای ماده مثلا کوارک‌ها و الکترون‌ها از برخورد پرتوها با یکدیگر به وجود آمد.

در مرحله‌ی سوم (از ۳۲- ۱۰ ثانیه تا ۶- ۱۰ ثانیه) کیهان از مخلوط کوارک‌ها، لپتونها فوتونها و سایر ذرات دیگر تشکیل شد و خیلی سریع در حال از دست دادن حرارت بودند.

در مرحله‌ی چهارم (از ۱۰- ۶ ثانیه تا ۱۰- ۳ ثانیه) تقریباً تمام کوارک‌ها و ضد کوارکها به صورت پرتو ذرّها به انرژی تبدیل می‌شوند.

در مرحله‌ی پنجم (از ۱۰- ۳ ثانیه تا ۱۰۰ ثانیه) الکترونها و ضد الکترونها (پوزیترونها) در برخورد با یکدیگر به أشعه تبدیل می‌شوند.

در مرحله‌ی ششم (از ۱۰۰ ثانیه تا ۳۰ دقیقه) در درجه حرارت بسیار بالا، اوّلین هسته‌های اتمهای سبک و پایدار مثل، هیدروژن و هلیوم ساخته می‌شوند.

در مرحله‌ی هفتم (از ۳۰ دقیقه تا یک میلیون سال) گوی آتشین حرارت خود را از دست می‌دهد (به حدود ۳۰۰۰ درجه می‌رسد) و هسته اتم‌ها و الکترونها پیوند می‌خورد و آن مخلوط ذره‌ای قابل دیدن می‌شود.

در مرحله‌ی هشتم (از یک میلیون سال پس از خلقت تا امروز) از ابرهای هیدروژنی دستگاه‌های راه شیری، ستارگان و سیارات به وجود می‌آیند این سیر تحّول را در ایجاد ستارگان امروزه هم می‌توان هنوز مشاهده کرد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۲۶

ابرهای گازی که قرار است از آنها ستاره بوجود آید به سوی همدیگر کشیده شده متراکم می‌شوند سپس به شکل گلوله در می‌آیند و اگر واکنشهای هسته‌ای پدید آید یک خورشید جدید متولّد می‌شود. «۱»

ب: نظریه حالت پایدار:

در سال ۱۹۴۰ این نظریه توسط (فردهویل)، اخترفیزیک‌دان انگلیسی پیشنهاد شد.

خلاصه این نظریه این است که جهان نه تنها از نظر فضایی یکنواخت است (اصل کیهان شناختی) بلکه در طول زمان تغییر ناپذیر نیز هست.

این نظریه به حادثه خاصی نظیر انفجار بزرگ وابسته نیست. در نظریه حالت پایدار ستارگان و کهکشانها ممکن است تغییر کنند اما در هر زمان تصویر کلی جهان با تصویر امروزین آن، تفاوتی ندارد.

بر طبق این نظریه حالت انبساط جهان پذیرفته می‌شود امّا معتقدند که به تدریج ماده‌ی جدیدی در بین کهکشان‌های دور شونده، ظاهر می‌شود این ماده‌ی جدید به تدریج اتم‌های هیدروژن را می‌سازد و آنها به نوبه‌ی خود ستارگان جدیدی را شکل می‌دهد.

تذّکر: خلق پیوسته ماده از فضای خالی اشکالاتی را برای این نظریه پدید آورده است. و این نظریه بعد از کشف تفاوت سن ستارگان، رد شد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۲۷

ج. جهان پلاسما:

تعداد کمی از اخترشناسان خلقت جهان را با مدل «هانس آلفون» دانشمند سوئدی می‌بینند.

خلاصه‌ی این نظریه آن است که ۹۹٪ جهان قابل مشاهده (عمدتاً ستارگان) از پلاسما ساخته شده است.

پلاسما گاز یونیده‌ای است که بارهای الکتریکی آن از هم جدا شده‌اند. پلاسما، گاهی حالت چهارم ماده خوانده می‌شود. صاحبان این نظریه معتقد هستند که انفجار بزرگ هیچگاه رخ نداده و جهان آکنده از جریانهای الکتریکی غول آسا و میدانهای عظیم مغناطیسی است. از این دیدگاه جهان ازلی است و به وسیله نیروی برقاطیس اداره می‌شود. بنابر این جهان آغازی معین و انجامی قابل پیش‌بینی ندارد. و کهکشانها حدود ۱۰۰ بیلیون سال پیش شکل گرفته‌اند.

د: جهان انفجارهای کوچک (کهبانگ):

گروهی دیگر از اخترشناسان، نظریه‌ی حالت پایدار دیگری را که با رصدهای اخترشناسی انطباق خوبی دارد؛ پیشنهاد می‌کنند. بر طبق این نظریه جهان بدون آغاز و انجام است. ماده بطور پیوسته در خلال انفجارهای کوچک (کهبانگ‌ها) و احتمالًا با همکاری اختروشهای اسرار آمیز خلق می‌شود در این نظریه جدید جهان بتدریج انبساط می‌یابد و کهکشانها شکل می‌گیرند. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۲۸

نکات تفسیری و اسرار علمی آیات:

۱. در مورد آیه‌ی اوّل (فصلت/ ۱۱) برخی از مفسران می‌نویسند:

«جمله (هی دخان- آسمانها در آغاز به صورت دود بود.) نشان می‌دهد که آغاز آفرینش آسمانها از توده گازهای گسترده و عظیمی بوده و این با آخرین تحقیقات علمی در مورد آغاز آفرینش کاملًا هماهنگ است. هم اکنون نیز بسیاری از ستارگان آسمان به صورت توده فشرده‌ای از گازها و دخان هستند.» «۱»

۲. در مورد معنای «رتق» و «فتق» (پیوستگی و جدایی) آسمانها و زمین که در آیه دوم (انبیاء/ ۳۰) آمده، مفسّران سه احتمال را مطرح کرده‌اند:

الف: به هم پیوستگی آسمان و زمین، اشاره به آغاز خلقت است که طبق نظرات دانشمندان، مجموعه این جهان به صورت توده واحد عظیمی از بخار سوزان بود که بر اثر انفجارات درونی و حرکت، تدریجاً تجزیه شد و کواکب و ستاره‌ها از جمله منظومه‌ی شمسی و کره‌ی زمین بوجود آمد و باز هم جهان در حال گسترش است.

برخی روایات اهل بیت (ع) اشاره به همین تفسیر دارد. «۲»

ب: منظور از پیوستگی، یکنواخت بودن مواد جهان است به طوری که همه در هم فرو رفته بود و به صورت ماده واحدی خودنمایی می‌کرد. امّا با گذشت زمان،

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۲۹

مواد از هم جدا شدند و ترکیبات جدید پیدا کردند و انواع مختلف گیاهان و حیوانات و موجودات دیگر در آسمان و زمین ظاهر شدند. «۱»

ج: منظور از به هم پیوستگی آسمان این است که در آغاز بارانی نمی‌بارید و مقصود از به هم پیوستگی زمین آن است که در آن زمان گیاهی نمی‌روییدامّا خدا این هر دو را گشود از آسمان باران نازل کرد و از زمین انواع گیاهان را رویاند.

روایات متعددی از اهل بیت (ع) اشاره به معنای اخیر نیز دارد. «۲»

تفسیر سوم (ج) با چشم قابل رؤیت است و با جمله «او لم یرَ الذین کفروا ...»؛ «آیا کسانی که کافر شدند ندیدند ...» سازگار است و با جمله ذیل آیه «و جعلنا من الماء کل شیء حی» نیز هماهنگی دارد.

ولی تفسیر اوّل و دوم (الف، ب) نیز با معنای وسیع این جمله‌ها مخالف نیست زیرا گاهی رؤیت به معنی «علم» می‌آید. و از اینجاست که برخی مفسران معتقدند مانعی ندارد آیه فوق دارای هر سه تفسیر باشد. «۳»

۳. استاد آیت اللّه معرفت بحث مفصلی در مورد آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی أنبیاء دارند. و معنای سوم (عدم بارش باران) را مخالف تعبیر آیه و تحقیق می‌دانند و روایاتی «۴» در این زمینه حکایت شده ضعیف دانسته‌اند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۳۰

و امّا معنای دوم (پیدایش انواع و اقسام موجودات از یک چیز بهم چسبیده) را از قتاده، سعید بن جبیر، عکرمه از ابن عباس، فخر رازی «۱» نقل می‌کند و آن را نظری معروف در عصر قدیم و جدید می‌داند.

آنگاه معنای دیگری را از ابو مسلم اصفهانی نقل می‌کند که «فتق» به معنای ایجاد و اظهار است. و این معنا را موافق کلام علی (ع) در نهج البلاغه (فتق الاجواء ... ثم فتق بین السموات العُلی) «۲» می‌دانند.

و همچنین این معنا را موافق آیات ۱۱- ۱۲ سوره فصلت «ثم استوی الی السماء و هی دخان» معرفی می‌کنند. که دخان همان ماده‌ی اوّلیه خلقت آسمانها و زمین است و از آن، آسمان بوجود آمد. و واژه «ائتیا» در آیات سوره‌ی فصلّت را به معنای امر تکوینی و ایجادی می‌دانند و از آیه استفاده می‌کنند که ماده‌ی آسمانها قبل از وجودشان موجود بوده است و خدا صورت‌های آنها را ایجاد کرد.

آنگاه متذکّر می‌شود که در تورات پیدایش موجودات از یک اصل واحد، اشاره شده است. که خدا جوهری را خلق کرد سپس با نظر هیبت به آن نگاه کرد به صورت آب در آمد و سپس آسمانها و زمین را از آنها خلق کرد و آنها را از همدیگر جدا ساخت. «۳»

و آنگاه از طنطاوی نقل می‌کند که مضمون این آیات معجزه علمی است. «۴»

پرسش و پاسخهای قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۳۱

سپس ایشان مطالبی علمی در مورد پیدایش جهان، از «لاپلاس» و دیگران نقل می‌کند و نتیجه می‌گیرد که هدف قرآن، بیان مطالب علمی نبوده اشاراتی به فتق آسمانها داشته است ولی حقیقت آن برای ما روشن نیست هر چند که نظریه‌های علمی هم با آن موافق است. امّا ما به تطبیق این نظریات با قرآن نمی‌پردازیم. «۱»

۴. برخی صاحبنظران تحت عنوان پیدایش نخستین جهان با مطرح کردن آیه‌ی ۱۱ سوره فصّلت، مطالبی را از دانشمندان مختلف در مورد انفجار اوّلیه نقل می‌کنند و سپس از قول «ادوارد لوترکپل» می‌نویسند:

«علم نه تنها حدوث عالم را ثابت می‌کند بلکه روشن می‌سازد که دنیا از حالت گازی در یک (لحظه‌ی معیّنی) در نتیجه‌ی یک انفجار بزرگ بوجود آمده است و این لحظه تقریباً پنج بیلیون سال پیش بوده و هنوز هم در حال توسعه است.» «۲»

۵. برخی از نویسندگان معاصر نیز آیات (سوره‌ی فصّلت/ ۱۱ و انبیاء/ ۳۰) را مطرح می‌کنند و با توجه به هماهنگی این آیات با اکتشافات دانشمندان آنرا دلیل معجزه بودن قرآن می‌دانند و می‌گویند:

«علم هیئت ثابت کرده است که در ابتدای خلقت، کرات آسمانی به صورت گاز به هم چسبیده و متصل بودند و بعدها به مرور زمان بر اثر فشردگی و تراکم

پرسش و پاسخهای قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۳۲

شدید گازها تبدیل به جسم شدند. این واقعیت علمی اوّلین بار توسط «لاپلاس» ریاضی‌دان و منجّم مشهور فرانسوی، در حدود دو قرن پیش اظهار گردید و امروز نجوم جدید با دستاوردهای جدید خود صحت فرضیه علمی لاپلاس را ثابت کرده است.» «۱»

سپس از ژرژگاموف نقل می‌کند که: «زمین و خورشید از گازهای بسیار سوزانی که در چندین میلیارد سال پیش بوده به وجود آمده‌اند.» «۲»

۶. دکتر «موریس بوکای» با طرح آیات (سوره‌ی فصّلت/ ۱۱ و انبیاء/ ۳۰) بحث «روش اساسی ایجاد جهان در نظر قرآن» را مطرح می‌کند و می‌گوید قرآن وجود توده‌ای گازی با بخشچه‌های ریز را تأیید می‌کند و یک روند جدایی (فتق) ماده‌ای ابتدایی یگانه‌ای که عناصر آن نخست به هم ملصق (رتق) بودند را تذکّر می‌دهد.

سپس به نظریه‌ی تکوین عالم در دانش نو می‌پردازد که: «جهان از جرم گازی با دوران کند تشکیل شد» و سپس چگونگی تشکیل ستارگان و زمین را توضیح می‌دهد. و قدمت کهکشانها را ده میلیارد سال و قدمت زمین و خورشید را ۴/ ۵ میلیارد سال تخمین می‌زند. سپس می‌نویسد:

«دانش به ما می‌آموزد چنانچه به عنوان مثال (و تنها مثال) تکوین خورشید و محصول فرعی آن یعنی زمین را در نظر گیریم، جریان

امر توسط تراکم سحابی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۳۳

نخستین و تفکیک آن رخ داده است. این دقیقاً همان است که قرآن به طریق کاملًا صریح با ذکر ماجراهایی که «دود» آسمانی ابتدا یک نوع الصاق، سپس یک نوع انفکاک را بوجود آورده بیان نموده است.» «۱»

۷. یک پرسش و پاسخ علمی:

پرسش: در سوره فصلت آیات ۹- ۱۱ خلقت زمین را در دو دوره (یوم) مطرح می‌کند «قل ائنّکم لتکفرون بالذی خلق الارض فی یومین و تجعلون له انداداً ذلک رب العالمین* و جعل فیها رواسی من فوقها و بارک فیها و قدر فیها اقواتها فی اربعه أیام سواء للسائلین ثم استوی الی السماء و هی دخان ....»

«بگو: آیااین شمایید که واقعاً به آن کسی که زمین را در دو هنگام آفرید، کفر می‌ورزید و برای او همتایانی قرارمی‌دهید؟ این است پروردگار جهانیان. و در زمین از فراز آن [لنگرآسا] کوه‌ها نهاد و در آن خیر فراوان پدید آورد. و مواد خوراکی آن را در چهار روز اندازه‌گیری کرد [که برای خواهندگان، درست و متناسب با نیازهایشان است. سپس آهنگ [آفرینش آسمان کرد و آن دودی بود.»

و در آیه ۱۱ (مورد بحث ما) آسمانها و مسأله دود را مطرح می‌سازد. اگر مقصود قرآن آن است که تمام جهان از گاز خلق شده چرا خلقت زمین را قبل از آسمانها مطرح کرده است؟ و حتی با «ثم» (فصلت/ ۱۱) عطف کرده که ترتیب را

می‌رساند، در حالی که زمین جزئی از آسمان‌ها و بصورت طبیعی باید پس از خلقت آسمانها، و در عرض آنها خلق شود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۳۴

پاسخ: «دکترموریس بوکای» با توجّه به این پرسش نکته‌ای علمی را مطرح کرده که در قرآن کریم، در سوره نازعات ۲۷- ۳۱ مسأله‌ی خلقت آسمانها و زمین به صورتی دیگر مطرح شده است.

«ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقاً أَمِ السَّماءُ بَنَاهَا رَفَعَ سَمْكَهَا فَسَوَّاهَا وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذلِكَ دَحَاهَا أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا»

«آیا آفرینش شما دشوارتر است یا آسمانی که [او] آن را بر پا کرده است؟ سقفش را برافراشت و آن را [به اندازه معین درست کرد و شبش را تیره و روزش را آشکار گردانید و پس از آن زمین را با غلتانیدن گسترد، آبش و چراگاهش را از آن بیرون آورد.»

در این آیات آفرینش آسمانها قبل از زمین ذکر شده و با کلمه «بعدذلک» آمده است. ایشان می‌نویسد: «دانش، تداخل دو رویداد تکوین یک ستاره (مانند خورشید) و سیاره‌اش یا یکی از سیاراتش (مانند زمین) را مبرهن می‌سازد. آیا همین اختلاط در نص قرآن (همانطور که دیده شد) ذکر نشده است؟» «۱»

۸. عبد الرزاق نوفل نیز با طرح دو آیه ۳۰ سوره انبیاء و ۱۱ سوره‌ی فصلت مسأله‌ی ابتدای خلقت را مطرح می‌کند، که آسمانها و زمین ابتدا یک قطعه‌ی واحد بود و سپس جدا شد.

و سپس نظریه‌های علمی را مطرح می‌کند که می‌گویند: جهان در ابتدا از ماده‌ای داغ و سخت تشکیل شده بود. که مناسب‌ترین لغت برای آن همان

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۳۵

کلمه‌ی «دخان» است. که در قرآن به کار رفته است. «۱» و این مطلب را از اخبار علمی قرآن می‌داند که قرن‌ها بعد علوم جدید به آن پی بردند.

۹. احمد محمد سلیمان نیز با طرح آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی انبیاء می‌نویسد:

«اینکه قرآن می‌فرماید آسمان و زمین قطعه‌ی واحدی بود و سپس از هم جدا شد همان نظریه علمی جدید در مورد منظومه‌ی شمسی است که می‌گوید. جهان یک قطعه‌ای آتشین رها شده در فضابود و سپس تحت تأثیر جاذبه شیء عظیم از اجرام سماوی دیگر قرار گرفت و تکّه تکّه شد و به صورت حلزونی در آمد. و سپس این اجزای کوچک به تدریج سیّارات را به وجود آورد.»

سپس این آیات را نشانه‌ی علم غیب پیامبر اکرم (ص) می‌داند و از آنها به عنوان اسرار علمی قرآن یاد می‌کند. «۲»

۱۰. سید هبه الدین شهرستانی معتقد است که مقصود از کلمه سماء و دخان در آیه «ثم استوی الی السماء و هی دخان». «۳» همان جوّ زمین (اتمسفر) است که آن را با نام «کره بخار» اطراف زمین می‌خواند.

ایشان در ابتدا معانی کلمه «سماء» را بر می‌شمارد. و آن را در عرف و لغت به معنای (شیء علوی) «هر چه بالای زمین» است می‌داند. که شارع نیز در

استعمال الفاظ و اسامی تابع عرف بوده است و سپس می‌گوید در مقالات دینی لفظ سماء به یکی از سه معنا می‌آید:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۳۶

اول: عین هوای عالی و فضای خالی.

دوم: جسم عظیم کروی محیط بر زمین ما (که اکثر موارد استعمال در شرع ناظر به این معناست).

سوم: عین کرات علوی و اراضی سیاره.

آنگاه می‌گوید: «وقتی که اطلاق لفظ «سماء» بر هر موجود علوی جایز و شایع شد چرا جایز نباشد که آسمان زمین ما عبارت باشد از کره بخاری که محیط بر هوای زمین ما است.»

سپس ایشان ده دسته دلیل شرعی (آیات و روایات) می‌آورد تا ثابت کند که مقصود از آسمان همین کره‌ی بخار است. دسته دوم از دلایل ایشان همین آیه ۱۱ سوره فصلت و روایاتی است که می‌فرماید آسمانها از دود آفریده شده است. و دود (دخان) را در آیه «ثُمَّ اسْتَوَی إِلَی السَّماءِ وَهِیَ دُخَانٌ» «۱»

به معنای همان بخار مصطلح می‌داند و در پایان نتیجه می‌گیرد که:

«آنچه از مجموع اخبار مسطوره استفاده می‌کنیم مقصود از دود همان بخار است منتها چون بخار و دود هر دو از یک منشاء هستند و از آنجا که در عرف و در ابتدای نظر شبیه همند اسم دخان بر بخار اطلاق شده است.

[پس نتیجه همانا کلیه اخبار مزبوره ناطق است بر اینکه تمامی آسمانهای هفتگانه که محیط بر زمین‌های هفت‌گانه است از بخار آفریده شده است.» «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۳۷

۱۱. برخی صاحبنظران معاصر نیز با طرح آیه ۳۰ سوره‌ی انبیاء می‌نویسند این آیه خبر می‌دهد که آسمانها چیز واحدی بود و سپس جدا شد و این یکی از معجزات قرآن است که علم جدید آن را تأیید می‌کند. «۱»

و نیز با طرح آیات ۹- ۱۱ سوره فصلت آن را دلیل بر پیدایش خلق از «دخان» می‌داند. «۲»

۱۲. محمد کامل عبد الصمد نیز آیات ۱۱- ۱۲ سوره فصلت را دلیل اعجاز علمی قرآن می‌داند. زیرا خبر از دخان بودن آسمانها در ابتدا داده است. «۳»

۱۳. سلیم الجابی نیز با طرح نظریه انفجار بزرگ، پس از بررسی لغوی و تفسیری آیه ۳۰ سوره انبیاء به این نتیجه می‌رسد که آیه‌ی فوق و نظریه انفجار بزرگ با هم منطبق هستند و حتی خطاب آیه «أو لم یرَ الذین کفروا ...» به کفار بصورت عام و اروپائیان بصورت خاص است که وحی الهی ۱۴ قرن قبل یک نظریه جدید آنها را بیان کرده است. «۴»

بررسی:

در اینجا تذکر چند نکته لازم است:

۱. سخنان مرحوم سید هبه الدین شهرستانی از چند جهت قابل نقد است:

اوّل: ایشـان کلمه‌ی «سـماء» را به سه معنـاآورده است در حـالی که اشـاره کردیم که این لغت در موارد و مصـادیق بیشتری در قرآن استعمال شده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۳۸

دوم: ایشان کلمه‌ی «سماء» در آیه‌ی فصلت/ ۱۱ را به معنای جوّ زمین معنا کرده‌اند در حالی که از سیاق آیات ۹- ۱۲ سوره فصلت بر می‌آید که مقصود از «سـماء» آسـمانها و کرات غیر زمین است چرا که در ابتدای خلقت زمین را مطرح می‌کند. «خلق الارض فی یومین» «۱» و سپس خلقت آسمان را در حالی که دود است مطرح می‌کند «ثم استوی الی السماء و هی دخان» «۲» و آنگاه در آیه‌ی بعد توضیح می‌دهد که هفت آسمان خلق گشت «۳» که یکی از آنها آسـمان دنیا بود که ستارگان را در آن قرار داد. «فقضهنَّ سبع سموات فی یومین و اوحی فی کل سـماء امرها و زینا السـماء الدنیا بمصابیح و حفظاً». پس مقصود از سـماء (بر طبق ظاهر آیات) جوّ زمین نیست.

سوم: ایشـان کلمه‌ی «دخـان» را که به معنـای «دود» است به معنای «کره بخار اطراف زمین» معنا می‌کنـد که در آیه‌ی (فصـلت/ ۱۱) هیچ قرینه‌ای نداریم

تـا از معنای لغوی (آنچه به دنبال شـعله آتش بر می‌خیزد) «۴» دست برداریم. و یـک معنـای مجازی (بخار) را بر آیه تحمیل کنیم و صرف شباهت عرفی کفایت نمی‌کند.

البته ممکن است در روایات کلمه‌ی دخان بر بخار اطلاق شـده باشـد (همانگونه که ایشان روایات متعـددی آورده‌انـد) ولی اوّلًا این روایات از لحاظ سندی جای بحث دارد چرا که از تفاسیری همچون «تفسیر قمی» نقل شده است. و ثانیاً

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۳۹

ممکن است مراد از بخار آب و دود در این موارد همان ذرّات بنیادین تشـکیل دهنده‌ی اشـیاء (مثل هیدروژن- اکسیژن و ...) باشد. که برای تقریب به ذهن با تعابیری همچون بخار آب آورده شده است.

۲. ظاهر آیات قرآن در مورد آغاز خلقت که از «دخان» شروع شده است. با نظریه مشهور خلقت جهان یعنی نظریه مهبانگ تا حدود زیادی همخوانی دارد و در نقاطی با هم مشترک است.

یعنی از ظاهر قرآن و علم بر می‌آید که جهان در ابتدا از گازهای داغ تشـکیل شده است امّا آیات قرآن در مورد عناصر دیگر نظریه مهبانگ (مثل انفجار اولیّه) مطلب صریحی ندارد.

۳. با توجه به تعـدّد نظریه‌ها در مورد آغاز خلقت و عدم اثبات قطعی آنها، در حال حاضـر نمی‌توان هیچکدام را به صورت قطعی به قرآن نسبت داد.

۴. اگر روزی نظریه‌ی مهبانـگ به صورت قطعی اثبـات شود این مطلب اعجاز علمی قرآن را اثبات می‌کنـد. چرا که نوعی رازگویی علمی قرآن کریم است.

امّا این مطلب به صورت کنونی آن، بیش از یک هماهنگی شگفت‌انگیز ظاهر قرآن و علم نیست.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۴۰

حرکت‌های خورشید از منظر قرآن و هیئت بطلمیوسی و کپرنیکی

پرسش:

حرکت‌های خورشید از منظر قرآن و هیئت بطلمیوسی و کپرنیکی. آیه‌ی مبارکه «وَالشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا» نمایانگر حرکت انتقالی خورشید است، زیرا ماده جری و جریان، بسادگی قابل انطباق با حرکت وصفی و دَوَرانی نیست، و این در حالی است که برای خورشید جز حرکت وضعی به اثبات نرسیده است.

نیز، ظاهر این آیه‌ی کریمه با کیهان‌شناسی بطلیموسی مطابقت دارد که معتقد است خورشید در حال حرکت است و زمین مرکز منظومه شمسی بوده و ثابت مانده است.

لطفاً پاسخ خودرا مستدل ومطابق با کشفیات نوین کیهان‌شناسی ارائه فرمایید.

پاسخ:

خورشید و حرکات آن:

خورشید یکی از نشانه‌های الهی است که خداوند در قرآن به آن قسم یاد کرده است. «۱» و در آیات متعدّدی از خورشید و حرکت‌های آن یاد کرده است آیاتی که در این مورد به آنها استناد شده عبارتند از: پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۴۱

۱. «وَآيَةٌ لَّهُمُ الَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظْلِمُونَ وَالشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ذلِکَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» «۱» «و نشانه‌ای [دیگر] برای آنها شب است که روز را [مانند پوست از آن بر می‌کنیم و بناگاه آنان در تاریکی فرو می‌روند و خورشید به [سوی قرارگاه ویژه خود روان است. تقدیر آن عزیز دانا این است.»

۲. «لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِی لَهَا أن تُدْرِکَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِوَكُلٌّ فِی فَلَکٍ يَسْبَحُونَ» «۲» «نه خورشید را سزد که به ما رسد، و نه شب به روز پیشی جوید و هر کدام در سپهری شناورند.»

۳. «وَهُوَ الَّذِی خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِی فَلَکٍ يَسْبَحُونَ» «۳» «و اوست آن کسی که شب و روز و خورشید و ماه را پدید آورده است. هر کدام از این دو در مداری [معین شناورند.»

۴. «وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِی لِاجَلٍ مُسَمّیً» «۴» «و خورشید و ماه را رام گردانید؛ هر کدام برای مدّتی معیّن به سیر خود ادامه می‌دهند.»

۵. «وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ» «۵» «و خداوند خورشید و ماه را در حالی که هر دو در حال حرکت هستند به نفع شما مقهور و مسخّر گردانید.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۴۲

نکات تفسیری

۱. آیات فوق برای معرفی نشانه‌های حق و یادآوری به مردم است تا ایمان آورند و یا ایمان آنان تقویت گردد. و بنابراین آیات سوره‌ی یس با کلمه «و آیه لهم ...» شروع می‌شود و آیه ۲ سوره رعد با جمله «لَعَلَّكُم بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ» «امید که شما به لقای پروردگارتان یقین حاصل کنید» پایان می‌یابد.

۲. «لام» در کلمه «لمستقر» ممکن است به چند معنا باشد:

الف: لام به معنای «الی» (خورشید به سوی قرارگاه خود روان است) «۱»

ب: لام به معنای «فی» (خورشید در قرارگاه خود روان است) «۲»

ج: لام برای غایت «تا» باشد (خورشید تا قرارگاه خود روان است) «۳»

د: لام به معنای تأکید باشد (خورشید روان است مر قرارگاه خود را)

۳. آیه‌ی فوق به نحو دیگری نیز قرائت شده است: «و الشمس تجری لا مستقر لها» یعنی روان است و قرارگاه ندارد.» «۴»

۴. کلمه مستقر در «لمستقر» ممکن است مصدر میمی، یا اسم زمان و یا اسم مکان باشد. پس معنا آن است که «خورشید به طرف قرار گرفتن خود حرکت

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۴۳

می‌کند و یا تا آنجا که قرار گیرد حرکت می‌کند یعنی تا سر آمدن اجل آن و یا زمان استقرار و یا محل استقرارش حرکت می‌کند.» «۱»

با این احتمال (سر آمدن اجل یا زمان استقرار) بوسیله آیه «کُلٌّ یَجْرِی لِأَجَلٍ مُسَمًّی» «۲» تأیید می‌شود. زیرا «لاجل مسمی» به جای «لمستقرٍ لها» به کار رفته است.

مگر آنکه ادعا شود که آیه‌ی «وَالشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا» «۳»

می‌خواهد در مورد خورشید به مطلب تازه‌ای اشاره کند که در آیات دیگر (فاطر/ ۱۳- رعد/ ۲- زمر/ ۵) اشاره نشده بود. یعنی خورشید و ماه هر دو زمان استقرار و پایان زمانی حرکت دارند و علاوه بر آن خورشید پایان مکانی نیز دارد.

۵. ابن کثیر نیز در تفسیر خود در مورد «لمستقر لها» دو احتمال را مطرح می‌کند:

اوّل اینکه مقصود مستقر مکانی باشد. یعنی تحت عرش الهی که نزدیک زمین است.

دوم آنکه مقصود انتهای سیر خورشید در قیامت است. «۴»

۶. فُلک در لغت به معنای کشتی و فَلک به معنای مجرای کواکب است که به خاطر شباهت آن با کشتی (در شناور بودن) فلک نامیده شده است. «۵»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۴۴

برخی مفسران می‌نویسند:

«کلمه فلک در لغت به معنی بر آمدن پستان دختران و شکل دورانی به خود گرفتن است سپس به قطعات مدوّر زمین و یا اشیاء مدور دیگر نیز اطلاق شده و از همین رو به مسیر دورانی کواکب نیز اطلاق می‌شود.» «۱»

سید هبه الدین شهرستانی با ذکر ۱۴ دلیل اثبات می‌کند که کلمه «فلک» در اسلام به معنای مدار نجوم و مجرای کواکب است. «۲»

۷. یسبحون از ماده «سباحت» در اصل به معنای حرکت سریع در آب و هوا است. «۳»

۸. دائبین از ریشه «دأب» به معنی «ادامه دادن به سیر» است. و بمعنی عادت مستمره هم می‌آید. «۴»

البته صاحب تفسیر نمونه می‌گوید: دائب از ریشه دئوب به معنی استمرار چیزی در انجام یک برنامه به صورت یک حالت و سنت است ... ولی در معنی دائب حرکت در مکان نیفتاده است. بنابراین نورافشانی و أثر تربیتی، خورشید را مدلول دائب می‌کند. «۵»

امّا به نظر می‌رسد با توجّه به سخن راغب اصفهانی ایشان به یکی از معانی دائب (ادامه دادن به سیر) توجه نکرده است هر چند که تفسیر نمونه هیچ منبع لغوی را نیز در این مورد معرفی نکرده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۴۵

تاریخچه:

خورشید ستاره‌ای است که هر انسانی می‌تواند هر روز آن را ببیند و حرکت کاذب روزانه آن (از طرف مشرق به مغرب) «۱» همیشه توجّه انسان را به خود جلب کرده است.

انسان‌ها تا قرن‌ها تصوّر می‌کردند خورشید به دور زمین می‌چرخد و هیئت پیچیده بطلمیوسی نیز بر همین اساس پایه‌گذاری شده بود. که زمین مرکز جهان است. «۲» حکیم مزبور کره زمین را ساکن و مرکز کلیه کرات پنداشته بود او می‌گفت:

«سه چهارم از سطح زمین را آب فرا گرفته و کره‌ی هوا به مجموع خاک و آب احاطه کرده و کره‌ی هوا را کره‌ی آتش در میان

گرفته است و آتش را کره‌ی قمر در آغوش دارد. (فلک قمر را جز خود ماه ستاره‌ای نیست) و پس از فلک قمر افلاک عطارد و زهره و شمس و مریخ و مشتری و زحل به ترتیب هر فلک بعدی محیط بر فلک قبلی است و هر یک را فقط یک ستاره است که هم بنام آن نامیده می‌شود.

و پس از فلک زحل کره‌ی هشتم یا فلک ثوابت است که جمیع کواکب ثابته مانند میخ بر پیکر آن کوبیده است. و پس از فلک هشتم کره‌ی نهم یا فلک اطلس است که تمام افلاک هشتگانه به ترتیبی که ذکر شد. در شکم آن جا دارد. (مثل پیازی که لایه لایه بر همدیگر هستند) فلک مزبور خالی از ستاره و دارای قطر نامحدود است ... و در یک شبانه‌روز با کلیه‌ی افلاکی که در جوف آن است به گرد زمین می‌چرخد.» «۱»

هیئت بطلمیوسی هفده قرن بر فکر بشر حکومت کرد و پس از آن کوپرنیک (۱۵۴۴ م) هیئت جدید (هیئت کوپرنیکی) را ارائه داد که بر اساس آن زمین به دور خورشید می‌چرخید. ولی شکل چرخش را دایره‌ای می‌دانست که پس از او کپلر (۱۶۵۰ م) شکل بیضوی گردش زمین بدور خورشید را کشف کرد. و سپس عقیده این دو نفر توسط گالیله ایتالیایی مستقر و مدلّل گردید «۲» و از آن پس نظام منظومه‌ی شمسی به صورت نوین پایه‌گذاری شد که سیارات به دور خورشید می‌چرخد (عطارد- زهره- زمین- مریخ- مشتری- زحل- اورانوس- نپتون- پلوتون).

ولی هنوز عقیده اخترشناسان (حتّی کوپرنیک، کپلر و گالیله) بر آن بود که خورشید ثابت ایستاده است. «۳» و حتّی در ادعانامه‌ای که علیه گالیله در دادگاه

قرائت شد او را متهم به اعتقاد به سکون خورشید (خلاف گفته کتاب مقدّس که خورشید را متحرّک می‌دانست) «۱» کردند و او حاضر نشد حرکت خورشید را بپذیرد. «۲»

امّا در اعصار جدید روشن شد که خورشید دارای چند حرکت است:

اوّل حرکت وضعی که هر ۵/ ۲۵ روز یک بار به دور خود می‌چرخد.

دوم حرکت انتقالی از جنوب آسمان به سوی شمال آن که هر ثانیه ۵/ ۱۹ کیلومتر همراه با منظومه شمسی حرکت می‌کند.

و سوم حرکتی انتقالی که با سرعت ۲۲۵ کیلومتر در ثانیه به دور مرکز کهکشان می‌گردد. که در این حرکت نیز منظومه شمسی را بهمراه خود می‌برد. «۳»

البته برای خورشید حرکت‌های دیگری نیز گفته شده که در نکات علمی اشاره می‌کنیم.

اسرار علمی:

در مورد آیات مربوط به حرکت خورشید مفسران قرآن دو گروه شده‌اند:

اوّل: مفسران قدیمی: مفسران قرآن کریم از دیر زمان در پی فهم آیات مربوط به حرکت خورشید بودند ولی از طرفی نظریه هیئت بطلمیوسی بر جهانیان سایه

افکنده بود و از طرف دیگر ظاهر آیات قرآن (در مورد حرکت خورشید و زمین در مدار خاص خودشان) هیئت بطلمیوسی را بر نمی‌تافت و از این رو برخی مفسران در پی آن شدند تا با توجیه خلاف ظاهری آیات قرآن را با هیئت بطلمیوسی و حرکت کاذب روزانه خورشید سازگار کنند.

طبری (۳۱۰ ق) در تفسیرش حرکت خورشید را همان حرکت روزانه و محل استقرار خورشید را دورترین منازل، در غروب می‌داند.

«۱»

طبرسی مفسّر گرانقدر شیعه (م ۵۴۸ ق) می گوید: «در مورد استقرار خورشید سه قول است:

اوّل: اینکه خورشید جریان می‌یابد تا دنیا به پایان برسد. بنابراین دیدگاه، خورشید محل استقرار ندارد.

دوم: اینکه خورشید برای زمان معینی جریان دارد و از آنجا تجاوز نمی کند.

سوم: اینکه خورشید در منازل خود در زمستان و تابستان حرکت می کند و از آنها تجاوز نمی‌نماید.

پس همان ارتفاع و هبوط خورشید محل استقرار اوست.» «۲»

شهرستانی در مورد آیه: «کُلٌّ فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ» «۳»

می نویسد:

«هر یک در فلکی شنا می کنند» و مکرر گفتیم که ظاهر این آیه با هیئت قدیم راست نمی‌آمد زیرا بنابر آن هیئت حرکت کوکب در جسم فلک ممتنع

است و از این جهت قدما ظاهر آیه را حمل بر مجاز کرده سباحت را هم به معنی مطلق حرکت گرفته و گفته‌اند مقصود این است که: هر ستاره‌ای با فلک خود بالتبع حرکت می کند.»

این در حالی است که در آیه واژه‌ی «فی» (در) می‌باشد یعنی خورشید در فلک و مدار شناور است.

و نیز در مورد آیه‌ی «وَالشَّمْسُ تَجْرِی» «۱»

می‌نویسد: «متقدمین بدین آیه احتجاج کرده حرکتی را که از طلوع و غروب آفتاب مشاهده می‌شود متعلق به جرم خورشید دانسته‌اند. ولی در معنای کلمه «مستقر» دچار اضطراب و اختلاف عقیده شده‌اند.»

... برخی گفته‌اند آفتاب سیر می کند تا به مستقر خود که برج حمل است برسد. (که لازمه‌ی آن سکون خورشید در برج حمل است و این معنا باطل است.)

... و برخی گفته‌اند شمس حرکت می کند در فلک خود. (که از نظر هیئت قدیم باطل است) «۲»

عجیب این است که صاحب تفسیر نمونه نیز در تفسیرآیه «وَکُلٌّ فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ» «۳» احتمال می‌دهد که مقصود همین حرکت خورشید بر حسب حسّ ما یا حرکت ظاهری [کاذب و خطای دید] باشد و آن احتمال را در کنار احتمالات

دیگر می‌آورد و ردّ نمی کند «۱» در حالی که این آیات در مقام شمارش آیات خداست و حرکت کاذب نمی‌تواند آیه و نشانه‌ی الهی باشد. «۲»

دوم: مفسران و صاحبنظران جدید:

پس از آنکه در هیئت جدید، حرکت زمین به دور خورشید و سپس حرکت‌های چندگانه‌ی خورشید به اثبات رسید آیات مربوط به حرکت خورشید معنای جدیدی پیدا کرد و متخصّصان، صاحبنظران و مفسّران قرآن در این مورد اظهار نظرهای متفاوتی کردند و برداشتهای زیبایی از آیات فوق بعمل آوردند، که بدان‌ها اشاره می کنیم:

الف: حرکت انتقالی خورشید در درون کهکشان راه شیری (حرکت طولی)

مفسّر معاصر آیه اللّه مکارم شیرازی پس از اشاره به تفسیرهای «تجری، یس/ ۳۸» می‌نویسد:

«آخرین و جدیدترین تفسیر برای آیه فوق همان است که اخیراً دانشمندان کشف کرده‌اند و آن حرکت خورشید با مجموعه منظومه شمسی در وسط کهکشان ما به سوی یک سمت معیّن و ستاره دور دستی که آن را ستاره پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان،

ج۶، ص: ۱۵۱

«وِگا» نامیده‌اند، می‌باشد.» «۱» و در جای دیگر «جریان» را اشاره به حرکت طولی می‌داند. «۲»

تذّکر: در این معنا باید «لام» در «لمستقر لها» را به معنای «الی» بدانیم یعنی: «خورشید به سوی قرارگاه خود جریان دارد.» همانگونه که برخی از نویسندگان عرب بدان تصریح کرده‌اند.» یکی از صاحبنظران پس از اینکه حرکت خورشید از جنوب به سوی شمال آسمان را ۵/ ۱۹ کیلومتر در ثانیه می‌داند در ادامه به آیه‌ی ۲ سوره‌ی رعد و ۳۳ سوره‌ی ابراهیم در مورد حرکت خورشید استناد می‌جوید. «۴»

یکی دیگ- ر از نویسندگ- ان معاص- ر در م- ورد کلمه «مستقر» در آیه «تجری لمستقر لها» می‌نویسد:

«این حرکت به سوی قرارگاه شاید همان حرکت خورشید به سوی ستاره وِگا باشد که علم نجوم امروز بدان پی برده است» و سپس آن را معجزه‌ی علمی قرآن می‌داند. «۵»

علامه طباطبایی (ره) پس از آنکه جریان شمس را همان حرکت خورشید می‌داند، می‌فرماید:

«امّا از نظر علمی تا آنجا که ابحاث علمی حکم می‌کند قضیه درست بر عکس (حس) است یعنی خورشید دور زمین نمی‌گردد بلکه زمین بدور خورشید

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۵۲

می‌گردد و نیز اثبات می‌کند که خورشید یا سیاراتی که پیرامون آن هستند به سوی ستاره (نسر ثابت) حرکت انتقالی دارند ...» «۱»

سید هبه الدین شهرستانی حرکت خورشید را به طرف ستاره‌ای بر ران راست «جایی» معرفی می‌کند و در جای دیگر آن را به طرف مجموعه نجوم (هرکیل) می‌داند. «۲» و کلمه‌ی «تجری» را اشاره به حرکت انتقالی خورشید می‌داند. «۳»

طنطاوی در تفسیر الجواهر نیز پس از ذکر مقدمه‌ای در انواع حرکات آیه‌ی فوق را بر حرکت خورشید و مجموعه‌ی همراه او به دور یک ستاره (کوکب) حمل می‌کند و سپس مطالبی طولانی در مورد حرکت هواپیماها، اتومبیل‌ها و ... می‌دهد که ربطی به تفسیر آیه ندارد. «۴»

و در همین مورد کتاب «زنده جاوید و اعجاز قرآن» نوشته‌ی مهندس محمد علی سادات، «۵» و نیز قرآن و آخرین پدیده‌های علمی، مهندس جعفر رضایی‌فِر، «۶» و نیز «القرآن الکریم و العلم الحدیث»، دکتر منصور محمد حسب النبی، «۷» مطالب مشابهی دارند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۵۳

ب: حرکت انتقالی خورشید همراه با کهکشان: (حرکت دورانی).

آیت اللّه مکارم شیرازی: در مورد آیه «وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» «۱» «و هر کدام از آنها در مسیر خود شناورند.» دو احتمال می‌دهند: یکی حرکت خورشید به حسب حس ما یا حرکت ظاهری [حرکت کاذب روزانه خورشید که در اثر حرکت زمین به خطا دیده می‌شود و عرف مردم این حرکت را به خورشید نسبت می‌دهند.] «۲»

دوم: منظور از شناور بودن خورشید در فلک خود حرکت آن همراه با منظومه‌ی شمسی و همراه با کهکشان که ما در آن قرار داریم می‌باشد چه اینکه امروزه ثابت شده است که منظومه شمسی ما جزیی از کهکشان عظیمی است که به دور خود در حال گردش است.

و در پایان این آیه «فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» را اشاره به حرکت دورانی خورشید می‌داند که بر خلاف هیئت بطلمیوسی حاکم در زمان نزول قرآن سخن گفته و بدین ترتیب معجزه علمی دیگری از قرآن به ثبوت رسانیده است. «۳»

یکی از صاحبنظران نیز پس از آنکه حرکت دورانی خورشید را هر ۲۰۰ میلیون سال یک بار با سرعت ۲۲۵ کیلومتر در ثانیه به دور مرکز کهکشان

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۵۴

می‌داند به آیه‌ی ۲ سوره‌ی رعد و ۳۳ سوره ابراهیم برای اثبات حرکت خورشید استناد می‌جوید. «۱»

دکتر موریس بوکای با استناد به آیه ۳۳ سوره‌ی انبیاء و ۴۰ سوره‌ی یس «كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» نتیجه می گیرد که قرآن تصریح کرده که خورشید روی مداری حرکت می کند. در حالی که این مطلب بر خلاف هیئت بطلمیوسی رایج در عصر پیامبر (ص) بود.

او می گوید «با اینکه نظر بطلمیوس در زمان پیامبر اسلام (ص) هم مورد گرایش بود این نظریه در هیچ جای قرآن به چشم نمی‌خورد.»

و سپس با اشاره به ترجمه‌های غلط قرآن به زبان فرانسه که فلك را به معنای مغشوش (کره آسمانی- میله آهنی) آورده‌اند (چون نمی‌توانستند حرکت دورانی خورشید را تصور کنند) می گوید اوّلین ترجمه قرآن که به زبان فرانسوی کلمه «فلك» را «مدار» ترجمه کرد ترجمه «حمید الله» دانشمند پاکستانی بود. «۲»

سید هبه الدین شهرستانی در مورد حرکت خورشید و منظومه‌ی شمسی (از قول برخی) نقل می کند که:

خورشید با همه‌ی اتباع خود به دور روشن‌ترین ستاره‌ای که در ثریا است می‌چرخد و نام آن ستاره بزبان فرنگی «الکبوتی» و بزبان عربی «عقد الثریا» است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۵۵

برخی دیگر از نویسندگان «۱» همین حرکت دورانی را به آیات قرآن (یس/ ۴۰) نسبت داده‌اند:

استاد مصباح یزدی نیز با طرح آیه فوق (یس/ ۴۰) می‌نویسند:

«قرآن، فلك را چون دریایی می‌داند که اجرام در آن حرکت دارند و شناورند، پیداست که منظور فضایی است که این اجرام در آن حرکت می کنند و مدار حرکتشان را در آن فضا، تعیین می کنند. نه آنچنان که قدماء می گفتند: فلك حرکت می کند و آنها در فلك ثابتند.

قرآن از ابتدا «فرضیه‌ی فلکیات» قدیم را مردود می‌دانسته است ... پس از این آیه می‌توان نتیجه گرفت که اجرام علوی، همه در حرکتند و این مطلبی است که علم نجوم جدید اثبات می کند.» «۲»

تذّکر: به نظر می‌رسد ظاهر آیه همین معنای دوم (حرکت خورشید در یک مدار است) که با توجه به جمله «كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» تأیید می کند.

ج: حرکت وضعی خورشید به دور خود:

در تفسیر نمونه آمده است: «بعضی دیگر آن (تجری- یس/ ۳۸) را اشاره به حرکت وضعی کره آفتاب دانسته‌اند زیرا مطالعات دانشمندان به طور قطع ثابت کرده که خورشید به دور خود گردش می کند» «۳»

و سپس در پاورقی توضیح می‌دهند که بر طبق تفسیر «لام» در «لمستقرٍ لها» به معنای «فی» (در) است. «۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۵۶

تذکر: در این صورت معنا اینگونه می‌شود: «خورشید در قرارگاه خود جریان دارد.» [و به دور خود می‌چرخد].

احمد محمد سلیمان نیز در کتاب القرآن و العلم می گوید کلمه‌ی لام در عربی ۱۳ معنی دارد و سپس توضیح می‌دهد که اگر لام به معنای «فی» باشد حرکت وضعی خورشید را می‌رساند و اگر به معنای «الی» باشد حرکت انتقالی خورشید را می‌رساند و سپس می گوید این معجزه‌ی بلاغی قرآن است که یک کلمه «لمستقر لها» دو معجزه علمی را با هم می‌رساند. «۱»

سید هبه الدین شهرستانی نیز از علامه مرعشی شهرستانی (سید محمد حسین) و غیر او نقل می کند که احتمال داده‌اند. کلمه‌ی «مستقر» بمعنی محل استقرار و حرف لام به معنی «فی» و مقصود حرکت وضعی آفتاب باشد. «۲»

یکی از صاحبنظران نیز پس از آنکه حرکت وضعی خورشید را ۵/ ۲۵ روز یک مرتبه به دور خود معرفی می‌کند به آیه‌ی ۲ سوره رعد و ۳۳ سوره ابراهیم در مورد اثبات حرکت خورشید استناد می‌جوید. «۳»

و برخی دیگر از نویسندگان مثل؛ محمد علی سادات، آیه‌ی ۳۸ و ۴۰ سوره‌ی یس را دلیل حرکت وضعی خورشید گرفته‌اند. «۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۵۷

یکی دیگر از صاحبنظران نیز با ذکر اینکه ممکن است لام در کلمه «لمستقر» به معنای «فی» یا «تأکید» باشد آن را اشاره به حرکت وضعی خورشید می‌داند. «۱»

د: ادامه‌ی حیات خورشید تا زمان معیّن:

یکی از صاحبنظران در مورد آیه‌ی «کُلٌّ یَجْرِی لِاَجَلٍ مُسَمّیً» «۲» «هر یک از خورشید و ماه تا زمان معینی به گردش خود ادامه می‌دهند» می‌نویسند:

«ظاهر مقصود از اینکه خورشید و ماه تا زمانی معیّنی به گردش خود ادامه می‌دهند این است که زمانی فراخواهد رسید که این چراغ‌های آسمانی خاموش گردد و آن روز قیامت است.» «۳»

همین معنا را سید هبه الدین شهرستانی در مورد آیه‌ی «وَالشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا» «۴»

می‌پذیرد و می‌گوید: مقصود از جریان حرکت انتقالی آفتاب است در اعماق فضا و مراد از «مستقر» زمان استقرار است نه مکان استقرار و معنا چنین می‌شود: آفتاب حرکت می‌کند تا هنگامی که باید قرار گیرد. یعنی روز قیامت.

تذکر: در این صورت «مستقر» را در آیه اسم زمان معنا کرده‌اند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۵۸

فیزیکدانان جدید می‌نویسند: «خورشید می‌تواند تا ۱۰ میلیارد سال بدرخشد و از این عمر طولانی پنج میلیارد سال آن گذشته است. بنابراین اکنون خورشید در نیمه راه زندگی خود قرار دارد.» «۱»

ه-: حرکات درونی خورشید:

به نظر می‌رسد کلمه‌ی «تجری» در آیه‌ی «وَالشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا» «۲»

معنای دیگری را نیز داشته باشد یعنی بین کلمه «تحرک» و «تجری» تفاوتی هست و آن اینکه کلمه «تحرک» فقط حرکت را می‌رساند مثل حرکت اتومبیلی که به جلو یا عقب می‌رود. ولی زیر و رو نمی‌شود. امّا کلمه‌ی «تجری» در مورد مایعات مثل آب به کار می‌رود که در هنگام حرکت علاوه بر جلو رفتن، زیر و رو هم می‌شود و بر سر هم می‌خورد.

امروزه دانشمندان کشف کرده‌اند که خورشید علاوه بر حرکت وضعی، انتقالی طولی، انتقالی دورانی دارای حرکتی دیگر هم هست زیرا درون خورشید دائماً انفجارات هسته‌ای صورت می‌گیرد تا انرژی نورانی و گرما تولید کند و

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۵۹

روشنی‌بخش ما باشد «۱» و همین انفجارات باعث زیر و رو شدن مواد مذاب داخل خورشید شده و گاه تا کیلومترها به بیرون پرتاب می‌شود.» به عبارت دیگر خورشید علاوه بر حرکت، مثل آب جریان دارد و دائماً زیر و رو می‌شود. و این لطافت تعبیر قرآنی غیر از طریق وحی نمی تواند صادر شده باشد و از این رو ممکن است اعجاز علمی قرآن را برساند.

تذکّر: ممکن است گفته شود با توجّه به کاربرد واژه‌ی «تجری» در قرآن که در مورد حرکت ماه و خورشید هر دو به کار رفته است (فاطر/ ۱۳- زمر/ ۵- لقمان/ ۲۹) «وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ کُلٌّ یَجْرِی لِأَجَلٍ مُسَمّیً» در حالی که ماه از مواد مذاب تشکیل نشده است پس همیشه واژه‌ی تجری به معنای مذاب بودن متعلّق جریان (مثل آب و خورشید) نیست. بلکه این تعبیر کنایه است که در این موارد فضا را مثل یک اقیانوسی در نظر گرفته است که ماه و خورشید مثل یک کشتی در آن شناور هستند. پس این واژه دلالت

قطعی بر یک معنا پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۶۰

(شناور بودن یا مذاب بودن) در مورد خورشید ندارد از این رو نمی‌توان گفت که اعجاز علمی قرآن را ثابت می کند.

تذکر دیگر: برخی از صاحبنظران (دکتر السید الجمیلی) نیز با طرح آیه ۳۶ سوره یس حرکت خورشید و منظومه‌ی شمسی را ۷۰۰ کیلومتر در ثانیه دانسته‌اند. ولی نوع حرکت را مشخص نکرده‌اند. که دورانی به دور مرکز کهکشان یا مستقیم است. «۱»

بررسی:

در مورد انطباق حرکت‌های خورشید با آیات مورد بحث تذکر چند نکته لازم است:

۱. بیان کردیم که سه احتمال در کلمه‌ی «مستقر» (یس/ ۳۸) وجود دارد (مصدر میمی- اسم مکان- اسم زمان) و نیز بیان شد که چند احتمال در معنای لام «لمستقر» وجود دارد (بمعنی الی- فی- غایه) و نیز بیان کردیم، در مورد کلمه‌ی «جریان» چهار احتمال وجود دارد (حرکت انتقالی طولی- حرکت وضعی- ادامه حیات زمانی- حرکت درونی خورشید).

در اثر ضرب این احتمالات در یک دیگر عدد ۳۶ حاصل می‌شود «۲» یعنی ۳۶ احتمال در معنای آیه متصوّر است و ممکن است در واقع همه‌ی این احتمالات مراد آیه باشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۶۱ پس این احتمال هم وجود دارد که جریان (حرکت) دیگری هم برای خورشید وجود داشته باشد که کشف نشده و آن هم مراد باشد. از این رو نمی‌توان به طور قطعی گفت که مقصود آیه یکی از این احتمالات است و احتمالات (شناخته شده یا کشف نشده) دیگر را نفی کرد.

البته همانطور که بیان کردیم ظاهر آیه (یس/ ۳۷- ۴۰) همان معنای دوم (حرکت دورانی خورشید در یک مدار ثابت) است. که با واژه (یسبحون) در ذیل آیه تأیید می‌شود.

۲. حرکت انتقالی خورشید به طرف یک مکان نامعلوم را می‌توان از کلمه «لمستقر» استفاده کرد. امّا تعیین این مکان (ستاره وگا- جایی یا هرکیل یا ...) و یا تحمیل آن بر آیه‌ی قرآن صحیح بنظر نمی‌رسد زیرا این مکان به طور قطعی مشخص نیست. و بنابراین نمی‌توان مکان‌های حدسی را به قرآن نسبت داد.

۳. اشارات صریح قرآن به حرکت خورشید (هر کدام از معانی حرکت و جریان را که در نظر بگیریم) از مطالب علمی قرآن و نوعی رازگویی است. زیرا قرآن کریم در زمانی سخن از مدار (فلک) خورشید و جریان و حرکت واقعی آن گفت که هیئت بطلمیوسی فقط همین حرکت کاذب را به رسمیت می‌شناخت و این مطلب عظمت علمی قرآن و آورنده آن (پیامبر اسلام (ص)) را نشان می‌دهد.

۴. آیا این اشارات علمی قرآن اعجاز علمی آن را اثبات می کند؟

در این مورد می‌توان تفصیل قائل شد؛ یعنی بگوییم بخشی از این حرکت‌ها قبلًا توسط کتاب مقدس گزارش شده بود «۱» و از این رو اخبار قرآن در این مورد

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۶۲

اعجاز علمی نیست. امّا آن بخشی که توسط کتاب مقدس گزارش نشده بود و توسط قرآن بر خلاف هیئت بطلمیوسی بیان شد اعجاز علمی قرآن است.

قسم اوّل یعنی بخشی که کتاب مقدس خبر داد، همان جمله‌ای است که «می گوید: و [خورشید] مثل پهلوان از دویدن در میدان شادی می کند.» «۱»

از این جمله فقط حرکت انتقالی دورانی خورشید استفاده می‌شود چون پهلوانان در میادین بطرف جلو و بصورت دورانی می‌دوند. «۲»

امّا حرکت‌های دیگر مثل حرکت انتقالی طولی و حرکت وضعی و حرکت زمانی و حرکت درونی خورشید از ابتکارات قرآن است. و اعجاز علمی آن را ثابت می کند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۶۳

فصل ششم: قرآن و زمین‌شناسی

اشاره

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۶۵

مقصود از اینکه کوه‌ها همچون میخ هستند، چیست؟

پرسش:

مقصود از اینکه کوه‌ها همچون میخ هستند، چیست؟ پاسخ:

قرآن مجید در سوره‌های متعددی درباره‌ی آفرینش کوه‌ها سخن گفته و راز خلقت و اسرار وجود آن‌ها را با تعبیرات گوناگونی بیان کرده است. از بین رازها و حکمت‌های آفرینش کوه‌ها بیشتر روی استقرار و آرامشی که در پرتو کوه‌ها نصیب ساکنان زمین شده است تکیه کرده و وجود آنها را مانع از پدید آمدن حرکات ناموزن و اضطراب و نوسان معرفی می‌نماید و در سوره‌های گوناگون با عبارات متعدّد «۱» می‌فرماید:

«وَأَلْقی فِی الْأَرْضِ رَوَاسِیَ أن تَمِیدَ بِکُمْ»؛

«و در زمین کوه‌های استواری افکند، [مبادا] که شما را بلرزاند.»

و گاهی این حقیقت را به عبارت دیگر بیان می کند و می‌فرماید:

«وَالْجِبَالَ أَوْتَاداً»؛ «۲» «کوه‌ها را میخ‌های زمین آفریدیم.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۶۶

بررسی واژه‌های آیات:

واژه‌ی «جبال»، جمع «جبل» به معنای کوه است. «۱»- «۲»

واژه‌ی «اوتاد»: جمع «وَتَدْ» به معنای میخ است.

واژه‌ی «رواسی»، جمع «راسیه» به معنای ثابت و محکم است. «۳» تاکید بر کلمه‌ی «رواسی» به معنای ثابت و پابرجا، اشاره‌ی لطیفی است که کوه‌ها هم خودشان ثابتند و هم مایه‌ی ثبات پوسته‌ی زمین و زندگی انسان‌ها می‌باشند. «۴» واژه‌ی «تمید» از «مید»، به معنای میل و اضطراب است. یعنی، در زمین کوه‌های ثابت و محکم افکند تا شما را میل ندهد و این سو و آن سو نیندازد و مضطرب نکند. «۵»

عوامل لرزش و اضطراب زمین:

حال این سوال مطرح می‌شود که منشاء این اضطراب و نوسان و لرزش چیست؟ که وجود کوه‌ها از بروز آن جلوگیری می‌نماید:

۱. کره‌ی زمین دارای ۱۴ تا ۱۶ حرکت مختلف است «۶» که بعضی مربوط به داخل کره‌ی زمین و اکثراً نسبت به کرات دیگر انجام می‌شود. در اینجا به ذکر حرکات عمده‌ی آن می‌پردازیم:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۶۷

الف. حرکت وضعی (دورانی):

زمین در هر ۲۴ ساعت یکبار از مغرب به مشرق دور محور خود می‌چرخد و شب و روز بوجود می‌آید، سرعت این حرکت دورانی در مدار استوا، در هر ساعت ۱۶۶۶ کیلومتر و در هر ثانیه ۴۶۱ متر است که هر چه به قطبین نزدیک شویم از مقدار آن کاسته می‌شود. «۱»

ب. حرکت انتقالی:

زمین با حرکت انتقالی سریع خود، که سرعت آن ۱۷۰۰۰۰ کیلومتر در ساعت است به دور خورشید می‌چرخد. «۲»

ج. حرکت هلیسی:

چون منظومه‌ی شمسی در هر ثانیه ۲۰ کیلومتر در فضا، و به مقصد نامعلومی به دنباله‌ی ستاره‌ی «وگا ageW» حرکت می‌کند، کره‌ی زمین مجبوراست سرعت حرکات وضعی و انتقالی خود را چنان ترتیب دهد تا از کاروان نامبرده عقب نماند و پیشروی نیز ننماید.

سرعت این حرکت در روز اوّل تیر ماه، ثانیه‌ای ۲۸۹۰۰ کیلومتر، و در اوّل دی ماه ۳۰۰۰۰ کیلومتر است. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۶۸

به طور مسلّم این نوع حرکت سریع زمین و بالاخص حرکت وضعی آن، در تماس با هوای مجاور آن و در برخورد ملکول‌های هوا با سطح کره، آنچنان حرارتی تولید می‌کند که برای مشکل ساختن حیات بر روی زمین کافی است، این مشکل در صورتی پیش می‌آید که هوای مجاور زمین همراه خود زمین حرکت نکند و بر اثر برخورد زمین با ملکول‌های هوای ساکن، که همه‌ی جوانب آن را مانند پوسته‌ی پیاز فرا گرفته است حرارت شدیدی تولید شود. ولی اگر هوای مجاور زمین پا به پای خود زمین حرکت نماید و هر دو دست به دست هم و به یک سمت در حال حرکت باشند. قطعاً چنین خطری پدید نخواهد آمد. «۱»

از این رو وجود کوه‌ها و پستی و بلندی‌های زمین، در حرکت «هوای مجاور» همراه زمین، نقش موثری دارند؛ زیرا در پرتو فواصل رشته‌های کوه‌ها و پستی و بلندی‌های آن که قشر جامد زمین را به صورت سرزمین شخم زده در آورده است و هوای مجاوری که با زمین تماس دارد در میان کوه‌ها حبس می‌شود و پستی و بلندی‌های مختلف زمین که حتّی در برخی از نقاط به ۸ کیلومتر می‌رسد هوای چسبیده به زمین را درخود نگاه داشته است و هنگام حرکت زمین هوای داخل فرورفتگی‌ها و چسبیده به آن، با آن حرکت می‌کند و هر دو در مسیر واحدی پا به پای یکدیگر به گردش خود ادامه می‌دهند. و شاید آیه‌ی:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۶۹

«وَأَلْقی فِی الْأَرْضِ رَوَاسِیَ أَن تَمِیدَ بِکُمْ»؛ «۱»

«و در زمین کوه‌های استواری افکند تا شما را از حرکات ناموزون آن حفظ کند.»

اشاره به این راز بزرگ باشد که در سایه‌ی کوه‌ها به وجود می‌آید. «۲»

۲. ممکن است این حرکات ناموزون که کوه‌ها مانع از بروز آن است به خاطر جاذبه‌ی نیرومند ماه باشد که می‌تواند در پوسته‌ی زمین جزر و مدی مانند جزر و مد دریا بوجود آورد و همواره در حرکت و اضطراب باشد. ولی کوه‌ها مانع بروز این نوع حرکات ناموزون، است. زیرا کوه‌ها در حقیقت در حکم یک زره‌ی محکم فولادین را دارند که دور تا دور زمین را احاطه کرده و با توجه به ارتباط و پیوندی که از زیر به هم دارند یک شبکه‌ی نیرومند سرتاسری را تشکیل می‌دهند. اگر این زره محکم و این شبکه‌ی نیرومند، کره زمین را نمی‌پوشاند و پوسته‌ی روی زمین از یک قشر نرم و لطیفی مانند خاک و شن تشکیل می‌یافت به آسانی تحت تاثیر جاذبه‌ی نیرومند ماه واقع می‌شد و حرکات ناموزونی مانند جزر و مد دریاها در آن بوجود می‌آورد با این که قشر محکمی پوسته‌ی زمین را پوشانیده، باز حرکات خفیف جزر و مد در آن پیدا می‌شود و هر بار حدود ۳۰ سانتی‌متر پوسته‌ی زمین به تدریج

بالا و پایین می‌رود. «۳»

۳. عامل سوم این لرزش‌ها، مواد مذابی است که هسته‌ی مرکزی زمین را تشکیل می‌دهد و در دل زمین مملو از گازهای متراکمی است که با شدّت هر چه

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۷۰

تمام‌تر بر آن فشار می‌آورد. و موجب زلزله‌های خطرناک یا ضررهای جبران ناپذیر می‌شود. به عقیده‌ی گروهی از دانشمندان زلزله نتیجه‌ی حرارت مواد مذاب و گازهای درونی زمین است که با شدّت خارج می‌شوند.

در این صحنه‌ی متلاطم، یگانه عاملی که مانع متلاشی شدن قطعات زمین می‌گردد، همان کوه‌هاست. ریشه‌های کوه‌های سنگین که در اعماق زمین فرو رفته و قطعات زمین را در بر گرفته‌اند، آن‌ها را به هم اتّصال می‌دهد و بسان میخ‌ها که قطعات تخته را به هم متّصل می‌سازند و از انفکاک و جدایی آن جلوگیری می‌کنند قطعات زمین را از تفرّق و پاشیدگی باز می‌دارند.

شاید آیه‌ی «وَالْجِبَالَ أَوْتَاداً» «۱»

؛ «کوه‌ها را میخ‌های زمین قرار دادیم»

اشاره به همین حقیقت باشد که بیان گردید. «۲»

امیرمومنان در ستایش و بیان عظمت کاخ آفرینش چنین می‌فرماید:

«و وتد بالصخور میدان أرضه» «۳»؛ «و به وسیله‌ی کوه‌ها، اضطراب و لرزش زمین را به آرامش تبدیل کرد.»

و در جای دیگر می‌فرماید:

«و عدل حرکاتها بالرّاسیات من جلامیدها»؛ «۴» «و حرکات زمین را با صخره‌های عظیم و قله‌ی کوه‌های بلند نظم داد.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۷۱

علامه طباطبایی (ره) می‌نویسد: اینکه کوه‌ها را میخ خوانده، شاید از این جهت بوده که پیدایش عمده‌ی کوه‌های روی زمین از عمل آتشفشان‌های تحت الارض است که یک نقطه از زمین را می‌شکافد و مواد مذاب زمینی از آن فوران می‌کند و به اطراف آن نقطه می‌ریزد و به تدریج اطراف آن نقطه بالا می‌آید تا به صورت میخی که روی زمین کوبیده باشند در آید. و باعث سکون و آرامش فوران آتشفشان زیر زمین گردد و اضطراب و نوسان زمین از بین برود. «۱»

در مجمع البیان آمده است که خداوند متعال می‌توانست با چیزی غیر از کوه‌ها زمین را در مقابل زلزله حفظ کند، ولی کوه‌ها برای درک مردم مناسب‌ترند و توجّه و دقّت آنان را بهتر به خود جلب می‌کند. «۲»

در آیه‌ی «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَاداً»؛ «۳»

«آیا زمین را بستر قرار ندادیم؟ قرآن زمین را به گهواره‌ای تشبیه نموده که قطعات آن بوسیله‌ی کوه‌ها- که بسان میخ‌اند- به هم پیوسته‌اند و سنگینی آنها باعث اعتدال حرکات آن گردیده است به طوری که در عین حرکت، آرام است؛ و در آیه‌ی بعدش [وَالْجِبَالَ أَوْتَاداً «۴»] ضمن تشبیه کوه‌ها به میخ، به ریشه‌های آنها اشاره می‌نماید و این نیز یکی از معجزه علمی قرآن است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۷۲

زیرا تا یک قرن پیش دانشمندان کوه‌ها را توده‌های سنگ عظیمی می‌پنداشتند که مانند تپه‌های مصنوعی روی زمین ریخته شده‌اند و اخیراً پی برده‌اند که قسمت عمده‌ی هر کوهی، زیر سطح زمین قرار دارد «۱» چنانکه «ژرژگاموف» استاد دانشگاه واشنگتن می‌نویسد:

«نظریه‌ی سطحی بودن کوه‌ها در زمین‌شناسی، یک قرن پیش از نظریه‌های عمومی بوده و اخیراً به این موضوع پی برده‌اند که بخشی از هر کوه زیر سطح زمین قرار داد.» «۲»

در حالی که قرآن چهارده قرن پیش، پرده از این راز بزرگ برداشته و کوه‌ها را میخ‌های زمین معرفی کرده است تا اجزائش در حال حرکت از هم متلاشی نشوند. «۳»

اما دلیل دیگر برای اینکه «کوه‌ها میخ‌های زمین‌اند» این است که آن را به صورت مهد (پرورشگاه) کامل درآورده‌اند فعل «جَعَل» (قراردادن) در آیه اشعار بر این دارد که زمین با میخکوب شدن به وسیله‌ی تکوین مستمر کوه‌ها، از اضطراب و زلزله‌ها و انفجارها به سکون و آرامش درآمده و قسمت‌های درونی (مواد مذاب) و قشرهای بیرونی و آب و هوا که پیوسته در هم می‌آمیخت و تغییر مکان می‌داد به همدیگر نزدیک و متصل شدند، و با فشرده شدن مواد رسوبی که پایه‌ی نخستین کوه‌ها می‌باشند هر قسمت و قطعه‌ای از طبقات آن، در جای خود قرار گرفت، و سطح زمین را از فشار انفجارهای درونی و زلزله‌های همیشگی بازداشتند و اگر

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۷۳

فشار و به هم پیوستگی کوه‌ها نبود؛ که مانند ته میخ‌ها در درون زمین پرچ شده و از بعضی قسمت‌های زمین سر برآورده، زمین به صورت مهد آسایش و پرورش کنونی در نمی‌آمد. «۱»

بعضی دیگر از فوائد کوه‌ها عبارتند از:

۱. سرچشمه‌ی نهرها:

قرآن مجید در برخی از آیات هنگام یادآوری آفرینش کوه‌ها، از وجود نهرها و چشمه‌های بزرگ که یکی از مظاهر بزرگ خلقت و نشانه‌ی وجود تدبیر در عالم آفرینش است، سخن می‌گوید. اما چرا قرآن این دو (کوه‌ها و نهرها) را در کنار هم ذکر می‌کند؟ «۲» در پاسخ می‌توان گفت: ریشه‌ی این نهرهای عظیم، به علت وجود کوه‌ها است؛ زیرا هوا در ارتفاعات بسیار سرد و برف و باران بسان یخچال‌های طبیعی در آنجا ذخیره می‌گردد و در بسیاری از فصول سال بر اثر کاهش حرارت، از برف و یخ پوشیده است، و در فصل گرما، برف و یخ‌ها به تدریج آب می‌شوند و به صورت چشمه سارها جاری می‌گردند و قسمت اعظم این مایه‌ی زندگی در سایه‌ی کوه‌ها تامین می‌گردد. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۷۴

۲. تصفیه‌ی آب:

کوه‌ها در تصفیه‌ی آب‌ها نقش بسزای دارند، یکی از آن‌ها را می‌توان «تصفیه‌ی شنی» نامید. «تصفیه‌ی شنی» عبارت است از، عبور آب از لایه‌های شنی، زیرا لایه‌های شنی در قسمت پایین، از قلوه سنگ و در قسمت بالا از ماسه‌های نرم تشکیل می‌گردد. عبور آب از طبقات مختلف کوه‌ها سبب می‌شود که باکتری‌های آب گرفته شود و آب از مواد خارجی تصفیه گردد.

قرآن مجید به این دو راز بزرگ در ضمن آیه‌ی کوتاهی اشاره نموده و می‌فرماید: «و در آن [کوه‌های استوار [و] بلندی قرار دادیم، و آبی گوارا به شما نوشاندیم.» «۱» جمله‌ی «رَواسی شامختٍ» (کوه‌های بلند) ناظر به راز اول است که کوه‌ها بر اثر سردی منطقه از جهت ارتفاع، حکم مخزن آب را دارند و جمله‌ی «واسقینکُم مآءً فُراتاً»؛ «برای شما آب گوارا فراهم نمودیم» از آنجا که پس از بیان آفرینش کوه‌ها آمده است، می‌رساند که کوه‌ها در گوارا ساختن آب‌ها که همان تصفیه‌ی آن از مواد خارجی و باکتری‌ها، نقش موثری دارند. «۲»

۳. پناهگاه بودن کوه‌ها:

قرآن کریم می‌فرماید: «و از کوه‌ها برای شما پناهگاه‌هایی مقرر کرد.» «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۷۵

جمع‌بندی:

با جمع‌بندی مطالب ذکر شده، می‌توان فواید و اسرار وجود کوه‌ها را به شرح زیر برشمرد:

۱. کوه‌ها باعث حفظ کره‌ی زمین و جلوگیری از پراکندگی آن و موجب آرامش زمین می گردد.

۲. کوه‌ها عامل اصلی جلوگیری از سیل و طوفان است، و در برابر بادهای طوفان‌زا مقاومت شدید دارد و عامل جلوگیری از کویرها و بیابان‌های خشک و سوزان است.

۳. کوه‌ها از حرکات ویران کننده و لغزش زمین جلوگیری می کنند و سپر زمین در برابر حرکات سرسام‌آور می‌شود که همچون زرهی زمین را در بر گرفته‌اند و این سبب می‌شود که از لرزش‌های شدید زمین که بر اثر گازهای درونی اتفاق می‌افتد تا حد زیادی جلوگیری کنند.

۴. کوه‌ها حرکات پوسته‌ی زمین را در مقابل جزر و مد ناشی از ماه به حداقل می‌رسانند.

۵. کوه‌ها عامل اصلی ذخیره‌ی آبند که با ایجاد درّه به حکم قانون جاذبه، آب را در سراشیبی قرار می‌دهند و باعث می‌شوند که درختان و مزارع از آن سیراب شوند و رشد و نمو نمایند.

۶. پستی و بلندی با وجود کوه‌ها، عامل زندگی انسان و حیوان است.

۷. کوه‌ها عامل ایجاد نهرها و نهرها عامل پیدایش طبیعت سرسبز و میوه‌های رنگارنگ است و همه‌ی این‌ها تدبیری است متّصل و متّحد که از وجود مدبّری حکیم حکایت می کند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۷۶

۸. اگر فشار و به هم پیوستگی کوه‌ها نبود، زمین به صورت فعلی در نمی‌آمد و در نتیجه از وجود کوه‌ها بود که تمدّن‌ها گسترش یافت.

۹. کوه‌ها فشار هوا و وزش بادها را به صورت ملایم در بر دارد. «۱»

۱۰. اگر کوه‌ها نبود در اثر حرکت‌های انتقالی و وضعی زمین بین هوای «ثابت» سطح زمین و زمین «متحرک» اصطکاک شدیدی پدید می‌آمد که حیات ناممکن می‌شد از این رو وجود کوه‌ها باعث شده است تا هوای ثابت سطح زمین پا به پای زمین حرکت کند و مانع اصطکاک شود.

نکته:

در قرآن، کوه‌ها به میخ تشبیه شده است و می‌دانیم که وقتی میخی را به جایی می کوبند قسمت عمده‌ی آن به داخل فرو می‌رود و قسمتی از آن بیرون می‌ماند پس می‌توان گفت: تمام فوائد و اسراری را که برای کوه‌ها بیان شد با این تشبیه چنین قابل توجیه است که قسمت بیرونی کوه‌ها، فواید بیرونی و قسمت درونی کوه‌ها، فواید درونی را در خود دارند.

نتیجه گیری:

از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت: آیه‌ی «والجبال اوتادا» «۲» یکی از آیات علمی قرآن و نوعی «اعجاز علمی قرآن» است. با این بیان که قبلًا دانشمندان به این نظریه قائل بودند که کوه‌ها سطحی هستند، ولی الان به این نتیجه رسیده‌اند

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۷۷

که قسمت عمده‌ی کوه‌ها زیر سطح زمین قرار دارد و قرآن با یک تشبیه زیبا این مطلب را چهارده قرن پیش بیان نموده است. «۱»

منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سید محمدحسین طباطبایی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۷ ق، ۲۰ جلد.

۲. تفسیر نمونه، استاد ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و دوم، ۱۳۷۴ ه‍. ش.

۳. قرآن و اسرار آفرینش، جعفر سبحانی، قم، چاپ مهر، چاپ دوم، ۱۳۵۴.

۴. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، ۱۳۷۵ ه‍. ش.

۵. دائره الفرائد در فرهنگ قرآن، دکتر محمدباقر محقق، تهران، انتشارات بعثت، چاپ اول، پائیز ۱۳۶۴.
۶. مجله‌ی مکتب اسلام، شماره ۸، سال ۱۳، شماره مسلسل ۱۵۲، شهریور ماه ۱۳۵۱.
۷. قرآن و طبیعت (راز کوه‌ها)، بی‌آزار شیرازی، موسسه انتشارات بعثت، چاپ سوم، ۱۳۵۰.
پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۷۸
۸. اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، یدالله نیازمند، تهران، کانون انتشارات محمدی، چاپ ششم، ۱۳۵۸.
۹. نهج‌البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین، قم، انتشارات سبز، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۰. زمین و آسمان در قرآن و نهج البلاغه، سید علی اشرف حسنی، تهران، انتشارات امیری، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۰.
۱۱. مطالب شگفت‌انگیز قرآن، گودرز نجفی، تهران، نشر سبحان، چاپ دوم، پاییز ۷۸.
پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۸۰

حرکت زمین از منظر قرآن و علم

پرسش:
حرکت زمین از منظر قرآن و علم. چگونگی اعجاز علمی «حرکت زمین» را با توجه به آیه‌ی ۸۸ سوره‌ی نمل توضیح دهید؟
پاسخ:
در مورد حرکت زمین به آیات متعدّدی استناد شده است که یکی از آن آیه‌ی ۸۸ سوره‌ی نمل می‌باشد. خداوند در این آیه می‌فرماید:
«وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ»؛ «و کوه‌ها را می‌بینی، درحالی که آنها را ثابت می‌پنداری، و حال آنکه آنها همچون حرکت ابرها درگذرند؛ [این ساخته خدایی است که هر چیزی را محکم ساخت؛ در حقیقت او به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.»
در مورد آیه‌ی فوق چند دیدگاه وجود دارد:
دیدگاه اول: بسیاری از مفسران «۱» معتقدند: آیه‌ی فوق اشاره به حوادث آستانه‌ی رستاخیز دارد؛ زیرا در پایان این جهان و آغاز جهان دیگر زلزله‌ها و
پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۸۱
انفجارها و دگرگونی‌های عظیم واقع می‌شود و کوه‌ها از هم متلاشی می‌گردند، این مطلب در برخی از سوره‌های آخر قرآن به طور صریح آمده است.
دلیل صاحبان این دیدگاه آن است که این آیه در میان آیات رستاخیز قرار گرفته است و از سیاق آیات پی می‌بریم که این آیه در مورد رستاخیز است. «۱»
دیدگاه دوم: بعضی از فلاسفه‌ی اسلامی آیه را ناظر به «حرکت جوهری» اشیاء دانسته‌اند و آن را هماهنگ و مؤید نظریه‌ی معروف «حرکت جوهری» می‌دانند. «۲»
علامه طباطبائی می‌نویسد: تمامی موجودات با جوهره‌ی ذاتشان به سوی غایت وجود خود در حرکتند و این همان معنای حشر و رجوع به سوی خدای سبحان است. و این معنا به خاطر اشاره‌ای که در جمله‌ی «تحسبها جامده؛ تو آنها را جامد می‌پنداری» وجود دارد مناسب‌ترین معناست. «۳»
و نیز در تفسیر «احسن الحدیث» آمده است ممکن است منظور آیه حرکت جوهری باشد چنانکه صدر المتالهین شیرازی گفته است.

«۴»

دیدگاه سوم: بعضی از مفسرین و دانشمندان این آیه را در مورد حرکت زمین می‌دانند؛ و برخی از آنها این آیه را از جمله‌ی «معجزات علمی «۵» قرآن» می‌شمارند که به نقل کلام آنها می‌پردازیم:

پرسش و پاسخهای قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۸۲

۱. تفسیر مخزن العرفان: صاحب تفسیر مذکور می‌نویسد: بنابر دستاوردهای علمی جدید که، زمین دائم به دور خورشید می‌چرخد؛ معنای آیه خوب واضح می‌گردد زیرا آیه مقیّد به قیامت نشده است و به حرکت زمین اشاره دارد؛ زیرا چون کوه‌ها از اجزای زمین هستند و با زمین حرکت می‌کنند و چون زمین جسم سنگینی است و به یک سمت حرکت می‌کند حرکت آن نامحسوس است. در ادامه، این آیه را یکی از معجزات قرآن بر می‌شمارد و دلیل خود را این چنین بیان می‌کند: دروقت نزول قرآن اهل هیئت، اتّفاق نظرداشتند که خورشید هر شبانه روز یک بار دور زمین می‌چرخد. و این آیه خبر می‌دهد که کوه‌ها که از اجزای زمینند، حرکت می‌کنند. «۱»

سپس دو جواب از دیدگاه اوّل می‌دهد:

الف. در قیامت دیگر کوهی باقی نمانده است. که به صور (: شیپور) اسرافیل قبل از قیام ساعت، موقعی که زمین به حرکت در می‌آید آن کوه‌ها حرکت کند چنانکه خداوند در سوره‌ی واقعه می‌فرماید: «إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجّاً وَبُسَّتِ الجِبَالُ بَسّاً» «در آن وقت کوه‌ها پراکنده گردیده‌اند و اثری از آن‌ها باقی نمانده است.» «۲»

ب. ادامه‌ی آیه «صُنْعَ اللَّهِ الَّذِی اتْقَنَ کُلَّ شَیْ‌ءٍ إِنَّهُ خَبِیرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ»؛ حرکت زمین را تایید می‌کند. زیرا «اتقان» به معنای استحکام و محکم کاری است نه

پرسش و پاسخهای قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۸۳

تخریب و اعدام، و بنابر اینکه آیه در مورد قیامت باشد، با اتقان و محکم کاری سازگار نیست زیرا بنابر توجیه مفسّرین در قیامت کوه‌ها پراکنده و خراب می‌شوند تا اینکه با زمین یکی گردند و صحنه‌ی محشر صاف گردد. «۱»

۲. تفسیر المیزان: علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان دیدگاه اوّل را بیان می‌کند و سپس در ادامه می‌نگارد: دو قول دیگر هم در آیه وجود دارد یکی اینکه آیه را بر حرکت جوهری حمل کرده‌اند (که در دیدگاه دوم مطرح شد) و دیگر اینکه آیه را بر حرکت انتقالی زمین حمل کرده‌اند و این معنا از نظر آیه- فی نفسها- معنای خوبی است ولی دو اشکال متوجّه آن است:

الف. بنابراین معنا، آیه‌ی شریفه از ما قبل و ما بعدش، که مربوط به قیامت است، بریده و بی‌ارتباط می‌شود.

ب. با این بریدگی ارتباط جمله «انّه خبیرٌ بما تفعلون» به ما قبلش نیز به هم می‌خورد. «۲» ولی با این حال علامه طباطبایی در مقدمه‌ی کتاب اعجاز قرآن، از آیه‌ی ۸۸ سوره‌ی نمل حرکت انتقالی زمین را استفاده می‌کنند. «۳»

۳. تفسیر نمونه: صاحب تفسیر نمونه می‌نویسند: قرائن فراوانی در آیه وجود دارد که تفسیر دیگری را تایید می‌کند و آن اینکه آیه از قبیل آیات توحید و نشانه‌های عظمت خداوند در همین دنیاست و به حرکت زمین که برای ما محسوس نیست، اشاره می‌کند. «۴»

پرسش و پاسخهای قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۸۴

مسلّماً حرکت کوه‌ها بدون حرکت زمین که به آن‌ها متّصل است معنا ندارد. و بدین ترتیب معنای آیه چنین می‌شود: «زمین با سرعت حرکت می‌کند همچون حرکت ابرها» طبق محاسبات دانشمندان امروز، سرعت سیر حرکت زمین به دور خود، نزدیک به ۳۰ کیلومتر در هر دقیقه است، و سیر آن در حرکت انتقالی به دور خورشید، از این هم بیشتر است.

از این رو آیه‌ی فوق از «معجزات علمی قرآن» است زیرا حرکت زمین توسط «گالیله» ایتالیایی و «کپرنیک» لهستانی در اواخر قرن ۱۶ و اوایل قرن ۱۷ میلادی کشف شد در حالی که قرآن بیش از هزار سال قبل از آن سخن گفته است. «۱»

ایشان در ردّ دیدگاه اوّل می‌نویسند: تشبیه به ابر و حرکت آرام که در ادامه‌ی آیه هست، متناسب با برقراری نظم جهان و آرامش فعلی آن است و نه حوادث قیامت؛ و از طرفی تعبیر «گمان می‌کنی کوه‌ها جامدند» با حوادث قیامت که آشکار است، ناسازگار است. «۲»

ایشان در ردّ دیدگاه دوم (حرکت جوهری) می‌نویسند: تعبیرات آیه با آن سازگار نیست، زیرا تشبیه به حرکت ابرها تناسب با حرکت در مکان (حرکت در اینْ) دارد نه حرکت در جوهر، بنابراین ظاهر آیه فقط یک تفسیر را می‌پذیرد و آن هم حرکت میکانیکی زمین (به دور خود یا به دور خورشید) است. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۸۵

۴. تفسیر اطیب البیان: این آیه‌ی شریفه یکی از معجزات قرآن است که دلیل بر حرکت کره‌ی زمین است که در عصر نزول قرآن کسی به حرکت زمین قائل نبود. «۱»

۵. تفسیر احسن الحدیث: تعبیر «تحسبها جامده» حاکی از آن است که کوه‌ها فعلًا نیز بی‌حرکت نیستند، ما آن‌ها را بی‌حرکت می‌بینیم. ایشان سه احتمال دیگر را نیز مطرح کردند، مانند:

الف. منظور از آن ممکن است حرکت جوهری باشد چنانکه صدرالمتألهین شیرازی گفته است.

ب. شاید حرکت وضعی، زمین باشد که کوه‌ها نیز با آن حرکت می‌کنند.

ج. احتمال دیگر آن است که پوسته‌ی زمین بر روی هسته‌ی مرکزی آن حرکت می‌کند، چنانکه برخی دانشمندان گفته‌اند. «۲»

۶. قاموس قرآن: ممکن است مراد از آیه، حرکت وضعی و انتقالی زمین باشد که در هر دو حرکت کوه‌ها نیز بالتبع رواننـد و اگر اشکال شود که کوه‌ها با حرکت زمین، بسیار سریع حرکت می‌کنند- در حرکت انتقالی سرعت آن بیش از ۲۹ کیلومتر در ثانیه است- در این صورت چطور به حرکت ابرها تشبیه شده که حرکت ابرها نسبت به آن کند است؟! در پاسخ می‌گوییم: شاید (وجه شبه) تشبیه در نامحسوس بودن حرکت است نه در سرعت آن؛ زیرا حرکت ابرها اغلب نامحسوس است، ولی می‌دانیم که حرکت می‌کنند. در همین کتاب (قاموس قرآن) از چند جهت به دیدگاه اوّل خدشه وارد کرده است. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۸۶

۷. سید هبه الدین شهرستانی: ایشان حرکت زمین را از آیه استفاده می‌کند و تذّکر می‌دهد که: مرحوم «علی قلی اعتضاد السلطنه» پسر «فتحعلی شاه» از این آیه، حرکت زمین را استنباط نموده و کسی در این استخراج، بر او پیشی نگرفته است.

ایشان در مورد تشبیه حرکت زمین به ابر، چند نکته را بر می‌شمارد:

الف. نرمی و همواری در عین سرعت.

ب. اختلاف حرکت ابرها که گاهی به طرف شرق و غرب و ... مثل زمین که حرکت‌های مختلف دارد.

ج. بدون لرزش بودن هر دو حرکت. «۱»- «۲»

بررسی:

دیدگاه اوّل براساس تفسیر ترتیبی است که در تفسیر ترتیبی با توجه به حفظ جایگاه آیه و همچنین با استفاده از سیاق آیه، مفسر به تفسیر آیه می‌پردازد و نظر نهایی را بیان می‌دارد هر چند مطالبی در ردّ این دیدگاه آمد.

دیدگاه دوم یک دیدگاه فلسفی است و استاد مکارم شیرازی نیز آن را ردّ نمودند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۸۷

در دیدگاه سوم همه به حرکت زمین قائل بودند؛ بعضی حرکت انتقالی و بعضی حرکت وضعی و برخی دیگر به حرکت پوسته‌ی زمین و برخی هم به حرکت کلی زمین.

به نظر می‌رسد استفاده‌ی حرکت انتقالی زمین از آیه‌ی مورد بحث، مناسبت دارد، زیرا کوه‌ها را به ابر تشبیه کرده است، و ابر حرکت انتقالی به دور زمین دارد ولی حرکت دورانی (وضعی) به دور خود ندارد؛ پس از این تشبیه قرآنی حرکت وضعی زمین استفاده نمی‌شود. «۱»

نتیجه گیری:

۱. با توجه به مطالب گذشته می‌توان نتیجه گرفت که اجمالًا حرکت زمین مورد پذیرش قرآن می‌باشد. «۲»

۲. تعبیرات قرآن و اشارات علمی آن به حرکت زمین، بر خلاف نظر هیئت بطلیموسی می‌باشد که حاکم بر فضای علمی زمان نزول قرآن بوده است؛ زیرا در هیئت بطلیموسی، زمین را ساکن و مرکز جهان می‌دانستند؛ اما قرآن از حرکت آن سخن گفته است؛ و این یکی از مطالب علمی حق و صادق قرآن بود که حدود ۹ قرن بعد از نزول آنها توسط امثال «کپرنیک» به اثبات رسید. «۳»

۳. خبر دادن قرآن از حرکت زمین علاوه بر عظمت قرآن یکی از «شگفتی‌های علمی قرآن» محسوب می‌شود ولی اعجاز علمی قرآن نیست؛

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۸۸

زیرا افرادی مثل فیثاغوریس، فلوته خوس، ارشمیدس، استرخوس، ساموسی، کلیانتوس و آسوسی قبل از بطلیموس به حرکت زمین قائل بودند. پس قبل از ظهور اسلام دو دیدگاه در محافل علمی جهان در مورد حرکت و سکون زمین بوده است که دیدگاه حاکم و مشهور، همان سکون زمین یعنی نظریه بطلیموس بود، و دیدگاه مغلوب، همان حرکت زمین بود. «۱»

اعجاز علمی وقتی صادق است که قرآن نظریه‌ای را ابراز کند و کسی نتواند مثل و مانند آن را به صورت عادی بیاورد. در حالی که نظریه‌ی حرکت زمین قبل از قرآن آورده شده بود، ولی مشهور نبود، هر چند که این مطلب، ضرری به عظمت قرآن نمی‌زند زیرا قرآن در عصری که دانشمندان، مقهور نظریه‌ی سکون زمین بطلیموس بودند شجاعانه و با صراحت، بر خلاف آن، سخن گفت و مطالب علمی حق و صادقی را به جهان عرضه کرد که قرن‌ها بعد به صورت قطعی به اثبات رسید. «۲»

برای مطالعه بیشتر می‌توانید به کتاب‌های زیر مراجعه کنید:

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سید محمدحسین طباطبایی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۷ ق.

۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب، تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۳۶۶ ش.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۸۹

۳. تفسیر احسن الحدیث، سید علی‌اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی، بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.

۴. مخزن العرفان درعلوم قرآن (مخزن العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱.

۵. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، امین الدین ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی الطوسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ ق.

۶. جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابو المحاسن الحسین بن الحسن الجرجانی، تهران چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۳۷ ش.

۷. منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح الله کاشانی، تهران، کتابفروشی اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۴۴.

۸. کشف الحقایق عن نکات الایات و الدقائق (کشف الحقایق)، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید صادق نوبری، چاپ سوم، ۱۳۹۶ ق.

۹. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و همکاران، ناشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۴ ش.

۱۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی‌اصفهانی، انتشارات کتاب مبین، چاپ چهارم، ۱۳۸۴.

۱۱. پیام قرآن، آیت الله مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۷۷.

۱۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، تهران، دارالکتب اسلامیه، چاپ هفتم، ۱۳۷۵ ه‍- ش.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۹۰

فصل هفتم: قرآن و ریاضیات

اشاره

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۹۲

اعجاز عددی قرآن چیست؟

پرسش:

اعجاز عددی قرآن چیست؟ تاریخچه و منابع آن را بیان کنید. پاسخ:

تاریخچه:

برخی از صاحب‌نظران در چند دهه‌ی اخیر بعد دیگری برای اعجاز قرآن بیان کرده‌اند که همان اعجاز عددی قرآن است و بر این باورند که یک نظام ریاضی خاصی بر قرآن حاکم است. هر چند در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن»، رد پای این فکر دیده می‌شود. «۱»

اولین بار شخصی که به طور صریح این ادعا را مطرح کرد، دانشمندی به نام «دکتر رشاد خلیفه» بود. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۹۳

در اینجا به طور «اجمال» و «تفصیل» به سیر تاریخی اعجاز عددی قرآن می‌پردازیم:

الف. سیر اجمالی نگارش‌ها در زمینه‌ی اعجاز عددی:

۱. اعجاز حروف مقطعه و طرح بحث اعجاز عدد ۱۹

دکتر رشاد خلیفه ۱۳۵۱- ۱۹۶۲۲. تکمیل بحث اعجاز عدد ۱۹ و طرح بحث اعجاز تناسب عددی تکرار واژه‌هاعبدالرزاق نوفل ۱۳۶۴- ۱۹۷۵۳. اعجاز عدد زوج و فردکورش جم نشان ۱۳۷۵۴. اعجاز عدد هفتعبدالدائم الکحیل ۱۳۸۱- ۲۰۰۲ ب. تفصیل سیر تاریخی اعجاز عددی قرآن: ۱. اعجاز حروف مقطعه قرآن:

چندی قبل مجله‌ی معروف مصری «۱» به نام (آخر الساعه) گزارشی درباره‌ی تحقیقات دانشمندی مصری در مورد تفسیر پاره‌ای از آیات قرآن مجید به کمک کامپیوتر منتشر ساخت که اعجاب همگان را در نقاط مختلف جهان برانگیخت. این تحقیقات محصول سه سال کوشش پیگیر و کار مداوم دکتر رشاد خلیفه (۱۹۶۲ م) شیمیدان مصری بود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۹۴

۲. اعجاز عددی ۱۹:

عبدالرزاق نوفل (۱۹۷۵ م) تحقیقات دکتر رشاد خلیفه را ادامه داد، ایشان به نتیجه‌ی جالب دیگری رسید- با عنوان اعجاز عدد ۱۹- ایشان می‌گوید: چون (بسم الله الرحمن الرحیم) دارای ۱۹ حرف است پس نظام ریاضی خاصی براساس عدد ۱۹ بر قرآن حاکم است.

برای مثال چند نمونه ذکر می‌کنیم:

الف. تعداد (ق) هایی که در سوره‌ی (ق) وجود دارد؛ ۵۷ مورد است که یکی از مضرب‌های عدد ۱۹ می‌باشد. (۳: ۵۷* ۱۹)

ب. عدد کلمات اوّلین آیاتی که بر پیامبر نازل شده، ۱۹ کلمه است. «۱»

۳. تناسب تکرار واژه‌ها در قرآن:

عبدالرزاق نوفل بعداً تناسب عددی تکرار واژه‌ها را در قرآن مطرح نمود ایشان معتقد است که کلماتی که مترادف یا متضاد هستند به تعداد مساوی در قرآن تکرار شده است. مانند:

کلمه‌ی «دنیا» و «آخرت» هر کدام ۱۱۵ بار.

واژه‌ی یوم ۳۶۵ بار.

کلمه شیطان و ملائکه هر کدام ۶۸ بار.

جهنم ۷۷ و جنات با مشتقات ۷۷ بار.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۹۵

۴. اعجاز زوج و فرد:

اعجاز زوج و فرد در قرآن کریم توسط «کورش جم نشان» (۱۳۷۵ ه-) مطرح شده است. ایشان با توجه به آیه‌ی سوم سوره‌ی فجر «۱» که خداوند متعال به زوج و فرد سوگند یاد کرده می‌گوید: شاید یک نظام عددی برمبنای زوج و فرد در قرآن کریم وجود داشته باشد.

در نهایت ایشان به این نتیجه رسیده است که جمع اعداد زوج، مساوی با جمع تعداد آیات قرآن، یعنی ۶۲۳۶ می‌باشد و جمع اعداد فرد، مساوی ۶۵۵۵ است که حاصل جمع شماره‌ی سوره‌ها می‌باشد. بدین ترتیب نمونه دیگری از اعجاز عددی قرآن را ثابت می‌کند. «۲»

۵. اعجاز عدد هفت:

اعجاز «عدد هفت» توسط مهندس عبدالدائم الکحیل (۲۰۰۲ م) مطرح شده است. ایشان با استفاده از آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی طلاق که خداوند می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَماوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ»؛ نتیجه می‌گیرد که باید بین عدد هفت و تعالیم قرآن ارتباطی باشد، برای مثال می‌گوید:

نص قرآن

بسم الله الرحمن الرحیم عدد حروف هر کلمه ۷: ۳۴۶۶۹۴۶ ۶۶۴۳ قرآن

تنزیلا لعزیز الرحیم عدد حروف هر کلمه ۷: ۵۶۶۹۵ ۶۶۵

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۹۶

ایشان معتقد است که اگر تعداد حروف کلمات هر آیه را کنار هم بگذاریم، یکی از مضرب‌های عدد هفت می‌باشد.

یادآوری:

برخی از مطالب اعجاز عددی صحیح و قابل قبول است امّا برخی دیگر سلیقه‌ای و مطابق با واقع نیست. به عنوان نمونه:

الف. در مورد حروف مقطعه‌ی (ن) دراول سوره‌ی (ن و القلم) گفته شده است که تعداد تکرار آن ۱۳۳ مرتبه است. که براساس این شمارش یکی از مضرب‌های عدد ۱۹ می‌باشد (۷: ۱۳۳* ۱۹) در حالی که در شمارش دقیق به این نتیجه می‌رسیم که حرف «ن» در این سوره ۱۳۱ مرتبه است.

ب. در مورد تناسب تعداد تکرار کلمات قرآن، معیار دقیقی وجود ندارد چون بعضی کلمات با مشتقات آن حساب شده و بعضی بدون مشتقات، مانند: جهنّم و جنّات.

ج. در مورد اعجاز عدد هفت در شمارش حروف کلمات مخصوصاً شمارش حرف همزه اشکالاتی وجود دارد؛ چون در بعضی

موارد همزه به حساب آمده و در بعضـی موارد حساب نشده است. این اختلاف‌ها به خاطر این است که معیار و قانونی برای شمارش وجود ندارد.

نتیجه: با توجّه به آنچه بیان شد اعجاز عددی قرآن در موارد ادعا شده نیاز به بررسی بیشتر دارد؛ از این رو باید گفت: اعجاز عددی قرآن اجمالًا و در برخی از موارد ادعا شده پذیرفته شده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۹۷

معرفی منابع:

۱. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ج ۲، آیه‌ی اوّل سوره‌ی آل عمران.

۲. قرآن و اسرار آفرینش، (تفسیر سوره‌ی رعد) استاد جعفر سبحانی، ۱۳۶۲، چاپ امیرالمومنین، انتشارات توحید، قم، ص ۱۵- ۴۶.

۳. تنـاسب آیـات، آیت الله محمـدهادی معرفت، ترجمه شـیخ عزت الله مولایی‌نیـا همـدانی، ۱۳۷۳، چـاپ دانش، ناشـر بنیاد معارف اسلامی، ص ۱۵۱- ۱۶۲.

۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی‌اصفهانی، جلد اول، چاپ اوّل، ۱۳۸۰، ناشر کتاب مبین، ص ۲۱۹- ۲۳۲.

۵. سلسله الاعجـاز الرقمی، معجزه القرآن فی عصـر المعلومـاتیه، مهنـدس عبدالـدائم الکحیل، چاپ اول، ۲۰۰۲ م، انتشـارات علمیه، دمشق.

۶. اعجاز عددی قرآن کریم و ردّ شبهات، محمود احمدی، ۱۳۷۱ چاپ اول، انتشارات مسعود احمدی.

۷. اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم، بسّام نهاد جرّار، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ه- ۱۹۹۴، ناشردارالنفائس.

۸. عجائب العدد و المعدود فی القرآن الکریم، جمیل دیباچه، چاپ اول ۱۴۱۹ ه- ۱۹۹۹ م، ناشر مجه البیضاء، بیروت.

۹. من الاعجاز البلاغی و العددی للقرآن الکریم، دکتر ابوزهراء النجدی، تاریخ ۱۴۱۰ ه-، ۱۹۹۰ م.

۱۰. المنظومات العـددیه فی القرآن العظیم، مهنـدس مصـطفی ابوسـیف، مهندس احمد عبدالوهاب، ۱۴۱۸ ه-، ۱۹۹۸ م، ناشـر مکتبه وهبه.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۹۸

رابطه حروف مقطعه قرآن با ریاضیات چیست؟

پرسش:

رابطه حروف مقطعه قرآن با ریاضیات چیست؟ پاسخ:

برخی از صاحب‌نظران در چند دهه‌ی اخیر، ادعا کردند که یک نظام ریاضی خاصی بر قرآن حاکم است. یکی از آن‌ها «دکتر رشاد خلیفه» شیمیدان مصری بود. او برای تحقیقات خود مدّت‌ها از رایانه استفاده نمود.

تمـام کوشـش استـاد مزبـور برای کشـف معـانی حروف مقطعـه قرآن، ماننـد (الم- یس- ق و ...) صـورت گرفته است او بـا کمک محاسـبات پیچیـده‌ای ثـابت کرد که رابطه‌ی نزدیکی میـان حروف مزبور با حروف سوره‌ای که در آغاز آن قرار گرفته است، وجود دارد.

دکتر رشاد خلیفه می‌نویسـد: می‌دانیم قرآن مجید ۱۱۴ سوره دارد، که از میـان مجموع این سوره‌ها، ۲۹ سوره در آغـاز آنها حروف مقطعـه قرار دارد. جـالب اینجـا اسـت کـه اگر مکررات آن را حـذف کنیم درست نصـف حروف ۲۸ گـانه الفبای عربی را تشـکیل می‌دهد. (یعنی أ- ح- ر- س- ص- ط- ع- ق- ک- ل- م- ن- ه-- ی) که گاهی آن را حروف نورانی می‌نامند.

اینک توجه شما را به نتایج جالبی که دکتر رشاد خلیفه رسیده است جلب می کنیم:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۱۹۹

۱. حروف مقطعه یک حرفی: نسبت حرف (ق) در سوره‌ی (ق) از تمامی سوره‌های قرآن بـدون اسـتثناء بیشتر است و نیز محاسـبات نشـان داد که حرف (ص) در سوره‌ی (ص) چنین است، یعنی مقـدار آن به تناسب مجموع حروف از هر سوره‌ی دیگر بیشتر است و نیز حرف (ن) در سوره‌ی (ن و القلم). «۱»

۲. حروف مقطعه چنـد حرفی: اگر چهـار حرف (المص) را در آغـاز سوره‌ی اعراف در نظر بگیریم، اگر الف‌هـا و لام‌هـا و میم‌هـا و صادهـایی که در این سـوره وجـود دارد را بـا هم جمع کنیم و نسبت آن را بـا حروف این سوره بسـنجیم خواهیم دیـد که از تعـداد مجموع آن در هر سوره‌ی دیگر بیشتر است.

همچنین (المر) در آغاز سوره‌ی رعد و (کهیعص) در آغاز سوره‌ی مریم.

۳. تـاکنون بحث دربـاره‌ی حروفی بود که تنها در آغاز یک سوره‌ی قرآن قرار داشت. اما حروفی که در آغاز چنـد سوره قرار دارد، ماننـد: (الر- الم)، شـکل دیگری دارد و آن اینکه بر طبـق محاسبات کـامپیوتر مجمـوع این سه حرف مثلًا (الف- لام- میم) اگر در مجموع سوره‌هایی که با الم آغاز شـده است حساب شود و نسبت آن با مجموع حروف این سوره‌ها به دست آید، از میزان هر یک از سوره‌های دیگر قرآن بیشتر است. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۰۰

۴. محاسبات کـامپیوتری نشـان داد که حاصل جمع حروف مقطعه در هر سوره، یکی از مضـرب‌های عـدد ۱۹ می‌باشد برای روشن شدن مطلب به جدول زیر توجه فرمایید. «۱»

این جدول تمام حروف مقطعه اوائل سوره‌های قرآن را نشان می‌دهد.

حروف

شماره حروف در سوره‌های آنآخر تقسیمشان بر ۱۹ ا ۱۷۴۹۹۱۷۴۹۹ :۹۲۱ ۱۹ ل ۱۱۷۸۰۱۱۷۸۰ :۶۲۰ ۱۹ م ۸۶۸۳۸۶۸۳ :۴۵۷ ۱۹ ر ۱۲۳۵۱۲۳۵ :۶۵ ۱۹ ص ۱۵۲۱۵۲ :۸ ۱۹ ح ۳۰۴۳۰۴ :۱۶ ۱۹ ق ۱۱۴۱۱۴ :۶ ۱۹ ن ۱۳۳۱۳۳ :۷ ۱۹ ط س ۴۹۴۴۹۴ :۲۶ ۱۹ ط ه- ۵۸۹۵۸۹ :۳۱ ۱۹ ی س ۹۶۹۹۶۹ :۵۱ ۱۹ ع س ق ۷۲۲۷۲۲ :۳۸ ۱۹

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۰۱

ح م

۸۹۸۷۸۹۸۷ :۴۷۳ ۱۹ ا ل م ۳۷۹۶۲۳۷۹۶۲ :۱۹۹۸ ۱۹ ا ل ر ۳۰۵۱۴۳۰۵۱۴ :۱۶۰۶ ۱۹ ط س م ۹۱۷۷۹۱۷۷ :۴۸۳ ۱۹ ا ل م ر ۳۹۱۹۷۳۹۱۹۷ :۲۰۶۳ ۱۹ ا ل م ص ۳۸۱۱۴۳۸۱۱۴ :۲۰۰۶ ۱۹ جمعاً ۲۰۶۶۲۵۲۰۶۶۲۵ :۱۰۸۷۵ ۱۹

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۰۲

ردیف

سوره‌هاشـماره‌ی سوره هـاآیه هـایی حروف مقطع هـا ل مرصـحط سه- یعقنـک جمع حروف در سوره‌هـا ۱ البقره ۲ أ ل م ۹۹۹۱۲ ۰۴۲۱۹۵ ۴۵۹۲۳۲ آل عمران ۳ أ ل م ۵۱۵۷۱۴۳ ۸۸۵۱۲ ۲۵۷۸۱ الاعراف ۷ أ ل م ص ۵۲۵۸۴ ۱۱۶۰۹۸ ۳۱۵۲۳ ۲۵۷ یونس ۱۰ أ ل ر ۲۲۵ ۷۲۵ ۱۲۲۵ ۱۳۵۳۹ هود ۱۱ أ ل ر ۵۱۴۶ ۳۲۴۲ ۲۷۸۸ ۱۴۰ یوسف ۱۲ أ ل ر ۸۲۴۰۵۷ ۸۱۲۲۵ ۱۳۳۵ الرعد ۱۳ أ ل م ر ۷۱۵۰۱۸ ۹۲۶۰۱۳ ۱۲۵۴۷ ابراهیم ۱۴ أ ل ر ۰۱۲۰۶۹ ۴۵۲۱۶ ۳۹۴ الحجر ۱۵ أ ل ر ۲۵ ۹۹۹ ۵۰۳۳۲۳

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۰۳

۱۰

مریم ۱۹ ک ه- ی ع س ۷۹۸۱۱ ۲۱۳۷ ۴۵۱۲ ۲۶۱۶۸۳ طه ۲۰ ط ه- ۲۴۲۱۲ ۲۸۳۱۴ الشعراء ۲۶ ط س م ۳۶۱۵۱۳ ۴۸۹۳۳۹ النمل ۲۷

ط س ۲۷۹۲۱۲۰۱۴ القصص ۲۸ ط س م ۴۶۱۱۹۱۰۰۵۸۰۱۵ العنکبوت ۲۹ أ ل م ۷۸۴۵۵۴۳۴۷۱۶۸۵۱۶ الروم ۳۰ أ ل م ۵۴۵۳۹۶۳۱۸۱۲۵۹۱۷ لقمان ۳۱ أ ل م ۳۴۸۲۹۸۱۷۷۸۲۲۱۸ السجده ۳۲ أ ل م ۲۶۸۱۵۴۱۵۸۵۸۰۱۹ یس ۳۶ ی س ۴۸۲۳۷۲۸۵۲۰ ص ۳۸ ص ۲۸۲۸

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۰۴

۲۱

غافر ۴۰ ح م ۳۸۹۶۴۴۵۳۲۲ فصلت ۴۱ ح م ۲۷۶۵۸۳۳۴۲۳ الشوری ۴۲ حم‌ع‌س‌ق ۳۰۸۵۳۵۲۹۹۵۷۵۷۰۲۴ الزخرف ۴۳ ح م ۲۶۲۲۵ ۳۱۷۴۵ الدخان ۴۴ ح م ۱۶۱۲۶ ۱۴۵۱۶ الجاثیه ۴۵ ح م ۲۳۱۲۷ ۲۰۰۳۱ الاحقاف ۴۱ ح م ۲۶۴۲۸ ۲۲۷۳۷ ق ۵۰ ق ۵۷۵۷۲۹ القلم ۶۸ ن ۱۲۳۱۲۳ جمعاً ۷۴۱۸۱۶ ۱۱۱۴۱۲۳۱۳ ۸۲۵۸۲۲۲ ۱۰۷۳۸۷۴ ۱۵۲۳۰۴ ۳۱۲۱۵ ۷۸۰۸۶۸ ۱۷۴۹۹۱۱

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۰۵

نتیجه گیری:

تعداد زیادی از دانشمندان مسلمان نظم ریاضی قرآن را دنبال کرده و به نتایج قابل توجهی رسیده‌اند، هر چند برخی محاسبات آنها خطا بوده و یا با اعمال سلیقه و ذوق شخصی همراه بوده است.

در مقابل، گروه دیگری از نویسندگان و صاحب‌نظران قرآنی، این مطالب را نمی‌پذیرند و برخی محاسبات آنان را خطا می‌دانند.

از سخنان هر دو طرف استفاده می‌شود که نظم ریاضی قرآن، به صورت موجبه جزئیه (یعنی در برخی از موارد ادعا شده) مورد پذیرش موافقان و مخالفان اعجاز عددی واقع شده است و این مطلب از شگفتی‌های علمی قرآن به شمار می‌آید. اما به صورت موجبه کلیّه (یعنی در همه‌ی موارد ادعا شده) مورد قبول نیست. «۱»

اعجاز عددی و اشکالات آن:

کسانی که اعجاز عددی را قبول ندارند، به مطالب زیر استناد کرده‌اند:

۱. قرآن از طریق قرآن شناخته می‌شود و در این طریق سخنی از اعجاز عددی نیست.

قسمتی از آیات قرآن که ماهیت قرآن را معرفی می کند عبارتند از:

«ذلِکَ الْکِتَابُ لَا رَیْبَ فِیهِ هُدیً لِلْمُتَّقِینَ» «۲» پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۰۶

آن کتاب [با عظمت هیچ تردیدی در آن نیست. [و] راهنمای پارسایان (خود نگهدار) است.

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ هُدیً لِلنَّاسِ وَبَیِّنَاتٍ مِنَ الْهُدی وَالْفُرْقَانِ» «۱» ماهِ رمضان (ماهی است) که قرآن در آن فرو فرستاده شد، در حالی که [آن قرآن راهنمای مردم و نشانه‌هایی از هدایت و جدا کننده [حق از باطل است.

«إِنَّ هذَا الْقُرْآنَ یَهْدِی لِلَّتی هِیَ أَقْوَمُ» «۲» در حقیقت این قرآن، بدان (شیوه‌ای) که آن پایدارتر است، راهنمایی می کند؛

چنانکه ملاحظه می کنید قرآن خود را نور، حکمت، علم، ذکر، هدایت و موعظه ... معرفی می کند و همه‌ی این عناوین در پرتو توجّه به محتوای قرآن و پیروی از رهنمودهای آن میسر می‌شود نه از طریق دقّت در ساختار لفظی و کشف تناسب و توازن حروف و کلمات این کتاب آسمانی. بنابراین در هیچ جای قرآن حتّی به طور تلویحی نیز به اینگونه کاوش‌ها دعوت نشده‌ایم.

یکی از داستان‌های عبرت‌انگیز قرآن داستان «اصحاب کهف» است. قرآن بعد از ذکر داستان آنها، اظهار تاسف می کند که چرا مردم به جای اینکه به پیام این قصه توجّه کنند و راه اصحاب کهف را بپیمایند خود را مشغول مطالب حاشیه‌ای و فرعی قصه نموده‌اند و بر سر تعداد اصحاب کهف با هم جدال می کنند. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۰۷

۲. آیا حدیثی از معصومین (ع) به ما رسیده است که قرآن را کتابی اسرارآمیز، معماگونه و حاوی فرمول‌های ریاضی و از مقوله‌ی

رمل و جفر معرفی کرده باشد. پاسخ منفی است. هرگز در بیانات امامان معصوم و سیره‌ی عملی آنها مشاهده نشده است که قرآن را از این منظر بنگرند، و مطالبی هر چند تلویحی در مورد تعداد حروف و کلمات قرآن و روابط ریاضی بین آنها، بیان نموده باشند. در احادیث نیز قرآن را علم، حکمت و نور خوانده شده است.

۳. «رشاد خلیفه» در مورد حروف مقطعه به این نتیجه می‌رسد که همواره معدل تکرار حروف مقطعه در سوره‌ای خاص، از معدل تکرار حروف دیگر بیشتر است. چنانکه در سوره‌ی (ق) حرف (ق) معدلی بالاتر از سایر حروف در این سوره، و سایر سوره‌های دیگر قرآن دارد؛ و یا حرف (ن) در سوره‌ی (ن و القلم) بزرگ‌ترین رقم نسبی را دارد.

اگر آمارها با موارد نقض روبرو نمی‌شد ما هم با ایشان و سایر پیروان «تئوری نظم ریاضی قرآن» هم عقیده می‌شدیم اما در اینجا با استثناهای فراوانی روبرو می‌شویم. برای مثال:

۱. تعداد تکرار حروف (ق) در سوره‌های «الشمس» و «القیامه» و «الفلق»، در حدّی است که معدل تکرار آن از معدل تکرار (ق) (در سوره‌ی «ق») بیشتر می‌باشد.

۲. در سوره‌ی «طه» که دو حرف (ط+ ه) وجود دارد با پنج استثناء روبرو می‌شویم: ۱. حج ۲. نور ۳. فتح ۴. مجادله ۵. توبه

۳. در مورد سوره‌ی «یس»، نتیجه برعکس است. یعنی یاء و سین کمترین تکرار را به خود اختصاص داده‌اند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۰۸

۴. در مورد حرف (ن) در سوره‌ی (ن و القلم) می‌بینیم تکرار آن در سوره‌ی «حجر» بیشتر از تکرار آن در سوره‌ی (ن و القلم) است. «۱»

در مورد مضرب‌های عدد ۱۹ اشکالات فراوانی وجود دارد که ما به چند مورد اشاره می کنیم:

۵. حرف مقطعه‌ی (ن) در اول سوره‌ی (ن و القلم) ۱۳۱ مورد است، که در این صورت از مضرب‌های عدد ۱۹ نمی‌باشد. در حالی که قائلین به اعجاز عدد ۱۹ می گویند: ۱۳۳ مورد است. (۱۹: ۱۳۳* ۷)

۶. در سوره‌ی طه مجموع ط+ ه ۲۳۹ مورد است، نه ۳۴۲ و ۲۳۹، یکی از مضرب‌های عدد ۱۹ نمی‌باشد.

۷. در شمارش حرف (ل) در چهار مورد اشتباه صورت گرفته است:

الف: آیه ۲۱ سوره‌ی «روم» که در این آیه ۷ مورد لام شمارش شده در حالی که ۸ مورد می‌باشد.

ب: آیه‌ی ۵۸ سوره‌ی «یونس» که در این آیه ۵ مورد لام شمارش شده در حالی که ۶ مورد است.

ج: آیه‌ی ۷۰ سوره‌ی «هود» که در این آیه ۸ مورد لام شمارش شده در حالی که ۹ مورد است.

د: آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی «ابراهیم» که در این آیه ۵ مورد لام شمارش شده در حالی که ۶ مورد است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۰۹

بنابراین مجموع (ا+ ل+ م) در سوره‌ی روم یکی از مضرب‌های عدد ۱۹ نمی‌باشد و همچنین مجموع (ا+ ل+ ر) در سوره‌های هود، یونس و ابراهیم. «۱»

منابع برای مطالعه بیشتر:

۱. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۴۱۳- ۴۱۶.

۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی‌اصفهانی، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۸۰، ناشر کتاب مبین.

۳. اعجاز عددی قرآن کریم و ردّ شبهات، محمود احمدی، چاپ اول، ۱۳۷۱، انتشارات مسعود احمدی.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۱۰

چرا در قرآن کریم زن ومرد هر کدام ۲۴ بار آمده است؟ دلیل علمی یا معنوی دارد؟ توضیح دهید؟

پرسش:

چرا در قرآن کریم زن ومرد هر کدام ۲۴ بار آمده است؟ دلیل علمی یا معنوی دارد؟ توضیح دهید؟ پاسخ:

این پرسش در مورد اعجاز تناسب عددی تکرار واژه‌ها است که اولین بار توسط شخصی به نام «عبدالرزاق نوفل» مطرح شد، و بعدها توسط دانشمندان مسلمان دیگر دنبال شد و به نتایج قابل توجه‌ای رسیدند.

قائلین به «اعجاز تناسب عددی واژه‌ها» می‌گویند:

تناسب و تساوی و هماهنگی در اعداد و ارقام کلمات و موضوعات شبیه و مغایر با هم، در قرآن امری بسیار شگفت‌انگیز است. هیچ بشری برآوردن کتابی که از نظر «معنا و محتوا»، آن‌قدر متعالی باشد و در «کلمات و الفاظ» آن نیز رعایت تناسب شده باشد، قادر نیست.

این تناسب شگفت‌انگیز در شرایطی فراهم شده که قرآن در طول ۲۳ سال در شرایط گوناگون نازل شده و هر بخشی از کلمات آن در حادثه‌ی خاصی بوده است. و بعد از نزول نیز، از اصلاح و تنظیم بعدی برخوردار نبوده است.

این تساوی و توازن عددی، بدین صورت به وجود نیامده باشد که این کلمات متقابل، در همه جای قرآن در کنار هم ذکر شده و در نتیجه چنین تقابلی حاصل شده باشد. زیرا چنین تقابل و توازنی یک توازن خود به خودی (و فاقد ارزش قابل ذکر) خواهد بود. به عنوان مثال: کلمه «حیّا» مقابل «میتاً» است، در هیچ آیه‌ای از آیات قرآن به همراه آن ذکر نشده و بلکه در هیچ سوره‌ای نیز، این دو کلمه با هم

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۱۱

جمع نشده‌اند. با این حال توازن عددی میان دفعات تکرار کلمه در سرتاسر قرآن برقرار است.

برای مثال به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم: «۱»

۱. لفظ «دنیا» و مشتقاتش برابر است با لفظ «آخرت» و مشتقاتش که هر کدام ۱۱۵ بار تکرار شده است. «۲»

۲. لفظ «حیات» و مشتقاتش برابر است با لفظ «موت» و مشتقاتش که هر کدام ۱۴۵ بار تکرار شده است. «۳»

۳. لفظ «صالحات» و مشتقاتش برابر است با لفظ «سیئات» و مشتقاتش که هر کدام ۱۶۷ بار تکرار شده است. «۴»

۴. لفظ «ملائکه» و مشتقاتش برابر است با لفظ «شیاطین» و مشتقاتش که هر کدام ۸۸ بار تکرار شده است. «۵»

۵. لفظ «هدی» و مشتقاتش برابر است با لفظ «رحمه» و مشتقاتش که هر کدام ۷۹ بار تکرار شده است.

، پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۱۲

۶. لفظ «عقل» و مشتقاتش برابر است با لفظ «نور» و مشتقاتش که هر کدام ۴۹ بار تکرار شده است. «۱»

۷. لفظ «مصیبه» و مشتقاتش برابر است با لفظ «شکر» و مشتقاتش که هر کدام ۷۵ بار تکرار شده است.

۸. لفظ «ابلیس» و مشتقاتش برابر است با لفظ «استعاذه» و مشتقاتش که هر کدام ۱۱ بار تکرار شده است.

۹. لفظ «برّ» و مشتقاتش برابر است با لفظ «ثواب» و مشتقاتش که هر کدام ۲۰ بار تکرار شده است.

۱۰. لفظ «جهنم» و مشتقاتش برابر است با لفظ «جنات» و مشتقاتش که هر کدام ۷۷ بار تکرار شده است. «۲»

۱۱. لفظ «شیخ» و مشتقاتش برابر است با لفظ «طفل» و مشتقاتش که هر کدام ۴ بار تکرار شده است.

۱۲. لفظ «نسل» و مشتقاتش برابر است با لفظ «عقیم» و مشتقاتش که هر کدام ۴ بار تکرار شده است.

۱۳. لفظ «یفسد» و مشتقاتش برابر است با لفظ «ینفع» و مشتقاتش که هر کدام ۵۰ بار تکرار شده است. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۱۳

۱۴. لفظ «برهان» و مشتقاتش برابر است با لفظ «بهتان» و مشتقاتش که هر کدام ۸ بار تکرار شده است.

۱۵. لفظ «ثیاب» و مشتقاتش برابر است با لفظ «حجاب» و مشتقاتش که هر کدام ۸ بار تکرار شده است.

۱۶. لفظ «وهن» و مشتقاتش برابر است با لفظ «عزم» و مشتقاتش که هر کدام ۹ بار تکرار شده است.

۱۷. لفظ «مجنون» و مشتقاتش برابر است با لفظ «سفیه» و مشتقاتش که هر کدام ۱۱ بار تکرار شده است.

۱۸. لفظ «نشر» و مشتقاتش برابر است با لفظ «کتم» و مشتقاتش که هر کدام ۲۱ بار تکرار شده است.

۱۹. لفظ «رذیله» و مشتقاتش برابر است با لفظ «عفه» و مشتقاتش که هر کدام ۴ بار تکرار شده است.

۲۰. لفظ «عوره» و مشتقاتش برابر است با لفظ «اغضض» و مشتقاتش که هر کدام ۴ بار تکرار شده است.

۲۱. لفظ «وسطاً» و مشتقاتش برابر است با لفظ «طرفاً» و مشتقاتش که هر کدام ۵ بار تکرار شده است.

۲۲. لفظ «سعید» و مشتقاتش برابر است با لفظ «نحس» و مشتقاتش که هر کدام ۲ بار تکرار شده است. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۱۴

۲۳. لفظ «فرقان» و مشتقاتش برابر است با لفظ «بنی آدم» و مشتقاتش که هر کدام ۷ بار تکرار شده است. «۱»

۲۴. لفظ «جحیم» و مشتقاتش برابر است با لفظ «عقاب» و مشتقاتش که هر کدام ۲۶ بار تکرار شده است.

۲۵. لفظ «حساب» و مشتقاتش برابر است با لفظ «عدل و قسط» و مشتقاتش که هر کدام ۲۹ بار تکرار شده است.

۲۶. لفظ «یوم» به معنای روز با تمام مشتقاتش، ۳۶۵ مرتبه در قرآن به کار رفته که برابر با تعداد روزهای سال می‌باشد. «۲»

بررسی:

بسیاری از این آمار و ارقام که در تناسب واژگان قرآن از نویسندگان مختلف نقل شده است در مقام محاسبه، درست نیست. و نیازمند نگاه خوشبینانه است. و بر فرض صحت، نیازمند توجیهات و تکلفات فراوانی است که عملًا این تناسب‌ها را از اعجاز بودن دور می‌کند. برای مثال:

۱. در شمارش کلمه‌ی «یوم» برای اینکه به عدد ۳۶۵ برسند (عدد روزهای سال) گفته‌اند: باید «یوم» را به صورت مفرد در نظر بگیریم. زیرا اگر ایام و یومین را به حساب آوریم، به عدد مطلوب نمی‌رسیم.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۱۵

اما باز هم منظور آنها تأمین نمی‌شود زیرا یومئذٍ و یومکم و یومهم نیز باید از فهرست خارج شود در حالی که اینها هم مفرد هستند. اگر منظور ایشان از مفرد این است که به «یوم» هیچ حرفی متصل نباشد، در این صورت باید «بالیوم» و «الیوم» و «فالیوم» را نیز از فهرست خارج کرد و در این صورت آمار ما از ۳۶۵ بسیار کمتر می‌شود. خلاصه این افراد برای رسیدن به عدد ۳۶۵ از هیچ اسلوب منطقی پیروی نکرده‌اند.

۲. در مواردی که آمارشان به حد نصاب نمی‌رسد، به دنبال مشتقات آن واژه‌ی خاص رفته و می‌کوشند با اضافه کردن مشتقات نصاب لازم را تهیه کنند. و این سؤال بی‌جواب می‌ماند که چرا در بعضی موارد باید مشتقات را به حساب آوریم و در بعضی موارد فقط به آمار مفرد آن واژه بسنده کنیم. و عجیب‌تر اینکه می‌گویند: در بعضی واژه‌ها مثل: جهنم و جنات، در یکی به صورت مفرد و در دیگری به ضم مشتقات باید به مطلوب نایل شد.

۳. در مواردی نیز دو واژه‌ای در مقابل هم قرار می‌گیرند که اصلًا ربطی به هم ندارند. مثلًا واژه‌ی «یفسد» و مشتقات را شمارش می‌کنند و چون با تعداد واژه‌ی «یُصلح» برابر نیست، سراغ واژه‌ی «ینفع» می‌روند. در حالی که برای آشنایان به زبان عربی واضح است که «یفسد» در مقابل «یصلح» می‌باشد نه «ینفع». یا به جای اینکه «قلتم» را با «قلنا» بسنجند با «اقوال» مقایسه کرده‌اند: بین «مصیبت» و «شکر» چه ارتباطی هست؟ آیا در برابر مصیبت باید «صبر» نمود و یا «شکر» کرد؟ مگر قرآن نمی‌فرماید: «وَاصْبِرْ عَلَى مَا

أَصَابَکَ إِنَّ ذلِکَ مِنْ عَزِمِ الْأُمُورِ» به احتمال قوی، آقایان وقتی دیده‌انـد واژه‌ی «صبر» و مشـتقات آن (۱۰۳) با تعداد واژه‌ی مصیبت مساوی نیست، سراغ واژه‌ی «شکر» رفته‌اند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۱۶

مورد پرسش:

در مورد تکرار لفظ زن و مرد در قرآن در برخی منابع آمده است لفظ «رجل» به صورت مفرد، برابر است با لفظ «امراه» با مشتقاتش که هر کـدام ۲۴ بار تکرار شـده است. «۱» در اینجـا می‌بینیم لفـظ «رجـل» را به صورت مفرد در مقابل لفظ «امراه» با مشـتقاتش قرار داده‌اند تا نصاب لازم کامل گردد.

در حـالی کـه بـا مراجعه به «معجم المفهرس» و شـمارش کـامپیوتری کلمـات قرآن می‌بینیم که ریشه‌ی «ر ج ل» ۷۳ مرتبـه و ریشه‌ی «مرء» ۳۷ مرتبه تکرار شـده است. که در این دفعات لفظ «رجل» به صورت مفرد ۱۶ بار و لفظ «امراء» با تمام مشتقاتش ۲۸ بار تکرار شده است.

و بر فرض که تعداد تکرار لفظ «رجل» به صورت مفرد با تعداد تکرار لفظ «امراه» با تمام مشتقاتش یکی باشد، چه دلیلی وجود دارد که یکی را به صورت مفرد حساب کنیم و دیگری را با تمام مشتقاتش؟

بنابراین به نظر می‌رسد این ادعا در مورد برابری لفظ زن و مرد در قرآن صحیح نیست.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۱۸

موافقان و مخالفان اعجاز عددی چه استدلالی دارند؟

پرسش:

موافقان و مخالفان اعجاز عددی چه استدلالی دارند؟ پاسخ:

اعجاز قرآن ابعاد گوناگونی دارد، که یکی از این ابعاد، اعجاز عـددی قرآن کریم است. تا چند سال اخیر این راز علمی پنهان مانده بود و با ظهور رایانه‌هایی که دقت بالایی دارنـد، پرده از «نظم ریاضـی قرآن» برداشـته شـد. در رأس این گروه افرادی همچون رشاد خلیفه و عبدالرزاق نوفل و ... هستند.

در مقابل آنان گروه دیگری از نویسـندگان وصاحب‌نظران قرآنی، قرار دارنـد که این مطالب را نمی‌پذیرند و برخی محاسـبات آنان را خطا آلود می‌دانند. حتی برخی نویسـندگان با شدت هر چه بیشتر قسمتی از این مطالب را توطئه‌ی بهائیت معرفی می‌کنند و آن را یک جریانی انحرافی می‌دانند و در این مورد به ادعای نبوت رشاد خلیفه و کشته شدن او استشهاد می‌کنند. «۱»

در اینجا گزارشی از کتاب‌ها و نویسندگان دو گروه بیان می‌کنیم.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۱۹

الف: موافقان اعجاز عددی قرآن:

در این مورد افراد زیادی کتاب نوشته‌اند که به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱. معجزه القرآن الکریم، دکتر رشاد خلیفه:

دکتر رشاد خلیفه در خانواده‌ای از صوفیان مصـر در شـهر «طنطه» متولـد شد و درسال ۱۹۷۱ م درشـهر مکه به جرگه‌ی نائبان مکتب تصوف در آمد. او تحصـیلات جدید خود را تا کارشناسـی در دانشـکده کشاورزی «عین‌الشـمش» قاهره گذراند، و سپس کارشناسی ارشد خود را در دانشـگاه آریزونا (۱۹۵۹– ۱۹۶۱ م) آمریکا گذرانـد و دکترای خود را در دانشگاه کالیفرنیا (۱۹۶۲– ۱۹۶۴ م) در رشته بیوشیمی گیاهی دریافت کرد. «۱»

او به مدت سه سال در مورد قرآن با استفاده از رایانه تحقیق کرد و نتیجه‌ی این تحقیقات را در سال ۱۳۵۱ ش به روزنامه‌های دنیا داد. «۲»

۲. الاعجاز العددی للقرآن الکریم، عبدالرزاق نوفل:

این کتاب در سه جزء جداگانه چاپ شده است. و تحت عنوان «اعجاز عددی در قرآن کریم» توسط مصطفی حسینی ترجمه شده است. «۳»

ایشان تلاش کرده تا نظام ریاضی تکرار واژه‌ها را در قرآن نشان دهد. برای مثال:

، پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۲۰

واژه‌ی دنیا ۱۱۵ بار و واژه‌ی آخرت نیز ۱۱۵ بار آمده است.

واژه‌ی شیطان و ملائکه هر کدام ۶۸ بار در قرآن آمده است. «۱»

۳. تفسیر نمونه، آیه‌الله مکارم شیرازی:

ایشان در جلد دوم تفسیر نمونه ذیل آیه‌ی اول سوره‌ی آل‌عمران بحثی را از دکتر رشاد خلیفه به صورت مبسوط گزارش می‌کنند. ولی قضاوت در مورد صحت و سقم آن را نیازمند بررسی فراوان می‌دانند و در پایان قضاوتی نمی‌کنند.

ایشان پس از ذکر مطالب دکتر رشادخلیفه این نتایج را می‌گیرند:

الف: رسم الخط اصلی قرآن را حفظ کنید.

ب: این مطالب دلیل دیگری بر عدم تحریف قرآن است.

ج: اشارات پر معنا: در بسیاری از سوره‌هایی که با حروف مقطعه آغاز می‌شود، پس از ذکر این حروف اشاره به حقانیت و عظمت قرآن شده است مانند:

«الم. ذلِکَ الْکِتَابُ لَا رَیْبَ فِیهِ هُدیً لِلْمُتَّقِینَ» «۲» و «۳»

۴. اعجاز عددی قرآن کریم و رد شبهات، محمود احمدی.

«««

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۲۱

ایشان کوشش نموده است تا اشکالاتی را که بر اعجاز عددی و محاسبات رشادخلیفه نموده‌اند جواب دهد.

۵. اعجاز ریاضی زوج و فرد در قرآن کریم، کورش جم‌نشان:

ایشان با توجه به آیه‌ی سوم سوره‌ی فجر، که خداوند متعال به زوج و فرد سوگند یاد کرده است به فکر افتاده است که شاید یک نظام عددی بر مبنای زوج و فرد در قرآن باشد.

۶. معجزه القرآن فی عصر المعلوماتیه، المهندس عبدالدائم الکحیل:

ایشان با استفاده از آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی طلاق که خداوند می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَماوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ» نتیجه می‌گیرد که باید بین عدد هفت وتعالیم قرآن ارتباطی باشد.

ب: مخالفان اعجاز قرآن عددی قرآن کریم:

در این مورد به چند کتاب ومقاله برخورد کردیم که به آنها اشاره می‌کنیم:

۱. تسعه عشر ملکاً، بیان ان فریقه الاعجاز العددی للقرآن خدعه، حسین ناجی محمد محی الدین:

ایشان به کسانی که عدد ۱۹ را یکی از اسرار قرآن می‌دانند به شدت حمله می‌کند و آن را نوعی دروغ بستن به خدا دانسته است. سپس متذکر می‌شود که عدد ۱۹ از شعارهای بهائیان است که در نظر مسلمانان مرتد و کافر هستند.

۲. اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن، عباس یزدانی:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۲۲

ایشان در مقاله‌ای مفصل در مجله‌ی کیهان اندیشه اشکالات متعددی نسبت به برخی از کتاب‌ها و مقالاتی که اعجاز عددی را پذیرفته‌اند، مطرح می‌کند و این جریان را انحرافی دانسته که موجب سرگردانی افراد می‌شود.

۳. پژوهش در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی:

ایشان می‌نویسند:

نظم ریاضی قرآن یک مطلب شگفت‌انگیز است. چرا که یک فرد امی و درس ناخوانده در طی ۲۳ سال، کتابی با نظم خاص ریاضی آورده‌است. اما آیا می‌توان ادعا کرد که این نظم ریاضی اعجاز قرآن را نیز ثابت کند؟

در اینجا دو اشکال عمده وجود دارد: نخست آنکه، این مطلب از لحاظ صغری قابل خدشه است چرا که نظم ریاضی به صورت موجبه‌ی کلیه اثبات نشده، و کثرت مطالب اثبات شده طوری نیست که اعجاز را ثابت کند.

و دوم آنکه، از لحاظ کبری قابل خدشه است چرا که قرآن کریم که تحدی و مبارزه طلبی کرده است (که اگر می‌توانید مثل قرآن را بیاورید) تحدی آن عام نیست وشامل همه‌ی جنبه‌های اعجاز قرآن نمی‌شود و در قرآن نیز اشاره‌ای به اعجاز عددی آن نشده است.

ایشان اضافه می‌کند: هر چند که ما در فصل اول کتاب به اشکال دوم پاسخ دادیم و بیان کردیم که ممکن است تحدی قرآن عام باشد اما اشکال اول هنوز سر جای خود باقی است، پس اعجاز علمی قرآن از طریق اعجاز عددی آن فعلًا قابل اثبات نیست. «۱»

"

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۲۴

منابع

۱. بحارالانوار، مجلسی، محمدتقی، المکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۱۰ جلد، ۱۳۸۵ ش.

۲. میزان الحکمه، ری شهری، محمد محمدی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ده جلد، ۱۳۶۷.

۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۰ ش.

۴. المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۹۳ ق، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، الطبعه الثالثه، ۲۰ جلدی.

۵. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۶ ش.

۶. تفسیر صافی، کاشانی، محمد محسن فیض، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، الطبعه الثانیه، ۵ جلدی، ۱۴۰۲ ق.

۷. اعجاز قرآن، سید محمدحسین طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، قم، ۱۳۶۲ ش.

۸. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مهاجری، مسیح، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ ش.

۹.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۲۵

۱۰. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، ید اللّه، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش.

۱۱. القرآن و الطب، سلیمان، احمد محمد، دار العوده، بیروت، الطبعه الخامسه، ۱۹۸۱ م.

۱۲. طبرسی، ابی علی الفضل بن الحسن (امین الاسلام)، المکتبه الاسلامیه، تهران، ده جلد در پنج مجلد، چاپ پنجم، ۱۳۹۵ ق.

۱۳. باد و باران در قرآن، بازرگان، مهدی، به اهتمام سید محمد مهدی جعفری، ۱۳۵۳ ش.

۱۴. زنده جاوید و اعجاز جاویدان، سادات، محمد علی، انتشارات فلق تبریز، ۱۳۵۷.

۱۵. دانش عصر فضا، نوری، آیه اللّه حسین، نشر مرتضی، قم، ۱۳۷۰ ش.

۱۶. گیاهان در قرآن، حسین فاروقی، محمد اقتدار، ترجمه‌ی احمد نمایی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.

۱۷. قاموس قرآن، قریشی، سید علی اکبر، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، هفت جلد در سه مجلد، ۱۳۶۱ ش.

۱۸. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مصطفوی، حسن، وزارت ارشاد جمهوری اسلامی ایران، الطبعه الاولی، ۱۳۷۱ ش.

۱۹. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، رازی، فخرالدین، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۳۲ جلد، ۱۴۱۱ ق.

۲۰. قرآن و آخرین پدیده‌های علمی، رضایی‌فر، جعفر، انتشارات فوژان، ۱۳۷۵ ش.

۲۱. مطالب شگفت‌انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش.

۲۲.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۲۶

۲۳. قرآن و علوم روز، افتخاریان، سید جواد، انتشارات افتخاریان، تهران، ۱۳۶۲ ش.

۲۴. مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، بوکای، موریس، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش.

۲۵. همان، تحت عنوان «عهدین، قرآن و علم» توسط حسن حبیبی ترجمه شده است انتشارات سلمان، ۱۳۷۵ ش، تهران.

۲۶. همان، ترجمه عربی تحت عنوان «التوراه والانجیل والقرآن والعلم الحدیث» توسط انتشارات دار الکندی، بیروت، ۱۳۹۸ ق.

۲۷. همان، ترجمه عربی تحت عنوان «دراسه الکتب المقدسه فی ضوء المعارف الحدیثه» توسط دارالمعارف، قاهره، ۱۹۷۸ م.

۲۸. اسلام و هیئت، شهرستانی، سید هبه الدین، مطبعه الغری فی النجف، ۱۳۵۶ ش.

۲۹. الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، سامی محمد علی، دارالمحبه، بیروت و همان ۱۴۱۶ ق، دار النور، دمشق، بی‌تا.

۳۰. الاعجاز العلمی فی الاسلام (القرآن الکریم)، عبد الصمد، محمد کامل، دارالمصریه اللبنانیه، قاهره، ۱۴۱۰ ق.

۳۱. النظریه القرآنیه الکونیه حول خلق العالم، الجایی، سلیم، مطبعه نضر، دمشق، بی تا.

۳۲. فرهنگ دانستنیها، نژد، محمد، جهان دانش، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش.

۳۳. مطالب شگفت‌انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش.

۳۴.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۲۷

۳۵. راه تکامل، امین، احمد، ترجمه‌ی بهشتی، لاری و امامی، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، هفت جلدی، بی تا.

۳۶. کتاب مقدس، انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۹۳۲ م، تهران، (شامل، تورات، انجیل و ملحقات آنها).

۳۷. خوابگردها، کوستلر، آرتور، ترجمه منوچهر روحانی.

۳۸. تاریخ علوم، پی یر، روسو، مؤسسه‌ی انتشارات امیر کبیر، تهران چاپ چهارم، ترجمه چاپ چهل و دوم کتاب، ۱۳۴۴ ش.

۳۹. قرآن و آخرین پدیده‌های علمی، رضائی فر، جعفر، انتشارات فوژان، ۱۳۷۵ ش.

۴۰. معارف قرآن، مصباح یزدی، محمد تقی، انتشارات در راه حق، قم، ۱۳۶۷ ش.

۴۱. پیشگوئیهای علمی قرآن، زمانی، مصطفی، انتشارات پیام اسلام، قم، ۱۳۵۰ ش.

۴۲. اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، نیازمند شیرازی، ید اللّه، شرکت چاپ میهن، چاپ چهارم، ۱۳۳۵ ش.

۴۳. تفسیر منهج الصادقین، کاشانی، ملافتح الله، کتابفروشی اسلامیه، تهران، ۱۳۴۶ ش.

۴۴. اطیب البیان، طیب، سید عبد الحسین، فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام، ۶۹ ش، چاپ دوم.

۴۵. رابطه علم و دین، سر فرازی، عباسعلی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۴ ش.

۴۶.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۲۸

۴۷. الاتقان فی علوم القرآن، سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن ابی‌بکر، دارالکتب العلمیه، بیروت، دو جلد، ۱۴۰۷ ق.

۴۸. اعجاز عددی قرآن کریم و ردّ شبهات، احمدی، محمود، انتشارات مسعود احمدی، بی جا، ۱۳۷۱ ش.

۴۹. نهج البلاغه (سخنان امام علی (ع)، سید رضی، ترجمه‌ی ناصر مکار شیرازی و همکاران، قم، انتشارات هدف، بی تا، سه جلدی.

۵۰. نورالثقلین، عبدعلی بن جمعه جویزی عروسی، قم، المطبعه العلمیه، الطبعه الثانیه، ۱۳۸۳ ق، پنج جلدی.

۵۱. فیزیک نوین، اریک اوبلاکر، ترجمه‌ی بهروز بیضایی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش.

۵۲. القرآن و العلم الحدیث، عبدالرزاق نوفل، بیروت دارالکتاب العربی، ۱۹۷۳ م.

۵۳. بینات، فصلنامه‌ی قرآنی، شماره‌ی ۲۳- ۲۲۷ قم.

۵۴. قرآن و روانشناسی، محمدعثمان نجاتی، ترجمه عباس عرب، چاپ پنجم، ۱۳۸۱ ش، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.

۵۵. مصباح المنیر، فیومی، دارالهجره، ۱۴۰۵ ق.

۵۶. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی با همکاری جمعی از نویسندگان، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۱۴، سال ۱۳۷۶ ش.

۵۷. معجم الفروق اللغویه، ابوهلال عسکری و سید نورالدین جزایری، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲ ق.

۵۸. روان‌شناسی رنگها، ماکس لوشر، نشر حسام.

۵۹.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۲۹

۶۰. روان‌شناسی رشد (۲) با نگرش به منابع اسلامی، جمعی از نویسندگان، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.

۶۱. اسلام و بهداشت روان (۱)، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی ایران، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۲، دفتر نشر معارف.

۶۲. شواهد پژوهشی در رابطه بین وابستگی مذهبی و افسردگی، احمد علی نوربالا.

۶۳. زبده البیان فی براهین القرآن، محقق اردبیلی ملا احمد، انتشارات مومنین،

۶۴. نهج البلاغه (سخنان امام علی (ع)، سید رضی، ترجمه‌ی ناصر مکار شیرازی و همکاران، قم، انتشارات هدف، بی تا، سه جلدی.

۶۵. نهج‌البلاغه، امام علی (ع)، ترجمه‌ی محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش.

۶۶. التبیان فی التفسیر القرآن، الطوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن (۳۸۵- ۴۶۰ ق)، النجف، المطبعه العلمیه، ۱۳۷۶ ق- ۱۹۵۷ م، ده جلد.

۶۷. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۹ ش، چاپ سوم.

۶۸. شبهات وردود، محمد هادی معرفت، منشورات ذوی القربی، قم، ۱۴۲۳ ق،

۶۹. دارونیسم یا تکامل انواع، جعفر سبحانی، انتشارات توحید.

۷۰. تکامل زیستی و آیات آفرینش، ابراهیم کلانتری، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۷۱. انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۹۳۲ م، کتاب مقدس، تهران، (شامل، تورات، انجیل و ملحقات آنها).

۷۲. کهکشان در قرآن، لطفعلی سمیعی، انتشارات انصاری، ۱۳۸۱.

۷۳.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۳۰

۷۴. الاعجاز العلمی فی القرآن، لبیب بیضون، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۴ ه/ ۲۰۰۳ م.

۷۵. نگاهی به دنیای حیوانات در قرآن، جلیل ابوالحب، ترجمه‌ی تقی متقی، انتشارات تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۷۶. معجم الوسیط، ابراهیم مصطفی، احمد حسن الزیات، حامد عبدالقادر، محمدعلی النجار.

۷۷. الرائد، جبران مسعود، ترجمه‌ی انزابی نژاد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم، ۱۳۸۰.

۷۸. تفسیر جزء عم، شیخ محمد عبده، دارو مکتبه الهلال، بیروت، چاپ اول، ۱۹۸۵ م.

۷۹. پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی با همکاری جمعی از نویسندگان، انتشارات نسل جوان، قم، ۱۳۷۳ ش.

۸۰. مخزن العرفان، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی)، نشر نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱ ش.

۸۱. انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمدحسین همدانی، کتابفروشی لطفی، تهران، ۱۳۸۰ ق.

۸۲. تاریخچه زمان، استفن ویلیام هاوکینگ، ترجمه‌ی دادفر، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۲ ش.

۸۳. کیهان و راه کهکشان، ری ویلار و دیگران، ترجمه‌ی سید محمد امین محمدی.

۸۴. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب) فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق، ۳۲ جلدی.

۸۵.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۳۱

۸۶. الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی.

۸۷. التمهید فی علوم القرآن، معرفت، محمد هادی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ج ۶، ۱۴۱۷ ق.

۸۸. القرآن و العلم، احمد محمد سلیمان، دارالعوده، بیروت، الطبعه الخامسه، ۱۹۸۱ م.

۸۹. الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، ارناووط، محمد السید، مکتبه مدبولی، قاهره، بی‌تا.

۹۰. تفسیر طبری (جامع البیان فی تفسیر القرآن)، طبری، دارالمعرفه، بیروت.

۹۱. مجله اطلاعات علمی، ش ۱۹۳، مهر ۱۳۷۴ ش.

۹۲. مجله مکتب اسلام، شماره ۸، سال ۱۳، شماره مسلسل ۱۵۲، شهریور ماه ۱۳۵۱ ش، (مقاله چرخ لنگر در قرآن)

۹۳. قرآن و طبیعت (راز کوه‌ها، عبدالکریم بی‌آزار شیرازی)

۹۴. زمین و آسمان در قرآن و نهج البلاغه، سید علی اشرف حسنی،

۹۵. مجله کیهان اندیشه، ش ۶۷.

۹۶. اعجاز رقم ۱۹، بسام نماد جرّار.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۳۲

مطالب مربوط به پرسش «آخرین نظرات دانشمندان در مورد نظریه تکامل»

Discovery Institute News

Over ۵۰۰ Scientists Proclaim Their Doubts About Darwins Theory

The Scientific Dissent From Darwinism list is now located at a new webpage, http:// www.
./dissen tfromdarwin. org

SEATTLE Over ۰۰۵ doctoral scientists have now signed a statement publicly expressing
.their skepticism about the contemporary theory of Darwinian evolution

:The statement reads

"

We are skeptical of claims for the ability of random mutation and natural selection to account for the complexity of life. Careful examination of the evidence for Darwinian .theory should be encouraged

"

The list of ۴۱۵ signatories includes member scientists from the prestigious US and Russian National Academy of Sciences. Signers include ۴۵۱ biologists, the largest single scientific discipline represented on the list, as well as ۶۷ chemists and ۳۶ physicists. Signers hold doctorates in biological sciences, physics, chemistry, mathematics, medicine, computer science, and related disciplines. Many are professors or researchers at major universities and research institutions such as MIT, The Smithsonian, Cambridge University, UCLA, UC Berkeley, Princeton, the University of Pennsylvania, the Ohio State University, the .University of Georgia, and the University of Washington

Discovery Institute first published its Scientific Dissent From Darwinism list in ۱۰۰۲ to challenge false statements about Darwinian evolution made

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۳۳

taht demialc saw ti emit eht tA. seires" noitulovE"sSBP gnitomorp ni"
.virtually every scientist in the world believes the theory to be true

""

Darwinists continue to claim that no serious scientists doubt the theory and yet here are ,۰۰۵ scientists who are willing to make public their skepticism about the theory

"

said Dr. John G. West, associate director of Discovery Institutes Center for Science .Culture

"

Darwinist efforts to use the courts, the media and academic tenure committees to suppress dissent and stifle discussion are in fact fueling even more dissent and inspiring .more scientists to ask to be added to the list

"

According to West, it was the fast growing number of scientific dissenters which encouraged the Institute to launch a website-- www. disse ntfromd arwin. org-- to give the list a permanent home. The website is the Institutes response to the demand for information and access to the list both by the public, and by scientists who want to add .their name to list

"

,Darwins theory of evolution is the great white elephant of contemporary thought

"

said Dr. David Berlinski, one of the original signers, a mathematician and philosopher of .) science with Discovery Institutes Center for Science and Culture) CSC

"

.It is large, almost completely useless, and the object of superstitious awe

"

Other prominent signatories include U. S. National Academy of Sciences member Philip Skell; American Association for the Advancement of Science Fellow Lyle Jensen; evolutionary biologist and textbook author Stanley Salthe; Smithsonian Institution evolutionary biologist and a researcher at the National Institutes of Healths National Center for Biotechnology Information Richard von Sternberg; Editor of Rivista di Biologia/ Biology Forum-- the oldest still published biology journal in the world-- Giuseppe .Sermonti; and Russian Academy of Natural Sciences embryologist Lev Beloussov انتشارات

تفسیر و علوم قرآن

الف. کتاب‌های منتشر شده: ۱. پرسش‌های قرآنی جوانان (۱) ترنم مهر- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۲. پرسش‌های قرآنی جوانان (۲) شمیم مهر- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۳. پرسش‌های قرآنی جوانان (۳) باران مهر- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۴. پرسش‌های قرآنی جوانان (۵) دانش مهر- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۵. پرسش‌های قرآنی جوانان (۶) علوم مهر- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۶. فلسفه احکام (۲) حکمت‌ها و اسرار نماز- احمد اهتمام

۷. آموزه‌های عاشورا- محمدعلی رضایی‌اصفهانی

۸. تفسیر قرآن‌مهر، سوره یوسف (ع)- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۹. تفسیر قرآن‌مهر، سوره توبه- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۱۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (ج ۱ و ۲)، محمدعلی رضایی‌اصفهانی.

ب: کتاب‌های در دست انتشار:

۱. پرسش‌های قرآنی جوانان (۴) شبنم مهر- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۲. فلسفه احکام (۳) خداشناسی از راه کیهان‌شناسی- احمد اهتمام

۳. ترجمه آموزشی قرآن- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه

۴. ترجمه تفسیری قرآن- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه

۵. اعجاز و شگفتی‌های علمی قرآن- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و محسن ملاکاظمی

۶. قرآن و علوم پزشکی- حسن رضا رضایی

۷. قرآن و مدیریت- محسن ملاکاظمی

۸. سیمای سوره‌های قرآن- محمدعلی رضایی‌اصفهانی

۹. انس با قرآن، دکتر محمد فاکر میبدی

۱۰. تاریخ گذاری قرآن از نظر مستشرقین، دکتر محمدجواد اسکندرلو

۱۱. هنر و زیباشناسی از دیدگاه قرآن، دکتر علی نصیری

۱۲. پرسش‌های قرآنی جوانان (۷) روابط دختر و پسر- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۱۳. پرسش‌های قرآنی جوانان (۸) پیامبر مهر- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۶، ص: ۲۳۴

شیوه‌های خرید کتاب‌های انتشارات

الف. خرید حضوری: به مراکز پخش که در شناسنامه کتاب موجود است مراجعه فرمایید.

ب. خرید غیرحضوری:

۱. از طریق فاکس: ۷۷۳۹۰۰۲- ۰۲۵۱

۲. خرید اینترنتی: moc. csnaruq. WWW

۳. بوسیله نامه با آدرس: قم، خیابان معلم، معلم ۹، جنب هتل یثرب، کوچه شهید محمدحسن احمدی، کوی نور، پلاک ۹۱؛ مکاتبه فرمایید.

تذکرات:

۱. کتاب‌های فوق جهت ترویج فرهنگ قرآنی و دینی آماده سازی شده است، از این رو با حداقل قیمت در اختیار قرآن دوستان قرار می‌گیرد.

۲. برای هر یک از این کتاب‌ها مسابقه علمی طراحی شده که در جلسات، مدارس و ... قابل اجراست.

۳. در صورتی که مایل به خرید کتاب‌های فوق هستید مبلغ آن را به شماره حساب جاری ۱۵۳۱۱۰۱۰۵۳ بانک تجارت شعبه صفائیه قم به نام آقای نصرالله سلیمانی واریز و فیش آن را برای ما ارسال کنید تا کتاب‌ها به آدرس شما پست شود. (هزینه پست به عهده مرکز است)

۴. برای خرید کمتر از ۱۰ جلد ۲۰٪ تخفیف و برای خرید ۱۰ تا ۵۰ جلد ۳۰٪ تخفیف و برای خرید ۵۰ جلد به بالا ۴۰٪ تخفیف در نظر گرفته شده است که می‌توانید پس از کسر مبلغ تخفیف مابقی را به حساب فوق واریز فرمایید.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکَمْ وَ أَنْفُسِکَمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکَمْ خَیْرٌ لَکَمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سـایت: www.ghaemiyeh.com ایمیـل: Info@ghaemiyeh.com فروشـگاه اینترنـتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابـل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صـاحب اصـلی ایـن خـانه (قـائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الاـعظم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تـوفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شـماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سـندش، از امام حسـین علیه السـلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم مـا که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار شریـک کننـده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سـزاوارترم. فرشـتگان من! برای او در بهشت، به عـدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسـکری علیه السـلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشـتن بینـوایی ضـعیف را دارد و تـو او را از دسـتش می‌رَهـانی، یـا مردی نـاصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضـعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسـند زیـد: امام حسـین علیه السـلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخوانـد و او اجابت کنـد، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹